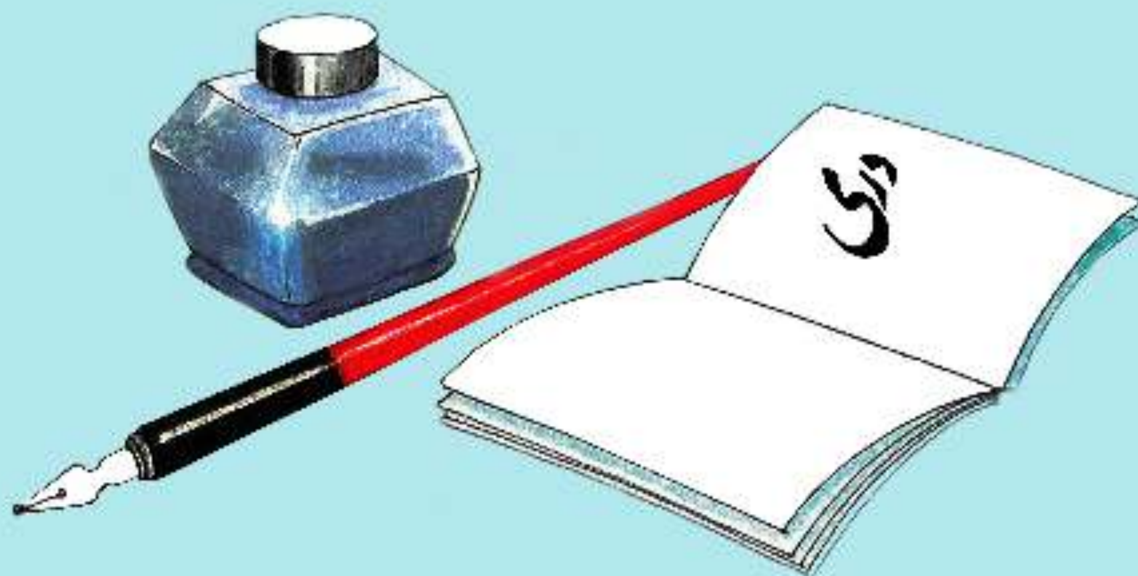
جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت معارف

زبان و ادبیات دری

صنف هفتم

«برای مکاتب پشتو زبان»



زبان و ادبیات دری- صنف هفتم «برای مکاتب پشتو زبان»

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ. ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر



بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت معارف

زبان و ادبیات دری

صنف هفتم

(برای مکاتب پشتوزبان)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ .ش.



مشخصات کتاب

مضمون: دری

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: هفتم برای مکاتب پشتو زبان

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپ‌خانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست



درس اول

حمد



شاگردان عزیز،

سال گذشته درمورد ستایش خداوندﷻ مطالبی را آموخته بودید، اکنون نیز حمدی را که با توصیف‌های دلنشین، زیبایی خاص یافته است می‌خوانیدکه این شعر از شاعر بزرگ و توانای شعر و ادب فارسی دری، سعدی می‌باشد، که در حکمت، موعظه و ایراد حکم و امثال از هر شاعر فارسی دری زبان موفق‌تر است.

همچنان با «کلمه» آشنا می‌شوید. حالا بگویید که:

چرا هر کار نیک را با نام خداوندﷻ آغاز می‌کنیم؟

ثنا و حمد بی‌پایان خدا را | که صنعش در وجود آورد ما را

وز انعامت همیدون چشم دارم | که دیگر باز نستانی عطا را

زاحسان خداوندی عجب نیست | اگر خط درکشی جرم و خطا را

خداوندا! بدان تشریف و عزت | که دادی انبیاء و اولیاء را

به حق پارسایان کز در خویش | نیندازی من ناپارسا را

خدایا! گر تو سعدی را برانی | شفیع آرد روان مصطفی را

محمد سید سادات عالم

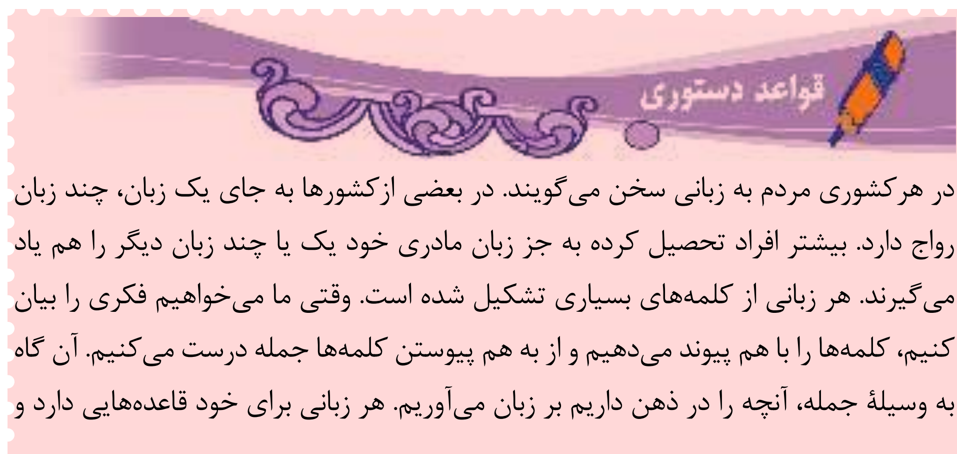
چراغ و چشم، جمله انبیاء را

سعدی



حمد: در لغت به معنای ثنا و ستایش است؛ اما در اصطلاح ادب، سخن زیبا در قالب شعر و نثر در ستایش خداوند﷯ می‌باشد.

توضیح بیت چهارم و پنجم: خداوندا! به آن عزت و بزرگی که به پیغمبران و دوستداران خود دادی و به آن حق که برای پرهیزگاران داری، من ناپرهیزگار را از نظر خویش نیندازی.



در هرکشوری مردم به زبانی سخن می‌گویند. در بعضی ازکشورها به جای یک زبان، چند زبان رواج دارد. بیشتر افراد تحصیل کرده به جز زبان مادری خود یک یا چند زبان دیگر را هم یاد می‌گیرند. هر زبانی از کلمه‌های بسیاری تشکیل شده است. وقتی ما می‌خواهیم فکری را بیان کنیم، کلمه‌ها را با هم پیوند می‌دهیم و از به هم پیوستن کلمه‌ها جمله درست می‌کنیم. آن گاه به وسیلهٔ جمله، آنچه را در ذهن داریم بر زبان می‌آوریم. هر زبانی برای خود قاعده‌هایی دارد و

آموختن قواعد دستوری ما را از ساختار صرفی و نحوی زبان آگاه می‌سازد و به آموختن هر زبان دیگری یاری می‌کند و می‌توانیم زبان‌های دیگر را به آسانی فرا بگیریم.

مجموع قاعده‌های هر زبانی را در زبان دری دستور، در عربی صرف و نحو و در برخی زبان‌های اروپایی گرامر می‌گویند. ما که به زبان دری سخن می‌گوییم، می‌خوانیم و می‌نویسیم، باید دستور زبان دری را خوب بیاموزیم. نخست دستور زبان را تعریف می‌نماییم و به تعقیب آن با کلمه و اقسام آن آشنا می‌شویم. دستور زبان عبارت از علم تشریح قواعد، قوانین و ضابطه‌های زبان است.

تعریف کلمه

لفظ معنادار را کلمه گویند که همواره دارای معنای لغوی می‌باشد؛ مانند: کتاب، قلم، فریاد و...



* خداوندی را ثنا، صفت و ستایش می‌کنیم که ما را آفرید و هستی بخشید، و از خداوند ﷻ می‌خواهیم که نعماتی را که برای ما اعطا کرده از ما نگیرد.کرم و احسان خداوند ﷻ عجیب نیست؛ زیرا بخشاینده و مهربان است و گناهان و خطاهای بنده‌های خود را می‌بخشد. ای خدای بزرگ! به آن عزت و بزرگی که به پیغمبران، دوست‌داران و پرهیزگاران اعطا کرده‌ای ما را نیز از درگه‌ات ناامید مگردان!

* دستور زبان علم تشریح قواعد و قوانین زبان است و کلمه لفظ معنادار را گویند که دارای معنای لغوی و یا دستوری باشد.



بشنو و بگو

- چرا خداوندﷻ را ستایش می‌کنید؟
- مفهوم بیت زیر را توضیح دهید:

به حق پارسایان کز در خویش   نینـدازی مـن ناپـارسـا را

- به مجموع قاعده‌های زبانی در زبان فارسی دری، عربی و زبان‌های اروپایی چه می‌گویند؟
- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شده، در مورد ثنا و صفات خداوندﷻ باهم بحث و گفتگو کنند. بعد از هر گروه یک شاگرد پیش روی صنف آمده به دیگران توضیح دهد.

به دوستانت بگو

- هر کار خیر را با نام خداوندﷻ آغاز می‌کنیم.
- خداوندا! به کرم و بخشش تو همیشه چشم داریم.

بخوان و بنویس

- متن را خاموشانه در مدتی معین مطالعه کنید.
- متن درس را یکبار به خط خوب در کتابچه‌های خود بنویسید.
- با هر یک از این کلمه‌ها یک جملهٔ خبری و یک جملهٔ پرسشی بسازید:

حمد، احسان، عزت



- در مورد نعمت‌هایی که خداوندﷻ برای ما ارزانی فرموده است در کتابچه‌های خود چهار سطر بنویسید.
- خاطرهٔ آغاز سال تعلیمی، آمدن به صنف هفتم و دیدن همصنفان خود را در روز بعد به همدیگر بگویید.



درس دوم

نعت



شاگردان عزیز،

نخستین درس ما ثنا و ستایش خداوندﷻ بود. دومین درس خود را با یاد محمدﷺ پیامبر بزرگ اسلام و صفات نیک آن حضرت آغاز می‌کنیم. پیامبری که خداوندﷻ او را برای راهنمایی بنده‌گانش برگزید وکلیدهای دانش و سرچشمه‌های حکمت را به او بخشید؛ همچنین با کلمه‌های مستقل آشنا می‌شویم.

- دربارۀ پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمدﷺ چه می‌دانید؟
- چند صفت از صفات محمدﷺ را می‌توانید نام ببرید؟

از شرق تا به غـــــرب دیار محمد است / درشش جــهت نسیم بهار محمــد است

محروم نیست هیچ‌کس از بحر رحمتش / نیک وبد هرچه است به کار محمـد است

با دشـــمنان خــوی ترحم نموده است / همراه بــد نـکویی شعــار محمد اسـت

هرکس که بر نبوتش اقرارکرده اســـت / در قـاف اگــر بود به جــوار محمد است

دوری نـدارد ازدل اخلاصـمند خـویـش / هرچـند درمدیــــنه مزار محمــد است

نزد خـدا مراتبش عالیست از ملـــــک / هرکس چو ویس عالیست زار محمد است

درحـضرت تمیــــم به اخلاص می‌روم / دانم که ازصــــحاب کبـار محمد است

همراه هرگروه به جهان لطف کرده است / عالم خوش از مرور و مـدار محمد اسـت

داری خبر ز گردش نعلین شان به عرش / آن شمــــه‌یی ز قدر و وقار محمد است

عشقری



در توضیح بیت: در حضرت تمیم به اخلاص می‌روم / دانم که از صحاب کبار محمد است باید گفت: عشقری می‌گوید من برخاک جابر انصار و شهدای صالحین به خلوص نیت می‌روم؛ زیرا می‌دانم که آن‌ها از اصحاب بزرگ پیامبر اند.

ویس قرنی: کسی بود که بیش از حد عاشق و شیفتهٔ دیدار حضرت محمدﷺ بود. گویند هنگامی که خبر شد در جنگ «اُحد» دندان آن حضرتﷺ شهید شد، تمام دندان‌های خود را از بین برد که این نشانهٔ بسیار بزرگ از محبت او نسبت به آن حضرتﷺ بود. با وجودی که آن حضرتﷺ را از لحاظ ظاهری ندیده بود؛ اما محبت باطنی او در حد بالایی بود. گروهی از مردم پیروان ویس اند که به نام اویسیان یاد می‌شوند.

قواعد دستوری

کلمه‌های مستقل

کوچکترین واحد با معنای زبان بوده و همواره دارای معنای مستقل و لغوی است. که سه نوع می‌باشد: ساده، مشتق و مرکب.

۱- کلمهٔ ساده: آن است که تنها یک جزء بوده و قابل تجزیه به اجزای مستقل یا نا مستقل نباشد؛ مانند: زن، مرد، گل، اسپ، بزرگ، خوب و...

۲- کلمهٔ مشتق: آن است که از یک کلمهٔ آزاد و چند جزء بسته ساخته شده باشد؛ مانند: همسفر، فروتن، امروز، نادار و...

۳- کلمهٔ مرکب: آن است که از دو کلمهٔ آزاد تشکیل شده باشد؛ مانند: روزنامه، زردآلو، شورانگیز، سیاه‌چشم و...

خلاصهٔ درس

دین حضرت محمد ﷺ شرق تا غرب را در بر گرفته و از شش طرف نسیم بهاری دین اسلام می‌وزد. نیک و بد از مهربانی و شفقت او محروم نیستند و شعار او نیکویی و ترحم حتی با دشمنان است، و هر کسی که به پیغمبری آن حضرت اقرار کرده اگر در کوه قاف هم باشد فکر می‌کند که در پهلوی محمد ﷺ است.

هرکسی که مثل ویس عاشق و شیدای محمد ﷺ است، نزد خداوند ﷻ مرتبهٔ عالی دارد.

آیا خبرداری از رفتن آن حضرت به سفر معراج؟ آن فقط ذره‌یی از عزت و سر بلندی او می‌باشد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- برداشت تان را از مفهوم درس بیان نمایید.
- چند صفت نیک پیامبر بزرگ اسلام را از متن درس بیان کنید.
- این بیت را توضیح نمایید:

ا ز شرق تا به غرب دیار محمد است　　　در شش جهت نسیم بهار محمد است

- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند. در مورد مفهوم نعت و صفات نیک حضرت محمد ﷺ با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند. در آخر نتیجهٔ بحث را از هر گروه یک نفر به دیگران بیان کنند.

به دوستانت بگو

- شعار محمد ﷺ با دشمنان و بدان، ترحم و نیکویی است.
- عزت و سربلندی و بردهباری آن حضرت ﷺ آن‌قدر زیاد است که رفتن به عرش خداوندی یا سفر معراج ذره‌یی از آن است.

بخوان وبنویس

- پیام این بیت چیست؟ بنویسید:

هرکس که بر نبوتش اقرار کرده است　　　درقاف اگر بود به جوار محمد است

- نعت را دقیق بخوانید و مفهوم آن را در چهار سطر بنویسید.
- از چهار جواب یکی را تأیید کنید:

معنای لطف است:

بردهباری　–　رحم کردن　–　مهربانی　–　نامهربانی

کارخانه گی

- بیت‌های اول و دوم نعت را حفظ نموده روز آینده در صنف قرائت نمایید.
- واژه‌های زیر را در جمله‌های مناسب به کار ببرید:

شعار، مدینه، ترحم، عالم و نیک

زبان دری



شاگردان عزیز،

در درس‌های سال‌های گذشته، شما درباره زبان دری خواندید، خواندن، نوشتن آن را فرا گرفتید. درس امروز ما باز هم در مورد زبان دری است. در این درس شما به‌گونهٔ کوتاه با مهد زبان دری و زمان پیدایش آن آشنایی حاصل خواهید نمود. اکنون از شما پرسیده می‌شود:

- به نظرشما چرا این زبان را دری می‌گویند؟
- درکدام مناطق افغانستان مردم بیشتر به زبان دری تکلم می‌کنند؟

در زمانه‌های خیلی قدیم زبان دری را به نام‌های پارتی، پرثوی و پهلوی یاد می‌کردند؛ اما در اوایل دورهٔ اسلامی این زبان را جایی فارسی، جایی دری و جایی دیگر فارسی دری می‌نامیدند. دانشمندان مهد پیدایش و پرورش زبان پارسی دری را بلخ و بخارا و سرزمین‌های دو طرف دریای آمو می‌دانند. برخی از دانشمندان عقیده دارند که زبان دری برخاسته از پهلوی اشکانی است؛ چون مؤسس خانوادهٔ باختری بلخ ارشک (اشک) نام داشت، پس آن‌ها به نام اشکانیان معروف شدند. شاهان این سلسله مدت ششصد سال در منطقهٔ وسیعی که شامل افغانستان امروز، سواحل دریای آمو، فارس، عراق و آسیای صغیر می‌شد، امپراتوری بزرگی را تشکیل دادند و زبان شان مدت شش قرن زبان رسمی، اداری و مسلط در قلمرو آنان بود و حیثیت زبان رسمی و درباری را داشت؛ بنابر آن به زبان پهلوی اشکانی مسمی شد. بالآخره با از بین رفتن این سلسله و تحول، زبان‌شان، به نام پرثوی دری یا پارتی دری و سرانجام به پارسی دری معروف گردید؛ یعنی فارسی در اصل شکل تغییر یافته و دیگرگون شدهٔ پرثوی یا پارتی است. شمار دیگری از دانشمندان، زبان فارسی دری را از ریشهٔ زبان تخاری می‌دانند. واقعیت آن است که مردم فرارود (ماوراء النهر)، تخارستان و شمال افغانستان و سرزمین‌های آن‌سوی دریای آمو در سده‌های اول و دوم هجری به این زبان سخن می‌گفتند.

با تأ سیس دولت صفاری در قرن سوم هجری زبان فارسی دری به گونهٔ توسط یعقوب لیث صفار مؤسس دولت صفاری به جای زبان عربی زبان رسمی قرار داده شد و از آن به بعد در دربارهای سامانی، غزنوی، سلجوقی، تیموری، مغولی هند، دولت عثمانی و آسیای صغیر رشد و انکشاف نمود و تا امروز حیثیت زبان رسمی و درباری را دارد که مدت درازی در حدود بیشتر از یک هزار و پنجصد سال را احتوا می‌کند. رفته رفته زبان پارسی دری از یوگوسلاویا و کرانه‌های رود دانیوب تا گنگا در سواحل هندوستان، زبان شعر و ادب، سیاست و تجارت گردید و دانشمندان، سخنوران، شاعران و فیلسوفان در طول تاریخ آثار نظم و نثر فراوانی به این زبان آفریدند؛ البته مردمان و اقوام مختلف و سلطنت‌های گوناگون نیز در گسترش و شگوفایی آن کوشش بسیار کردند. در مورد این که چرا نام این زبان را «دری» گذاشته اند، نظریات گوناگونی وجود دارد. بعضی آن را به دره نسبت می‌دهند؛ یعنی زبان دره‌یی و زبانی که در دره‌ها تولد یافته و مردم دره‌ها بدان سخن می‌گفتند. برخی دیگر آن را به دربار و درگاه نسبت داده اند؛ زیرا زبان دربار پادشاهان و زبان طبقهٔ حاکم بوده. گروه دیگری از دانشمندان آن را مخفف زبان «تخاری» می‌دانند که تخاری به مرور زمان به «تهری» مبدل گردیده؛ سپس چون یکجا شدن حروف «ت» و «هـ» – قبل ازحرف «ر» – در زبان ایجاد ثقلت نموده، آن را به«د» مبدل کرده اند، که واژهٔ (دری) به میان آمده و نام این زبان گردیده است.

امروز زبان پارسی دری تنها در کشورهای افغانستان، ایران و تاجکستان منحصر نمانده؛ بلکه در بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپایی و امریکایی بیشتر از دوصد میلیون تن گوینده و شنونده داشته و از شمار زبان‌های زنده و برازندهٔ جهان به شمار می‌رود.
باید گفت که زبان فارسی دری را در افغانستان به نام دری، در ایران به نام فارسی و در تاجکستان به نام تاجکی یاد می‌کنند؛ اما حقیقت این است که دری، فارسی و تاجکی همان زبان واحد «فارسی دری» است، نه سه زبان مختلف. و نام‌های دری، فارسی و تاجکی نشان دهندهٔ موقعیت جغرافیایی این زبان است، نه بیانگر اختلاف ریشه‌یی آن.



زبان تخاری: زبانی که در تخارســـتان رایج بوده و تخارستان نامی است که از قدیمترین زمان بریکی از ولایت‌های شرقی آریانا گفته می‌شد که ولایت‌های شمالی افغانستان امروزی و قسمت‌هایی از مناطق آن سوی دریای آمو را در بر می‌گرفت.
صفاری، سامانی، غزنوی، سلجوقی، تیموری و دولت عثمانی: حکومت‌هایی بودند که یکی پس از دیگر، دولت‌های مستقل و بزرگی را تشکیل دادند و مدتی طولانی حکمروایی داشتند.
یوگوسلاویا: کشوری بود درشرق اروپا که در سال‌های اخیر به پنج کشور تقسیم شد.
رود دانیوب: دریایی است که درشرق اروپا موقعیت دارد.



کلمه‌های نامستقل

در درس‌های گذشته گفته بودیم که کلمه یا واژه در زبان دری دونوع است: یکی کلمه‌های مستقل و دیگری نامستقل.
کلمه‌های نامستقل واژه‌هایی را می‌گویند که معنای لغوی ندارند؛ اما وظیفهٔ گرامری دارند. این نوع کلمه‌ها نیز به دو بخش «نشانه‌های ساختمانی» و «وندها» تقسیم می‌شوند؛ مانند:

- را، و، که، اگر، ولی (نشانه‌های ساختمانی)

- می، همی، اید، گان، گاه، مند (وندها)

مثال‌هایی ازنشانه‌های ساختمانی:

۱- اوکتاب را خواند.

۲- کریم و زلیخا آمدند.

۳- من انتظار می‌کشم؛ اگر او نیامد خواهم رفت.

۴- شما بفرمایید، بیایید؛ اگر شگوفه نیامد، انتظار او نخواهیم ماند.

۵- من که آمدم، تو آنجا باشی.

مثال‌هایی هم از وندها:

۱- غزال به پلخمری می‌رود.

۲- او نان همی‌خورد.

۳- شما نان خورده اید؟

۴- عمر زنده‌گان دراز باد!

۵- درس‌های دانشگاه شروع شده است.

۶- وی خیلی دردمند به نظر می‌آمد.



زبان دری در دوران‌های پیشین به نام‌های پارتی، پرثوی و پهلوی و بعدها به نام‌های فارسی و دری که مترادف هم اند به‌کار می‌رود. دانشمندان مهد پیدایش آن را بلخ و باختر و سرزمین‌های دو طرف دریای آمو می‌دانند. واقعیت آن است که مردم فرارود (ماوراء النهر)، تخارستان، شمال افغانستان و سرزمین‌های آن سوی دریای آمو در سده‌های اول و دوم هجری به این زبان سخن می‌گفتند.

زبان پارسی در افغانستان به نام دری، در ایران به نام فارسی و در تاجکستان به نام تاجکی یاد می‌شود. دانشمندان، سخنوران و فیلسوفان در طول تاریخ با موجودیت این زبان آثار نظم و نثر فراوان آفریدند و رفته رفته زبان پارسی دری از یوگوسلاوی و کرانه‌های رود دانیوب تا سواحل گنگا در هندوستان زبان شعر، ادب، سیاست و تجارت گردید.

کلمه‌های نامستقل واژه‌هایی اند در زبان دری که وظیفۀ دستوری دارند.



بشنو و بگو

- زبان دری در گذشته به چه نام‌ها یاد می‌شد؟
- دانشمندان بستر پیدایش زبان دری را کجا می‌دانند؟
- زبان پهلوی اشکانی را چرا به این نام یاد می‌کنند؟
- زبان دری در کدام دوران رشد و انکشاف زیاد نمود؟
- امروز در کجاها بیشتر به این زبان تکلم می‌شود؟
- در مورد کلمهٔ «دری» چه نظریات وجود دارد؟
- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و در مورد پیدایش و دوران رشد زبان دری بحث و گفتگو نمایند؛ در آخر نمایندهٔ هر گروه نتیجهٔ بحث گروه خود را بیان کند.

به دوستانت بگو

• دانشمندان، مهد پیدایش و پرورش زبان پارسی دری را بلخ و باختر و سرزمین‌های دوطرف دریای آمو می‌دانند.

• با تأسیس دولت صفاری، یعقوب لیث صفار زبان پارسی دری را به جای زبان عربی به حیث زبان رسمی و درباری قرار داد.

• امروز زبان فارسی دری تنها در کشورهای افغانستان، ایران و تاجکستان منحصر نمانده؛ بلکه در بسیاری از کشورهای آسیایی، اروپایی و امریکایی نیز گوینده دارد.

بخوان و بنویس

- متن درس را خاموشانه به طور دقیق بخوانید و نکات مهم آن را بیرون نویس نمایید.
- کلمه‌های زیر را درجمله‌های مناسب به کار ببرید:

بلخ، مؤسس، پهلوی، دری، پرورش.

جاهای خالی را پرکنید

- دانشمندان..............زبان...........را بلخ و.......... و سرزمین‌های دو طرف.........می‌دانند.
- از شمار زبان‌های.......... و............ جهان به شمار می‌رود.
- امروز............. تنها در کشورهای........... ایران............. منحصر نمانده است.



- نکات عمده و مهم درس را از یاد نموده روز آینده در برابر شاگردان بیان نمایید.
- درمورد دوران رشد و انکشاف زبان پارسی دری و اهمیت آن شش سطر بنویسید.



درس چهارم

سرزمین من



شاگردان عزیز،

افغانستان کشوری است که در قلب آسیا موقعیت دارد. جایگاه علما و دانشمندان مشهور است و در جهان از شهرت خوب برخوردار می‌باشد در درس گذشته راجع به زبان دری موضوعات و مفاهیمی را آموختیم اکنون راجع به اقوام، رسوم و عنعنات مختلف کشور خویش آگاهی حاصل می‌نماییم.

- در نقشه کجا را می‌بینید؟
- افغانستان در کجا موقعیت دارد؟

سرزمین من، افغانستان است. افغانستان یک کشور اسلامی بوده و درقلب آسیا موقعیت دارد. سرزمین من دارای کوه‌های بلند، هوای معتدل و چشمه‌های گوارا است. در افغانستان اقوام مختلف باهم زنده‌گی می‌کنند و همه برای پیشرفت و ترقی وطن عزیز شان کار نموده و تلاش می‌ورزند.

سرزمین من، تاریخ درخشان و پنج هزار ساله دارد. مردمان آن شجاع، دلیر و مهمان نواز استند و همواره در برابر تجاوز بیگانه‌گان با اتحاد و اتفاق می‌ایستند و برای آزادی و استقلال کشور از دل و جان می‌کوشند.

سرزمین من، روزگاری مراکز اساسی تعلیم و تعلم در شرق بود؛ به‌گونۀ مثال: از بلخ (ام البلاد)، هرات (هری)، غزنی (غزنه) و غور می‌توان نام برد. بزرگ‌مردان، فیلسوفان و دانشمندان افتخار آفرین آن نه تنها در منطقه؛ بلکه در جهان از شهرت زیادی برخوردار اند؛ مانند: ابن سینای بلخی، رابعۀ بلخی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، عنصری بلخی، علامه سیدجمال‌الدین افغان، سنایی غزنوی، مولانا عبدالرحمن جامی، رحمان بابا، خوشحال خان ختک، خواجه عبدالله انصاری، و صدها تن دیگر از این بزرگ مردان که برای غنامندی فرهنگ، پیشرفت و شگوفایی سرزمین شان همواره کار نموده و زحمت می‌کشیدند. بر ماست که باهم تلاش نموده و برای زنده‌گی بهتر و فردای با سعادت از همین حالا درس خوانده و با اتفاق، اتحاد و همبسته‌گی کامل همه اقوام در کنار هم با روحیۀ وطن‌دوستی، برادری، فضای صلح و آرامش را فراهم نموده و مصدر خدمت برای کشور خود شویم.

قواعد دستوری

اسم

اسم کلمه‌یی است که به انسان، حیوان، نبات و یا چیزی، اطلاق می‌شود. و یا این طور می‌توانیم تعریف کنیم که اسم نام اشیا و اشخاص بوده و دارای خصوصیت‌های ذیل می‌باشد:

۱- پسوند جمع را بپذیرد.

۲- نشانهٔ افزایش را بپذیرد.

۳- پسوند ندا را بپذیرد.

۴- پسینهٔ (را) را بپذیرد.

اسم به اقسام آتی تقسیم می‌شود: اسم ذات و معنا، اسم خاص و عام، اسم جمع و مفرد، اسم معرفه و نکره، اسم زمان و مکان و اسم تصغیر.

در متن درس کلمه‌های افغانستان، سرزمین، کوه‌ها، چشمه‌ها و وطن اسم اند.

خلاصهٔ درس

سرزمین من، افغانستان است، افغانستان یک کشور اسلامی است و در قلب آسیا موقعیت دارد. سرزمین من تاریخ درخشان و پنج هزار ساله داشته جایگاه بزرگ مردان فکر و اندیشه، علما و دانشمندان مشهور بوده است که نه تنها در افغانستان؛ بلکه در سراسر جهان از شهرت برخوردار بوده اند؛ مانند: ابن سینای بلخی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، رابعهٔ بلخی، سنایی غزنوی، علامه سیدجمال الدین افغان و....

فعالیت ها

بشنو و بگو

۱- افغانستان در کجا موقعیت داشته و چگونه آب و هوا دارد؟
۲- از شهرهای مهم افغانستان نام ببرید که روزگاری مهد علم و دانش بوده است.
۳- از شخصیت‌های بزرگ کشور ما که شهرت جهانی دارند نام ببرید.
۴- چگونه می‌توانیم برای وطن خود خدمت نماییم؟
۵- اسم را تعریف نموده مثال بیاورید.
۶- اسم به چند نوع تقسیم شده است؟ نام بگیرید.
۷- اگر در بارهٔ افغانستان معلومات بیشتر دارید برای همصنفان تان بیان نمایید.
۸- خلاصهٔ درس را به زبان ساده بیان کنید.
۹- دو دو نفر شاگرد در بارهٔ رسوم و عنعنات افغانستان باهم مباحثه نمایند.

بخوان و بنویس

- متن درس را خوانده و نکات مهم را بیرون نویس کنید.
- دربارهٔ وطن‌دوستی یک مقالهٔ کوتاه بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.
- واژه‌های درس را در جمله‌های ساده به کار ببرید.
- جاهای خالی را پرنمایید.
- افغانستان تاریخ............ دارد. مردمان آن..........و..........اند.
- در افغانستان اقوام....... با هم.......... می کنند.
- سه جمله بنویسید که در آن اسم به کار رفته باشد.
- درس را به دقت بخوانید و زیر اسم‌های آن خط بکشید.

جمله‌های زیر را خانه پری کنید

سرزمین من............ پنج هزار...... دارد.
افغانستان یک................ بوده و در.......... موقعیت دارد.

کارخانه گی

در بارهٔ این که در آینده چگونه می‌توانید برای سرزمین تان مصدر خدمت شوید چند سطر بنویسید.

نکات عمده و مهم درس را حفظ نموده و روز آینده در برابر صنف بیان نمایید.



درس پنجم

زراعت (کشاورزی)



شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته در مورد سرزمین ما افغانستان که یک کشور زراعتی است چیزهایی را دانستید. در این درس در مورد زراعت و اهمیت آن در کشور آگاهی حاصل می‌نمایید. همچنان با اسم عام آشنا می‌شوید. قبل از شروع درس به این پرسش‌ها پاسخ دهید:

- اگر در یک کشور زراعت وجود نداشته باشد، چه مشکلات به بار می‌آید؟
- زراعت در اقتصاد یک کشور چه نقش دارد؟

ترقی به منزلهٔ درختی است که زراعت ریشهٔ آن را تشکیل می‌دهد. صنعت‌های گوناگون، شاخه و برگ و آرامی میوهٔ آن می‌باشد.اگر بخواهیم از این درخت برخوردار باشیم و از میوهٔ آن سعادت و آرامی بیابیم، باید در تقویت ریشهٔ درخت توجه کنیم. به وسیلهٔ زراعت نه تنها برای مردم مواد خوراکی تهیه می‌شود؛ بلکه ترقی صنعت نیز به کشاورزی بسته‌گی دارد؛ زیرا بیشترمواد اولیهٔ صنعت به وسیلهٔ کشاورزی فراهم می‌شود.

جای خوشی است،کشور ما افغانستان سرزمینی است که آب و هوای آن برای بار آوردن هرگونه زراعت مساعد می‌باشد؛ اگر ما همت به خرج دهیم و شیوه‌های زراعت و استعمال قلبه و کاربرد افزار ماشینی را بیاموزیم، می‌توانیم یک دهقان زحمتکش بار بیاییم و به محصولات زراعتی خود چندین برابر بیفزاییم.

گرچه از مجموع اراضی کشور ما صرف پانزده فیصد آن قابلیت زرع را دارد متباقی آن یا کوهستانی است و یا فاقد آب، ریگزار و شوره‌زار می‌باشد. با همین وضع، نباید، زراعت در کشور را فراموش نماییم اراضی قابل زرع فعلی ما اگر به وجه احسن مورد کشت قرار گیرد، نه تنها ما را به خود کفایی می‌رساند؛ بلکه محصولات آن در جملهٔ اقلام صادراتی ما قرار خواهد گرفت.

کشاورز و پرنده

جهان دیده کشاورزی به دشتی | به عمری داشتی زرعی و کشتی
به وقت غله، خرمن توده کردی | دل از تیمار کار آسوده کردی
ستم‌ها می‌کشد ازباد و از خاک | که تا از کاه می‌شد، گندمش پاک
جفا از آب وگل دید خاک و بادی | به هنگام شیاری و حصادی
سحر گاهی هوا شد سرد زان سان | که از سرما به خود لرزید دهقان
پدید آورد خاشاکی و خاری | شکست از تاک پیری شاخساری
نهاد آن هیمه را، نزدیک خرمن | فروزینه زد، آتش کرد روشن
چو آتش دود کرد و شعله سرداد | به ناگه طایری آواز سر داد
که ای برداشته سود از یکی شصت | در این خرمن مرا هم حاصلی هست
نشاید کاتش اینجا برفروزی | مبادا خانمانی را بسوزی
بسوزد گر کسی این آشیان را | چنان دانم که می‌سوزد جهان را

پروین اعتصامی

توضیحات

• صنعت: واژۀ عربی است به معنای کاربرد مهارت و سلیقه به وسیلۀ تقلید و یا ابتکار صنعت به معنای تغییر کلی می‌باشد که به وسیلۀ بشر در مواد طبیعی به وجود می‌آید؛ مثال: تبدیل گندم به آرد، تبدیل پنبه، پشم و ابریشم به پارچه، استخراج نفت و فلزات و جمع آن صنایع است.

• کشاورز: (کشت + ا + ورز) یا کشت‌ورز است که از آن کشاورز ساخته شده است. معادل این واژه در زبان عربی زارع است. کلمۀ کشاورز فارسی دری بوده، کلمۀ کشاورزی معادل کلمۀ زارعت عربی می‌باشد.

• پروین اعتصامی: در سال (۱۲۸۵) هـ. ش. در ایران متولد و با سپری نمودن (۳۵) بهار زنده‌گی به حیات پدرود گفت، وی معروفترین شاعر زمان خود بود، وی از کودکی به شعر گفتن لب گشود در قصایدش از حیث الفاظ پیرو سبک شاعران قرن‌های پنجم و ششم به ویژه پیرو حکیم ناصر خسرو بوده است. اشعار وی ساده، اندیشه‌هایش نو و متضمن نکات اجتماعی، اخلاقی و ا نتقادی بوده است تمثیلات، مناظرات و اندرزهای حکیمانه و تفکر او مایۀ شگفتی است.

قواعد دستوری

اسم عام چیست؟

اسم عام آن است که بین افراد هم‌جنس مشترک است و بر هر یک از آن‌ها دلالت کند؛ مانند: مرد، زن، پسر، دختر، اسپ، گاو، باغ، درخت، قلم و...ناگفته نگذریم که اسم جنس را نیز اسم عام گفته اند که عبارت از نامی است بر همه افرادی که ماهیت مشترک دارند.
اکنون در این جمله‌ها نام‌های عام را مثال می‌آوریم:

- دیروز پنج جلد کتاب خریدم.
- هر خانه چهار دیوار دارد.
- در صنف‌های پوهنتون کابل، دخترها و پسرها درس می‌خوانند.
- در باغ‌ها، گل‌ها و درخت‌ها را باغبانان تربیه می‌کنند.



زراعت ریشهٔ درخت زنده‌گی انسان‌ها می‌باشد و نیز بنیاد صنعت‌هاست. کشور ما دارای آب و هوای مساعد به زراعت یا کشاورزی است. ما با کار می‌توانیم محصولات زراعتی وطن خود را افزایش دهیم.

اسم عام یا اسم جنس آن است که بین افراد هم‌جنس مشترک باشد؛ مانند: دختر، گل.



بشنو و بگو

- دو دو شاگرد نزدیک تختهٔ صنف بروند و در بارهٔ زراعت باهم محاوره کنند.
- شاگردان این جمله‌ها را بشنوند:

افغانستان کشوری است که در آن اقوام مختلف زنده‌گی می‌کنند. هر قوم برادر قوم دیگر می‌باشد؛ زیرا همه افغان اند و وطن واحد دارند. به آبادی و ترقی هر ولایت آن، همه اقوام سعی و تلاش می‌کنند. از جنگ، و دوام جنگ افراد هر قوم نفرت دارد. آن‌ها می‌دانند که صلح آبادی و ترقی می‌آورد و جنگ تباهی را نصیب وطن و وطن‌داران ما می‌سازد.

شاگردان به این سؤال‌ها پاسخ دهند:

- وطن ما افغانستان از نظر قومی چگونه است؟
- هر قوم به قوم دیگر چه وجوه مشترک دارند؟
- در کشوری که زمین‌هایش زیر پوشش زراعت خشخاش قرارگیرد به مردم آن چه ضرر می‌رساند؟

بخوان و بنویس

- یک یک بیت شعر پروین اعتصامی را شاگردان به نوبت بخوانند و معلم محترم تصحیح کند.
- برای شاگردان املا گفته شود.
- متضاد این کلمه‌ها را بنویسید:

۱- ترقی

۲- سعادت

۳- توانایی

۴- سحر

۵- پاک

نام اشیا و افزاری را که در کشاورزی به کار می‌رود، فهرست کنید:

۱-.....................	۲-...........................
۳-.....................	۴-...........................
۵-.....................	۶-............................

جاهای خالی را باکلمه‌های مناسب پر کنید:

۱- ما با کار می‌توانیم............. زراعتی را افزایش دهیم.

۲- افغانستان سرزمینی است که............ و............ آن برای زراعت مساعد است.

• مفهوم این بیت را در دوسطر بنویسید:

بسوزد گر کسی این آشیان را   چنان دانم که می‌سوزد جهان را



• در بارۀ وضعیت زراعت کشور چند سطر نوشته، ساعت بعدی به صنف بیاورید.





درس ششم

ترانهٔ بهار



شاگردان عزیز،

فرارسیدن موسم بهار با تمام زیبایی‌های آفرینش از یک‌سو و آوردن پیام پایان گرفتن سرمای زمستان از سوی دیگر، برای انسان‌ها از هر جهت مایهٔ شادمانی و سزاوار جشن و پایکوبی است. بهار در حقیقت بیان رنگارنگ وجد و سروری است که به همراه نوزایی طبیعت، تمامی کاینات را در بر می‌گیرد و هر مخلوقی به تناسب شرایط حیات مادی و معنوی خود به‌گونهٔ ویژه آن را برگزار می‌نماید. اکنون شما بگویید که:

۱. چرا فصل بهار را موسم نوزایی طبیعت می‌گویند و چه معنی دارد؟

۲. به نظر شما فرارسیدن بهار و نوروز را چگونه باید تجلیل کنیم؟

بهار فصل شگوفایی و دوباره زنده شدن طبیعت است. کاروان‌های پرستو با پروازهای خود در آسمان، فرا رسیدن بهار را مژده می‌دهند و موجودات زنده را به جنبیدن و شور و تحرک تشویق می‌کنند. با آمدن بهار همهٔ موجودات طبیعت شاد، خرم و سرسبز می‌شوند و زنده‌گی تازه‌یی را آغاز می‌کنند. اکنون که فصل بهار و شادابی و طراوت طبیعت فرا رسیده است، بهتر است ما نیز مانند همان باغبان، کمر همت بندیم و کوشش و تلاش را فراموش نکرده دست به آبادی و عمران خانه، کوچه، محله و منطقهٔ خود بزنیم و بالآخره کشور خویش را معمور و آباد سازیم؛ پس این وظیفهٔ ماست که دست به دست بهار داده و وطن خود را سرسبز، شاداب، خرم و آباد سازیم.

چون پـرند نـیلگون بر روی پوشـد مـرغـزار
پرنیان هفـت رنـگ اندر سر آرد کـوهسـار
خاک را چون نـاف آهـو مشک زاید بی‌قیاس
بید را چون پر طوطی بـرگ رویـد بی‌شمار
دوش وقـــت صـبحدم بـوی بـهـار آورد بـاد
حـبذا بـاد شــمال و خــرما بــوی بـــهار
بـاد گـویـی مـشک سـوده دارد انـدر آستیـن
بـاغ گـویـی لـعبـتان جـلـوه دارد بـر کنـار
نـسـتـرن لـولـوی بیـضا دارد انـدر مـرسـله
ارغـوان لـعل بـدخشی دارد انـدر گـوشـوار
تا برآمـد جـام‌های سـرخ مـُل بـر شـاخ گـل
پنجه‌های دست مردم سر فـرو کـــرد از چنـار
باغ بوقلـمون لـباس و شاخ بوقلـمون نمـای
آب مـروارید گـــون و ابـر مـــروارید بـــار

فرخی

توضیحات

مشک: ماده‌یی است معطر که از کیسه‌های مشکین به اندازهٔ تخم مرغ یا نارنج از زیر شکم آهوی ختایی گرفته می‌شود. مشک دو نوع است: یکی مشکی که در نافه است و دیگر مشکی که از نافه خارج شده به مواد خارجی آمیخته باشد. که ارزش نوع اول نسبت به دوم بیشتر است.

قواعد دستوری

اسم خاص

به جملات زیر نگاه کنید:

- رابعهٔ بلخی از جملهٔ شاعر زنان بلند آوازهٔ قلمرو شعر و عرفان کشور ماست.
- چهرهٔ مهتاب در زیر ابر پنهان شده است.
- برادرم در کانادا زنده‌گی می‌کند.

در سه جملهٔ بالا واژه‌های «رابعهٔ بلخی»، «مهتاب» و «کانادا» اسم‌های خاص استند؛ زیرا وقتی ما این اسم‌ها را می‌شنویم در ذهن ما تنها یک موجود معلوم نقش می‌بندد؛ اما اگر «درخت» بگوییم، سؤال مطرح می‌شود که کدام درخت؟ پس اسم خاص را چنین تعریف می‌کنیم: اسم خاص به اسمی گفته می‌شود، که برموجود معلوم و مخصوصی دلالت کند؛ یعنی وقتی ما آن اسم را می‌شنویم، صرف یک موجود معلوم و مشخص در ذهن ما خطور کند؛ مانند: ابن سینا، کابل، مهتاب، افغانستان، آسمان و...





بهار فصل شگوفایی و دوباره زنده شدن طبیعت است. با آمدن بهار همهٔ موجودات طبیعت شاد، خرم و سرسبز می‌شوند و زنده‌گی تازه‌یی را آغاز می‌کنند. اکنون که فصل بهار و شادابی و طراوت طبیعت فرا رسیده است، بهتر است ما نیز کوشش و تلاش را فراموش نکرده دست به آبادی و عمران خانه، کوچه، محله و منطقهٔ خود بزنیم و بالآخره کشور خویش را معمور و آباد سازیم. اسم خاص به اسمی گفته می‌شود که بر موجود معلوم و مخصوص دلالت کند؛ مانند: کابل، مهتاب و...



بشنو و بگو

- در بارهٔ بهار، ویژه‌گی‌ها و تفاوت‌های آن با سه فصل دیگر مباحثه و گفتگو کنید.
- با مطالعهٔ متن درس سه اسم خاص را از آن استخراج نموده و آن‌ها را در جمله‌ها به صورت شفاهی به کاربرید.
- مردم منطقهٔ شما در بهار چه نوع میله‌هایی را برپا می‌سازند؟
- معنای واژه‌های نیلگون، مرغزار، مشک، لعل، بوقلمون و نسترن را بگویید.

بخوان و بنویس

- خلاصهٔ درس را نظر به برداشت خود در کتابچه‌های تان بنویسید.
- پنج اسم خاص را خارج از متن درس پیدا کرده و آن‌ها را در جمله‌ها به کار برده در کتابچه‌های خود بنویسید.



- سطرهای شعری متن درس را در کتابچه‌های خود بنویسید.
- این ابیات را حفظ کنید.

چشم واکن رنگ اسرار دگر دارد بهار — آنچه در وهمت نگنجد جلوه گر دارد بهار

لاله داغ و گل گریبان‌چاک و بلبل نوحه‌گر — غیر عبرت زین چمن دیگرچه بر دارد بهار

بیدل



درس هفتم

عایشهٔ درانی

شفق را لاله‌گون دیـدم نمـاز شام درگردون
مگـر خورشید را کشته کـه دارد دامن پرخون

شاگردان عزیز،

در درس‌های سال گذشته با یک تعداد از زنان برجسته در عرصهٔ شعر و ادب آشنا شدید. اکنون در این درس با یکی دیگر از این چهره‌ها که در عرصهٔ شعر و ادب ماندگار است آشنا می‌شویم، این چهرهٔ درخشان عایشهٔ درانی است؛ همچنان با اسم مفرد و جمع آشنا می‌شویم؛ اکنون از شما پرسیده می‌شود که:

آیا می‌توانید از چند شاعر زن در کشور ما نام ببرید؟

تاریخ ادبیات ما شاهد شهکارهای ادبی بوده که در ایجاد آن نه تنها مردان؛ بلکه زنان نیز نقش تاریخی شان را ایفا نموده اند. زنان که نیمی از پیکر جامعه را تشکیل می‌دهند. با کارکردهای شان همواره توان‌مندی شان را درهمه عرصه‌های زنده‌گی چه در عرصهٔ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به خرج داده و چرخ اجتماع را دوشادوش مردان به حرکت آورده، در روند تکاملی جامعه با احساسات و عواطف پاک شان موفقیت‌های زیادی را نصیب جامعهٔ بشری نموده اند.

زنان مبارز افغان همواره در دفاع از خاک و سرزمین شان دوشادوش مردان به مبارزه پرداخته و افتخارات زیادی را کسب نموده اند که از آن جمله می‌پردازیم به معرفی یک تن از این زنان قهرمان که عایشهٔ درانی نام دارد.

عایشهٔ درانی از جملهٔ شاعران برجستهٔ دورهٔ سدوزایی‌ها بود، که در تاریخ ادبیات دری نام جاودانی از خود به یادگار گذاشته است. وی دختر یعقوب علی خان توپچی‌باشی بود و از قوم بارکزایی است. تاریخ تولد او دقیق معلوم نیست؛ اما سال وفاتش را ۱۲۳۵ هـ . ش. می‌دانند.

پدر و جد او در دستگاه دولتی احمد شاه و تیمورشاه منصب توپچی باشی را داشته اند. خانوادهٔ او در اونچی باغبانان کابل زنده‌گی می‌کرد. عایشه، اکثر علوم متداول آن روزگار را فرا گرفت و به سرودن کلام موزون پرداخت.

اشعار او توجه تیمورشاه را به خود جلب کرد و او را در قطار شاعران دربارش مورد نوازش و اعطای صلات گران‌بها قرارداد.

گویند روزی در حضور آن پادشاه شاعرپیشه و شعردوست شاعران دربارهٔ شفق، داد سخن می‌دادند. این بانوی گرامی چنین توصیفی از شفق به عمل آورد:

شفق را لاله‌گون دیدم نماز شام درگردون
مگر خورشید را کشته که دارد دامن پرخون

این بیت حیرت انگیز مورد تحسین قرار گرفت.
دیوان عایشهٔ درانی مشتمل است بر انواع شعر از نظر شکل که در سال ۱۳۰۵ هـ. ش. به امر امیر عبدالرحمن خان در کابل به طبع سنگی چاپ شد و نسخه‌یی از آن موجود است. این دیوان حاوی سه هزار بیت می‌باشد و به خاطر ساده بودن و روان بودن آن که در عین حال از استحکام نیز برخوردار بوده و مورد علاقهٔ بسیاری از مردم قرار دارد. مجموع اشعار وی در حدود شش هزار بیت است.
دوران پخته‌گی و کمال عایشه در شعرسرایی با روزگار فرمانروایی شاه محمود مصادف است و این امر بارها در اشعار او بازتاب یافته است. شاه محمود در اشعار عایشه گاهی مورد ستایش و زمانی طرف انتقاد واقع می‌شود و انتقاد او نیز دلایلی دارد که بعد به آن می‌پردازیم.
اشعار عایشه دو دوره دارد. دورهٔ اول بیان‌گر عشق، خوشی و امید به زنده‌گی است؛ ولی گفتار دورهٔ دوم او سراسر با ناله و فریاد، شکایت و انتقاد ملازمه است؛ زیرا در این دوره یگانه پسرش را که فیض طلب نام داشت در جنگ کشمیر درسال ۱۲۲۷ هـ. از دست می‌دهد، که این تلخ‌ترین حادثهٔ زنده‌گی اوست. پس از این واقعه است که آثارش به خود رنگ حزن‌انگیز را می‌گیرد. و به همین لحاظ شاه محمود در اشعار او مورد انتقاد واقع می‌شود. این حادثه سبب شد که عمر دورهٔ دوم زنده‌گیش نیز خیلی کوتاه گردد؛ چنانچه هشت سال بعد از مرگ پسرش چشم از جهان بست.
و اینک یک شعر او را به حیث نمونهٔ کلام انتخاب نموده ایم:

بتا به گلشن جنت روم چسان بی‌تو — مرا که دوزخ سوزان بود جنان بی‌تو
قسم که جز سر کویت به نیم جو نخرم — اگر دهند به من حشمت کیان بی‌تو
سحربه یاد وصالت شدم به طرف چمن — که بود بلبل شوریده در فغان بی‌تو
به پیش شمع رخت جان دهم چو پروا نه — نگرکه سوخت مرا مغز استخوان بی‌تو
نز ا کت چمن دهر از گل رویت — بهار عمر گرامی شده خزان بی‌تو
هزارحیف که بی‌وصل دوست می‌گذرد — که نیست زینت وهم زیب گلرخان بی‌تو
شکیب و طاقت و صبر و قرار و هوشم رفت — به باد رفت مرا جمله خانمان بی‌تو
شود زبان سرموی وکجا توانم گفت — چگونه می‌گذرد ساعت و زمان بی‌تو

ز هجر و وصل تو ام نیست طاقت گفتار
گداخت عایشه را نیز جسم و جان بی‌تو

توضیحات

شهکارهای ادبی: آثار بی‌نظیر، بزرگ و نمایان در سطح جهان، مثل: شهنامۀ فردوسی، بینوایان ویکتور هوگو وغیره.

توپچی‌باشی: کلان سربازانی که پشت توپ قرار می‌گرفت.

تیمور شاه: پسر احمد شاه بابا که بین سال‌های ۱۷۷۲ – ۱۷۹۳ میلادی پادشاهی نموده است.

قواعد دستوری

اسم مفرد و جمع اسم

اسم وقتی مفرد است، که بر یک موجود دلالت کند؛ مانند: گل، آفتاب، کتاب، میز وغیره.

اسم وقتی جمع می‌گردد، که بر بیش از یک موجود دلالت کند، و علامت آن در زبان دری / ان/ و /ها / است که به آخر واژه‌ها می‌افزایند. در زبان دری بعضی از واژه‌ها را تنها با / ان / جمع می‌بندند و برخی را به /ها/ و بعضی دیگر را به / ان/ و /ها / جمع کنند.

- جانداران، را به / ان/ جمع کنند؛ مانند: مردان، زنان، شاگردان، مرغان.
- جماد، با /ها/ جمع بسته می‌شود؛ مانند: کتاب‌ها، خوبی‌ها.
- نباتات به / ان/ و /ها/ جمع شوند؛ مانند: درختان، درخت‌ها.

خلاصۀ درس

عایشه درانی از جملۀ شاعران برجستۀ دورۀ سدوزایی بود. در بیست ساله‌گی به سرودن شعر پرداخت. از جملۀ شاعران دربار تیمور شاه بود. در ادبیات مهارت و شهرت زیاد حاصل نمود. مجموع

اشعارش شش هزار بیت است.



بشنو و بگو

• عایشهٔ درانی شاعر کدام دوره است و دیوان وی حاوی چند هزار بیت می‌باشد؟

• اشعار عایشه چند دوره دارد، هر دوره بیانگر چه است؟

• شعر سرایی عایشه در کدام دوران به پخته‌گی رسید؟

• زنان در تاریخ ادبیات چه نقشی دارند؟

• شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و در بارهٔ زنده‌گی و آثار عایشهٔ درانی و نقــش زنان در تاریخ ادبیا ت کشور عزیز ما بحث و گفتگو نمایند. در آخر نمایندهٔ هر گروه نتیجهٔ بحث گروه خود را بیان نماید. نتیجهٔ بحث‌ها به صورت سؤال و جواب باشد.

به دوستانت بگو

• تاریخ ادبیات ما شاهد شهکارهای ادبی بوده که در ایجاد آن زنان نیز نقش تاریخی ایفا کرده اند و در دفاع از خاک و سرزمین شان مبارزه کرده و افتخاراتی را کسب نموده اند از جمله می‌توانیم از عایشهٔ درانی نام ببریم.

بخوان وبنویس

• بیت زیر را دقیق بخوانید و بنویسید که پیام آن چیست؟

قسم که جز سر کویت به نیم جو نخرم   اگر دهند به من حشمت کیان بی‌تو

• مفهوم این بیت را بنویسید:

بتا به گلشن جنت روم چسان بی‌تو   مرا که دوزخ سوزان بود جنان بی‌تو

از چهار جواب یکی را تأیید کنید.

- مجموع اشعار عایشه در حدود:

الف) سه هزار بیت است (   )

ب) هشت هزار بیت است (   )

ج) شش هزار بیت است (   )

د) چهار هزار بیت است (   )

- عایشهٔ درانی از جملهٔ شاعران در بار یکی از این پادشاهان بود:

الف) احمد شاه (   )

ب) سلطان محمود غزنوی (   )

ج) تیمور شاه (   )

د) امیر علی شیر نوایی (   )



- شاگردان به کلمه‌های زیرتوجه نمایند و بنویسند که چه نوع اسم‌ها اند. بعد هر کلمه را در جملهٔ مناسب به کار ببرند:

مردان، قهرمان، شاعر، زنان، دختر، باغبانان، کابل، پادشاه، گل‌ها و جهان



درس هشتم

حکایت دل من دربرابر مادر



شاگردان عزیز،

در درس گذشته با عایشهٔ درانی آشنا شدید. درس امروز بزرگ‌داشت و تجلیل از مقام والای مادر است. موجودی که شاهکار آفرینش است و خداوند‌ﷻ خود بر اطاعت و فرمانبرداری او فرمان داده است. در درس امروز مادر را ستایش می‌کنیم و مقامش را ارج می‌نهیم؛ هم‌چنین با اسم بسیط آشنا می‌شویم؛ اما پیش از شروع درس از شما می‌پرسیم:

– اگربخواهید بهترین هدیه را به مادر تان تقدیم کنید، چه چیزی را انتخاب خواهید نمود؟
– چرا مقام مادر والاترین مقام‌هاست؟
– چرا جنت زیر پای مادران است؟

امروز، روز توست. روز از تو سرودن؛ از تو گفتن؛ و برای تو نوشتن؛ اما از تو سرودن و گفتن قلمی توانا و هنری بی‌همتا می‌خواهد که من فاقد آنم. تو بزرگتر از آنی که قلم بشکسته‌یی چون من؛ یارای صعود به مقام والایت را داشته باشد؛ اما فخر خاکساری درگاهت رفیعتر از آن است که بتوانم از لذت آن دل بکنم. پس با همین قلم شکسته و با همین واژه‌های نارس از تو و به عشق تو می نویسم. مادرم ای عزیزترین! تو را از آن روز که بند بند وجودم به هستی تو بند بود، از آن روزی که تپش قلبت تنها صدای آرام بخش دوران تنهایی من بود. از آن هنگام که کار هر صبح و شام من شمردن نفس‌های پر مهرت بود می‌شناسم. تو را از آن نیمه شب‌های پرالتهاب که نفس درنفس من تا صبح سلامتم بیدار می‌نشستی؛ تو را از آن دو چشم پرمهر و اشتیاق و همیشه نگران می‌شناسم. نمی‌دانم چرا تا اسمت را می‌برم چشم‌هایم به اشک می‌نشیند. نمی‌دانم چرا تا به تو می‌اندیشم بغض، راه گلویم را می‌گیرد. شاید از آن جهت است که به یاد می‌آورم دردهای بی‌پایانت را؛ چهرهٔ خسته ات را؛ چین‌های عمیق پیشانیت را؛ موهای سفید شده ات را؛ و آن خندهٔ محزون که همیشه سعی می‌کنی برای آرامش من زینت صورتت باشد؛ و آن دست‌ها؛ آن دست‌های پرچین و چروک خسته ات را آه اگر می‌دانستی چه لذتی دارد بوسیدن آن دست‌های خستهٔ مهربان؛ هرگز مرا از این لذت منع نمی‌کردی. چه کنم که بضاعت بیان حق شناسی سزاوارنه ات را ندارم. چه کنم که توشه‌یی بیش از این در کوله بارم نیست. چه کنم که نه کلام من؛ که اقیانوس کلمات هم نمی‌تواند ترا وصف کند. پس چون همیشه سخاوت‌مندانه همین دل‌واژه‌ها و سروده‌های نارسم را بپذیر و همای سعادت ستایشت را بر شانه‌های لرزانم بنشان.

گردون نتوان گرفت جـای مادر — فردوس برین بـه زیر پـای مـادر
خورشید و مـه و ستاره و چرخ فلک — هر لحـظه کنـند اقـتـدای مـادر

ای مادر! اگر قـدر تـو نشـناختمـی — پاک هر دو جهان خویشتن باختمی
گرسـجده روا بدی بـه پـای مـادر — هـردم به عبـادت تـو پـرداختمـی

سلـطان و وزیـر و شاه و افسر بودن — یـا مـالـک صـد خـزینهٔ زر بـودن
حقـا کـه نـیرزد به پشـیزی هـرگـز — یک لحظه بـدون مـهر مادر بودن



اسم بسیط یا ساده

اسمی است که متشکل از یک کلمه باشد و دارای جزء دیگری نباشد؛ مانند: خانه، گل، مکتب، آسمان، دیوار، آب و...



امروز روز مادر است، روزی که باید برای تو بسرایم، بگویم و بنویسم؛ اما قلم من از سرودن و گفتن در مورد تو عاجز است؛ زیرا سرودن و گفتن در مورد تو قلم توانایی می‌خواهد.

مادرم ای عزیز ترین! تو را از آن روز که بند بند وجودم به هستی تو بند بود می‌شناسم، تو را از آن دو چشم پر مهر و اشتیاق و همیشه نگران‌ات می‌شناسم. نمی‌دانم چرا تا اسمت را می‌برم چشم‌هایم به اشک می‌نشیند و بغض راه گلویم را می‌گیرد، شاید به این خاطر که به یاد می‌آورم دردهای بی‌پایانت را، چهرهٔ خسته‌ات را، موهای سفید شده و دست‌های پر چین و چروک، خسته؛ اما مهربانت را که بوسیدنش برایم لذت بسیار دارد.



بشنو و بگو

• مفهوم این جمله را توضیح دهید.

تو بزرگتر از آنی که قلم بشکسته‌یی چون من؛ یارای صعود به بارگاه آسمانیت را داشته باشد.

• بیت زیر را بخوانید و بگویید چه مفهوم دارد؟

گـردون نتـوان گـرفـت جای مادر فـردوس بـرین بـه زیـر پـای مـادر

• به نظر شما در میان مادران، چه کسی می‌تواند مقام بهترین مادر را کسب کند؟

• در گروه‌های چهارنفری در مورد دو پیام با ارزش بیت‌های درس باهم گفتگو نمایید، نتیجه را یک نفر از هر گروه، پیش روی صنف آمده به دیگر ان بگوید.

به دوستانت بگو

• بهشت زیر پای مادران است.

• مادران شمع و چراغ خانه اند. «حضرت محمد ﷺ»

بخوان وبنویس

• متن درس را بخوانید و واژه‌های جدید آن را بیرون نویس نمایید.

• خلاصۀ درس را درسه سطر بنویسید.

• متن درس را بخوانید و پنج اسم بسیط را از آن بیرون نویس کنید.

• نام پنج شاعر زبان دری را بنویسید و به آواز بلند بخوانید.

• از اشیای داخل صنف تان پنج اسم بسیط را پیدا کرده و آن‌ها را درجمله استعمال کنید.



• دربارۀ مقام مادر مقاله‌یی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.

• مفهوم رباعی دوم را در چهار سطر درکتابچه‌ها ی خود بنویسید.

• این رباعی را حفظ کنید:

ای مادر! اگـر قـدر تـو نشـناختمـی پاک هر دو جهان خویشتن باختمی

گر سجـــده روا بدی به پـای مـادر هـر دم بـه عبـادت تـو پـرداختـمی



درس نهم

مکتب



شاگردان عزیز،

در درس‌های سال‌های گذشته در مورد اصول و نظم در مکتب مطالبی را آموخته بودید، اکنون در این درس در مورد مکتب و مؤثریت آن در زنده‌گی روزانه و اهمیت آن در اجتماع آشنا می‌شویم؛ هم‌چنان اسم مرکب را در لابه لای این درس می‌آموزیم. قبل از شروع درس به این پرسش‌ها پاسخ دهید:

- چرا به مکتب می‌روید؟
- مکتب نرفتن چه ضررهایی را در زنده‌گی اجتماعی به بار می‌آورد؟

مکتب در لغت محل کتابت، جای خواندن و نوشتن، جای آموختن و درس‌خواندن می‌باشد. مکتب جایی است که فرزندان کشور عزیز ما در آن به آموختن علم و دانش می‌پردازند. در گذشته که تعداد مکتب‌ها کم بود اکثر مردم از نعمت سواد بی‌بهره بودند و با دشواری‌های زیاد روبه‌رو می‌شدند. وقتی مکتب‌های بیشتر ایجاد شد، باب نور و معرفت بیشتر به روی مردم گشاده شد که از آن‌ها کسب فیض و سعادت می‌نمایند.

فراگیری علم وجیبهٔ هر مرد و زن مسلمان است؛ چنانکه حضرت محمد ﷺ فرموده اند: ((طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة)) یعنی طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان فرض است؛ پس بر والدین است تا فرزندان خود اعم از پسر و دختر را به مکتب بفرستند و آن‌ها را از نعمت سواد محروم نسازند.

وقتی فرزندان به مکتب بروند علم می‌آموزند؛ با نور عرفان، علم و دانش آراسته می گردند؛ به سعادت، پیشرفت و ترقی دسترسی پیدا می‌کنند نیک نام و با عزت حیات را به سر می‌برند. هرگاه از فیض سواد برخوردار باشند زنده‌گی را با به کار انداختن نیروی جسمی و فکری بهتر و خوبتر می‌سازند.

در تمام جوامع هرگونه پیشرفت و انکشاف را مرهون بازوهای توانا و اندیشه و فکر افراد دانا و فهمیدهٔ خود می‌دانند. طوری که دیده می‌شود، در جهان امروز این تلاش‌ها بیشتر گردیده و کاروان تمدن با پدیده‌های جدید و شگفت‌انگیز برق‌آسا به پیش می‌رود که زیربنای همهٔ این پیشرفت‌ها پیشرفت علم و دانش است.

همه می‌دانند در کشوری که مکتب زیاد باشد و سطح علم و دانش بالا بوده، فیصدی با سوادان بیشتر می‌باشد و به همان اندازه پیشرفت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره بالاتر و روز افزون می‌گردد. از همین سبب در کشور ما علاوه بر مکاتب دولتی و خصوصی مراکز سوادآموزی نیز ایجاد گردیده است،که خوشبختانه تعداد زیادی شاگردان در آن درس می‌خوانند و از فیض علم و دانش برخوردار می‌شوند.

پس به این نتیجه می‌رسیم فردی که مکتب برود، سواد می‌آموزد، دانش می‌اندوزد و به زنده‌گی مرفه و آرام دست می‌یابد و به صفت یک شخص بادانش، نیکوکار و مفید در جامعه تبارز می‌کند؛

چنان‌که شاعران افغان و شاعران دری گوی جهان مکتب رفتن و فواید آن را در اشعار ناب شان بیان کرده اند:

از فیض یزدان پاک است مکتب	بر لعل عرفان، کان است مکتب
بی‌مکتبان را نبود حیاتی	آب است مکتب، نان است مکتب
سعد است مکتب چند است مکتب	عزم است مکتب، شأن است مکتب

صدر الدین عینی

توضیحات

مکاتب خصوصی: مکاتبی که آموزش شاگردان در آن‌جا با پرداختن پول صورت می‌گیرد.
مکاتب دولتی: مکاتبی که در آن‌ها آموزش از طرف دولت رایگان است.

قواعد دستوری

اسم مرکب

اسمی است که بیش از یک کلمه بوده و قابل تقسیم به دو بخش یا بیشتر باشد؛ مانند: قلمدان، کتابخانه، دلتنگ، دل افروز...

خلاصۀ درس

مکتب در لغت محل کتابت را گویند، مکتب جایی است که علم و دانش را در آن می‌آموزیم و از نعمت سواد برخوردار می‌شویم.

فراگیری علم و دانش بر هر مسلمان فرض است؛ پس بر والدین است تا فرزندان خود را اعم از دختر و پسر به مکتب بفرستند؛ زیرا فرزندانی که مکتب بروند و علم بیاموزند، با نور عرفان، علم و دانش آراسته می‌گردند؛ به سعادت، پیشرفت و ترقی دسترسی پیدا نموده نیک نام و با عزت حیات به سر می‌برند.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- مکتب به معنای چیست؟
- فرق بین مکتب و خانه چیست؟

- چرا انسانی که مکتب می‌رود، مقام و منزلت بالا دارد؟
- مفهوم بیت زیر چیست؟

درس معلم ار بود زمزمهٔ محبتی   جمعه به مکتب آورد طفل گریزپای را

- در گروه‌های چندنفری در بارهٔ خوبی‌های مکتب رفتن و درس خواندن و زیان‌های مکتب نرفتن و بی‌سوادی باهم گفتگو نمایید. در اخیر نتیجهٔ صحبت‌ها را یک یک شاگرد از هر گروه به همصنفان بیان کند.

به دوستانت بگو

- مکتب جای کسب علم و دانش است.
- مکتب برای انسان دروازهٔ نور و معرفت را باز می‌نماید.
- انسان درس‌خوان و مکتب رو، در زنده‌گی و جامعه با عزت می‌باشد.
- هرکس باید مکتب برود و از باب خوشبختی و سعادت برخوردار گردد.

بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و کلمه‌های مشکل را بیرون نویس نموده معنی کنید.
- بیت‌های شعر در بارهٔ مکتب را حفظ کنید.
- متضاد کلمهٔ (نور) را بنویسید.
- چند اسم مرکب را نام بگیرید و بنویسید.

جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب پر نمایید:

- مکتب به معنای....... است.
- وقتی فرزندان........ بروند............. می‌آموزند و با........... آراسته شده به........ و ترقی دسترسی پیدا نموده........ و با عزت........... به سر می‌برند.



شاگردان در بارهٔ اهمیت و ارزش علم و دانش و داشتن سواد یک مقالهٔ شش سطری بنویسند.



درس دهم

خواجه عبدالله انصاری(رح)



شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته با برخی چهره‌ها در عرصهٔ شعر و ادب آشنا شدید. در این درس با خواجه عبدالله انصاری یکی از معروفترین چهره‌های عرفانی قرن چهارم هجری که در هرات یکی از ولایات باستانی کشور می‌زیسته است آشنا می‌شوید. این مرد بزرگ نه تنها در عرفان و تعلیمات اسلامی دسترسی داشته؛ بلکه در سرودن اشعار و نویسنده‌گی نیز از توانایی خاص برخوردار بوده است و خدمات بزرگی را به مردم خود و بشریت انجام داده است؛ همچنان در این درس با اسم‌های معرفه و نکره آشنا می‌شوید.

زیارت خواجه عبدالله انصار (رح) در کجا موقعیت دارد؟

خواجه عبد الله انصاری شاعر، عارف و نویسندهٔ توانا که آثاری در دری و عربی بدو منسوب است در ماه شعبان ۳۹۱ هجری قمری در شهر هرات دیده به جهان گشود. او دارای هوش بلند و استعدادی عالی بود. از کودکی به زبان‌های دری و عربی شعر می‌سرود. عرفان را در خوردسالی از پدر آموخت، بعد از اتمام تحصیل به سفر در شهرهای خراسان پرداخت و از شیخ ابوالحسن خرقانی که پیر طریقت بود، دست پیر گرفت و سر انجام به مرتبهٔ عالی عرفانی و خدا شناسی رسید. خواجه عبدالله انصاری پس از مرگ پدر دوباره به هرات بر گشت و به زنده‌گی مشغول شد. از انصاری نامه‌هایی به دست آمده که با عبارات ساده و ضرب‌المثل گونه نوشته شده است.

او به زودی شهرت یافت و ساحهٔ دانش او فراخ شد و هم‌عصرانش را به حیرت انداخت. زمانی نگذشت که انصاری یک شخصیت والامقام دینی در هرات شد و مریدان زیادی در حلقهٔ ارادت او در آمدند و از پندها و اندرزهای استاد و رهبر خود بهره‌مند شدند. خواجه عبدالله تعلیمات خود را در زمینهٔ تفسیر قرآن روح عرفانی بخشیده است ویکتن از شاگردان وی این تفاسیر را جمع و به نام «صدمیدان» تدوین کرده است. او است که در تاریخ زبان و ادبیات دری نثر موزون مسجع را رایج نمود و آن را با پارچه‌های شعری زینت بخشید.

از آثار دیگر او زادالعارفین، محبت‌نامه، رسالات و مکالمات که به نام طبقات صوفیه یاد می‌شود می‌باشد و آخرین اثرش منازل‌السایرین است. در اشعار خواجه دعوت او از مردم بیشتر به آن است که فریفتهٔ شکوه و دبدبهٔ دنیا نشوند و توجه به روز حساب و آخرت داشته باشند. مرگ وی به سال ۴۸۰ هجری قمری اتفاق افتاده است. آرامگاهش در دامنهٔ کوه زنجیر شهر هرات به نام گازرگاه واقع بوده و زیارتگاه خاص و عام می‌باشد.

نمونهٔ کلام

ای کــــه تو مغرور بخت و دولـت فرخنده ای	خــواجهٔ صاحــب ســریر و مفرش افگنده ای
یاکه خورشیدی به صورت یا که جمشیدی به حـسن	یا چـو زهره چهره داری یا چو مه تابنده ای
یـــا چو قیصر هست بر سر تـــاج و افسر مر ترا	یا که چون عیسای مریم تا قیامت زنده ای
بـــــا کمالاتی که گـفتی جمـــله را دریافتـــی	با مراداتی که جستی جـمله را یـابـنده ای
یـــا گرفتن چون سکنـدر ملـت روی زمیــــن	یا چو قارون صد هزاران مال وگنج آگنده ای
گرچــــه شدادی؛ ولیکن نیستی ایـمن زمـرگ	هیچ‌کس گفته اسـت با تو تا ابد پاینــده ای
آسمان چـــون ابر نیســـان برتـو گریانسـت زار	آن زمان کز غفلت خود همچوگل درخنـده ای
گر امیری هم بمـیری پیـر انصـــــاری بـــدان	خواجه‌گی از تو نـزیـبد سربنه چون بنـده ای

توضیحات

شعبان: ماه هشتم سا ل قمری.

جمشید: نام اولین پادشاه بلخ باستان (یما).

خرقان: محلی است که در خراسان امروز موقعیت دارد.

قیصر: لقب امپراتوران روم قدیم بود.

سکندر: سکندر یونانی فاتح جهان شرق.

قارون: مرد ثروتمندی که در عصر فرعون می‌زیست.

شداد: از پادشاهان ظالم اعراب زمین بود.

قواعد دستوری

اسم معرفه و نکره

در درس‌های گذشته با اسم‌ها آشنا شدید و حالا می‌خواهیم بدانیم که اسم معرفه و نکره چیست؟ به مثال‌های زیر دقت کنید:

- او دارای هوش بلند و استعداد عالی بود.
- انصاری شاعر، عارف و نویسندۀ توانای ما درسال ۳۹۱ هـ . ق. درشهرهرات دیده به جهان گشود.
- زادالعارفین، محبت‌نامه، رسالات و مکالمات که به نام طبقات صوفیه یاد می‌شود از آثار اوست.

اگر به جملات بالا دقیق شویم، دیده می‌شود که کلمه‌های (او، زاد العارفین، محبت نامه، رسالات و مکالمات و طبقات صوفیه) اسم‌های معرفه اند، پس اسم معرفه را می‌توان چنین تعریف کرد:

اسم معرفه یا شناسا اسمی است که نزد گوینده و شنونده معلوم و معین باشد. در زبان دری

به اسمی معرفه می‌گویند که دارای مشخصات زیر باشد:

۱- اسم خاص باشد؛ مانند: افغانستان، انصاری، زادالعارفین....

۲- ضمیر باشد؛ مانند: من، تو، او، شما....

۳- اسمی که به اسم خاص یا ضمیر مضاف شده باشد؛ مانند: قلم مسعود، کتا ب او و....

۴- مشار الیه باشد، یعنی بعد ازکلمهٔ اشاره (این یا آن) واقع شده باشد؛ مانند: این شاعر، آن نویسنده و....

۵- اسمی که یک‌بار ذکرش در کلام آمده باشد؛ مانند: دیروز، یک کتاب و یک قلم خریدم، کتاب نزد خواهرم و قلم نزد برادرم است.

اسم نکره: یا غیر شناسا اسمی است که در نزد شنونده نا معلوم و مجهول باشد. علامت آن در زبان دری (ی) مجهول (یی) است مانند: کتابی، مردی، خانه‌یی، دانایی و...



خواجه عبد الله انصاری یکی از شاعران و عارفان قرن چهارم هجری است که در ماه شعبان ۳۹۱ هـ . ق. در شهر هرات چشم به جهان باز کرده است. او به زبان‌های عربی و دری شعر سروده است. عرفان را نزد پدرش آموخته و از شیخ حسن خرقانی دست پیر گرفته است. خواجه عبدالله آثار زیاد دارد، از جمله نامه‌های اوست که با عبارات ساده و ضرب‌المثل گونه انشاد شده است و کتاب‌های دیگری به نام‌های صدمیدان، منازل‌السائرین، زادالعارفین، محبت‌نامه، رسالهٔ واردات و مکالمات (طبقات صوفیه) نیز دارد، خواجه به حیث مرد عالی‌قدر دینی هرات محسوب گردید و مریدان زیاد در حلقهٔ ارادت او داخل شدند و از پندها و اندرزهای او بهره می‌گرفتند.

خواجه به سال ۴۸۰ هجری وفات کرده است. آرامگاهش درگازرگاه شهر هرات زیارتگاه خاص و عام می‌باشد.



بشنو و بگو

• شاگردان درسی را که متن آن از طرف معلم خوانده می‌شود به دقت گوش کنند.

• چند شاگرد متن خوانده شده را پس از معلم دوباره بخوانند و مفاهیم آن به کمک معلم توضیح شود.

• شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند، بعد از خواندن متن درس، نظر شان را بیان دارند و یک یک تن به نماینده‌گی از گروه‌ها نتایج را اعلان نمایند. دیگران به این نتایج ابراز نظر و قضاوت کنند. یکی از شاگردان نمونهٔ کلام انصاری را بخواند و دیگری در توضیح ابیات و تفسیر واژه‌های آن بپردازد.

به دوستانت بگو

• خواجه عبدالله انصاری تعلیمات خود را در زمینهٔ تفسیر قرآن مجید روح عرفانی بخشیده است.

• آثار مشهور او زادالعارفین، صدمیدان، محبت نامه، رسالات، مکالمات و منازل‌السائرین است.

بخوان و بنویس

• شاگردان بالای تخته بنویسند که خواجه عبد الله انصاری به چه دلیل یک شخصیت دینی و عرفانی بود و فعالیت‌هایی را که در این زمینه انجام داده، نتیجهٔ آن‌ها چه بوده است.

• آنچه که به نام مکالمات انصاری خوانده می‌شود، سند مهمی در آموزش موضوعات عرفانی است، شاگردان می‌توانند، بنویسند که آن را می‌توان در مقاله، رساله و یا کتابی پیدا کرد.

درست و نادرست

شاگردان توجه نمایند، جمله‌ها را خوانده در صورت درست بودن آن‌ها در میان قوس‌ها علامت (√) و در صورت غلط بودن آن‌ها علامت (X) بکشند.

• قبلاً نام افغانستان خراسان بود. ( )

• خواجه عبد الله انصاری در سال ۳۷۰ هجری در شهر هرات تولد شده است. ( )

• مکالمات انصاری به نام «زادالعارفین» یا د می‌شود. ( )

• پیر طریقت خواجه عبد الله انصاری شیخ حسن خرقانی بود. ( )

• آخرین اثر عرفانی انصاری که به شاگردانش تألیف کرده است صد میدان نام دارد. ( )



• هریک از شاگردان صنف برداشت شان را از زنده‌گی و آثار خواجه عبدالله انصاری در کتابچه‌های شان بنویسند.

• جمله‌های زیر را خانه‌پری کنید.

خواجه عبدالله انصاری شاعر (   ) و یک نویسندهٔ توانا بود. او در ماه شعبان سال (   ) در شهر هرات تولد شده است. انصاری بعد از تکمیل تحصیل به سیاحت در شهرهای (   ) پرداخت. خواجه تعلیمات خود را در زمینهٔ تفسیر قرآن مجید روح (   ) بخشیده است.





درس یازدهم

نظامی گنجه‌یی و کسب علم و دانش



شاگردان عزیز،

در درس گذشته از شاعر توانا خواجه عبدالله انصاری مطـالبی را آموخته اید. در درس امروز با یکی دیگر از چهره‌های برجسته و ماندگار شعر دری (نظامی گنجه‌یی) آشنا خواهید شد؛ همچنان با صفت و انواع آن آشنا می‌شوید.

- در مورد نظامی گنجه‌یی چه می‌دانید؟
- با نام چند شاعر زبان دری آشنا استید؟

حکیم جمال الدین ابو محمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجه‌یی از داستان‌سرایان بزرگ و استادان مسلم در سرودن شعر تمثیلی و بزمی است. او در سال ۵۲۵ هـ. ق. در شهر گنجه متولد شد و همهٔ عمر را به جز سفر کوتاهی که به دعوت قزل ارسلان به یکی از نواحی نزدیک گنجه داشت در وطن خود باقی ماند، در همین شهر وفات کرد و به خاک سپرده شد؛ چنانچه از اشعار او معلوم می‌شود، فضیلت نظامی منحصر به شعر و شاعری نبوده بل از جوانی به فنون ادب، تاریخ و قصص علاقه داشته و در تحصیل علم همت کرده است. تعلق خاطر نظامی به تصوف، زنده‌گانی وی را بیشتر با زهد و عزلت همراه کرده و این امر او را از وابسته‌گی به دربارهای سلاطین دور کرده است.

مهمترین اثر نظامی «پنج گنج» یا «خمسه» است که تعداد ابیات آن را تا حدود ۲۰ هزار بیت نوشته اند، که آثار دیگر او عبارت اند از: مخزن‌الاسرار، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، هفت پیکر و اسکندرنامه. قدیمی‌ترین مثنوی نظامی «مخزن‌الاسرار» است و بهترین آن‌ها «خسرو و شیرین».

سبک نظامی

نظامی از شاعرانی است که باید او را در شمار ارکان شعر فارسی دری و از استادان مسلم این زبان دانست. وی از آن سخن‌گویانی است که؛ مانند: فردوسی و سعدی توانست به ایجاد و تکمیل سبک و روشی خاص دست یابد. اگر چه داستان‌سرایی در زبان فارسی به وسیلهٔ نظامی شروع نشده؛ لیکن تنها شاعری که تا پایان قرن ششم توانسته است شعر تمثیلی را به حد اعلای تکامل برساند نظامی است. وی در انتخاب الفاظ و کلمات مناسب، ایجاد ترکیبات خاص تازه، ابداع معانی، مضامین نو و دلپسند، تصویر جزئیات با نیروی تخیل، دقت در وصف مناظر و توصیف طبیعت، اشخاص و به کار بردن تشبیهات، استعارات مطبوع و نو، در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری نیافته است.

برجسته‌گی‌ها و ویژه‌گی‌های شعر نظامی:

۱. تشبیهات و توضیحات او، زیبا، هنرمندانه و بسیار خیال انگیزند.

۲. در تصویر جزئیات طبیعت و حالات، بسیار تواناست.

۳. انتخاب الفاظ و کلمات مناسب که نتیجهٔ آشکار آن، موسیقی شعر اوست.

۴. ایجاد ترکیبات خاص، ابداع و اختراع معانی و مضامین نو و دلپسند.

۵. تازه‌گی معانی و ایجاد ترکیبات تازه‌یی که در شعر نظامی هست، کلام وی را گاهی دچار ابهام می‌کند، علاوه بر این‌ها کثرت واژه‌های عربی، اصطلاحات علوم و اصول و مبانی فلسفه و معارف اسلامی سخن این شاعر را دشوار و پیچیده کرده است.

نمونهٔ کلام

کسب علم ودانش

گردل نهی ای پـــسر بدین پند	از پند پدر شوی برومـــــــــند
غافل منشین نه وقت بـازیـــست	وقت هنر است و کارسازیســـــت
دانش طـــــــــلب و بزرگی آموز	تا بـه گـــــــــردد روزت از روز
می‌کوش به هرورق که خـــوانی	تا جملـه مطالـــــــبش بدانی
هر چیز که دل بدان گرایــــــــد	گرجهد کنی به دســـــــت آیـد
گفتن زمن، از تو کار بـــــــستن	بیـــکار نمی‌توان نشـــــــستن

نظامی گنجه‌یی



نظامی درشعر بالا گفته است: «ای فرزند! این نصیحت را قبول کن و از پند و نصیحت پدر بی‌خبر منشین وقت ساعت تیری و بازی نیست، وقت یاد گرفتن کارهاست. خرد و دانش را بیاموز تا که روزگارت خوبتر شود. هرچیز را که قلب و دلت می‌خواهد یا میل به آن می‌کند اگر کوشش کنی به دست می‌آید. از من گفتن بود که گفتم، اکنون تو باید بدان عمل کنی؛ زیرا بیکار نشستن شایسته و بایسته نیست.»



قواعد دستوری

صفت و انواع آن

تعریف صفت: صفت کلمه یی است که حالت وچگونه‌گی اسم را بیان می کند. اسم را موصوف هم می‌گویند؛ مانند: پسر خوب، که «پسر» اسم است و«خوب» صفت آن.

صفت انواع زیادی دارد که در این‌جا از چند نوع آن نام می‌بریم. صفت مطلق یا ساده، صفت مرکب، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت تفضیلی، صفت عالی، صفت نسبتی، صفت عددی، صفت اشاری وصفت پرسشی.

خلاصهٔ درس

نظامی گنجه‌یی شاعر نام‌دار زبان دری است و ازجملهٔ سراینده‌گان شعر در قالب قصیده و رباعی است. خمسه یا «پنج گنج» یکی از آثار وی بوده که شهرت جهانی کسب نموده است. در سال ۵۲۵ هجری به دنیا آمده است.

صفت کلمه‌یی است که حالت اسم را بیان می کند؛ مانند: خوب، بد، زیبا و...





بشنو و بگو

- نظامی گنجه‌یی در کدام سال و در کجا به دنیا آمده است؟
- آثار مشهور نظامی را نام بگیرید.
- بیت‌های زیر را بخوانید و بگویید چه مفهوم دارند؟

غافل منشین نـــه وقت با زیست　　　وقت هنر است و کـارسازیست

دانـــــــش طلب و بزرگی آموز　　　تا به گـــــــردد روزت از روز

- به نظر شما چه کسی می‌تواند شعر بسراید؟
- چرا به نظر شاعر باید همیشه به نصیحت‌های پدر گوش بدهیم؟

به شاگردان هدایت دهید:

- در گروه‌های چهار نفری در مورد دو پیام باارزش این شعر باهم گفتگو نمایند، نتیجهٔ سخنان را یک نفر نماینده ازهر گروه پیش روی صنف بیاید به دیگران بگوید.
- بیت پنجم شعر (کسب علم و دانش) را توضیح دهند.

بخوان وبنویس

- متن کسب علم و دانش را بخوانید و واژه‌های جدید آن را بیرون‌نویس کنید.
- خلاصهٔ زنده‌گی‌نامهٔ نظامی گنجه‌یی را در سه سطر بنویسید.
- دو جمله بنویسید و در آن صفت را نشان دهید.
- نام پنج شاعر زبان دری را بنویسید و به آواز بلند بخوانید.
- متن درس را بخوانید و بگویید که کدام قواعد دستوری (اسم و صفت) در آن به کار رفته است. با تعریف و مثال‌ها واضح سازید.



کارخانه گی

۱. جدولی در کتابچه‌های خود رسم کنید و داخل آن چهار اسم خاص، اسم عام و صفت را بنگارید. سپس آن‌ها را در جمله‌ها به کار ببرید؛ مانند:

اسم خاص	صفت	اسم عام
خواجه عبدالله	زیبا	شهر
....	....	....
....	....	....
....	....	....

۲. مفهوم شعر را در پنج سطر در کتابچه‌های خود بنویسید.





درس دوازدهم

سعدی



شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته با چند شاعر زبان دری و نمونهٔ کلام آن‌ها آشنا شدیم، در این درس با شاعری به نام شیخ مشرف الدین مصلح متخلص به (سعدی) آشنا می‌شویم که در کجا به دنیا آمده چطور در جوانی به تحصیل پرداخت، آثار مشهورش کدام‌ها است، موضوع شعری او را چه تشکیل می‌داد و در غزل‌سرایی چه‌گونه شاعر بـــوده است؛ هم‌چنین می‌خوانیم که صفت ساده و مرکب چیست و چطور می‌توان آن‌ها را در جمله به کار برد؟

– نام کتاب نویسنده یا شاعری را که مطالعه کرده اید بگویید.

شیخ مشرف الدین مصلح متخلص به «سعدی» در اوایل قرن هفتم هجری (۶۰۶) در یک خانوادۀ متدین در شیراز به دنیا آمده است.

در آوان جوانی به بغداد رفت و در آنجا در مدرسۀ نظامیه به تحصیل دینی و ادبی همت گماشت؛ سپس به عراق، شام و حجاز سفر کرد. در سال ۶۵۶ هجری گلستان را در مواعظ و حکم به نثر فصیح و زیبا مزین ساخته و آمیخته با اشعار دل‌انگیز به نام شاهزاده «سعد بن ابوبکر» در آورده وبه وی تقدیم نمود. از آن به بعد بقیۀ عمر را در شیراز در خانقاه خود زیسته و در سال ۶۹۴ هجری در گذشت و در همان خانقاه مدفون گردید.

سعدی یکی از شعرای بزرگ زبان دری است و در سخن او غزل عاشقانه آخرین حد لطافت و زیبایی را دارد و لطیف ترین معانی در ساده‌ترین و فصیح‌ترین الفاظ آمده است.

در حکمت و موعظه از بسا شاعران دری زبان موفق‌تر است. گلستان وی نثر بسیار زیبا و جذاب دارد. آثار منثور دیگرش غیر از گلستان، مجالس پنج‌گانه، رسالۀ عقل و عشق و تقریرات ثلاثه است.

نمونۀ شعر سعدی

تـــن آدمـــــی شـــریف اســـت به جـان آدمیـت
نه همین لباس زیبا ست نشان آدمیت

اگــــــر آدمی بــه چشمست و دهان و گوش و بینی
چـه مـــیان نقـش دیوار ومیان آدمیت

خور و خواب و خشم و شهوت شغبست و جهل و ظلمت
حیـوان خـبر نـــدارد ز جهان آدمـیت

بــــه حقـــیقت آدمی بــــاش وگر نه مرغ باشید
که همین سخن بگوید به زبان آدمیت

مگـر آدمــی نبودی کـــــــه اسیر دیـو مـــــاندی
که فرشتـــه ره نـدارد به مکان آدمیت

اگــر این درنـده‌خـــویی زطبیعتـت بمیـــرد
همه عمر زنـــده باشی به روان آدمیت

رســد آدمی به جایی کـه به جز خدا نبیند
بنگر که تا چه حد اسـت مکان آدمیت

طیــران مرغ دیـــدی، تـــو زپــای بند شـهوت
بـــدر ای، تـــا ببینی طیران آدمـــیت

توضیحات

گلستان سعدی مملو از حکم و مواعظ است. یعنی گلستان سعدی سراسر پند، اندرز و اخلاق است که الحق می‌توان سعدی را به حیث معلم اخلاق و اندرز نامید؛ زیرا سعدی همیشه به خصوص در گلستان خود پند، اخلاق و اندرز را بیشتر به کار برده است.

قواعد دستوری

صفت ساده و مرکب

صفت ساده آن است که حالت اسم را بیان می‌کند و از یک کلمه ساخته شده است؛ مانند: نیک، خوب، کوشا. و یا در این بیت:

دلیل خویش پس از مرگ هم تویی بیدل   چو شمع کشته کسی جز تو بر مزار تو نیست

کلمه‌های نیک، خوب، کوشا و کشته صفت ساده اند.

صفت مرکب آن است که مانند اسم مرکب، ساختمانش از دو کلمه تشکیل گردد؛ مانند: مرد پاکدل، زن خوبرو که: خوب‌رو {خوب + رو = خوبرو} و پاکدل {پاک + دل = پاکدل} صفت مرکب اند.

خلاصۀ درس

شیخ مشرف‌الدین مصلح «سعدی» شیرازی در اوایل قرن هفتم هجری در یک خانوادۀ متدین در شیراز به دنیا آمده است.

آثار منثور وی گلستان، مجالس پنج‌گانه، رسالۀ عقل و عشق و تقریرات ثلاثه می‌باشد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- در مورد زنده‌گی‌نامۀ سعدی به طور مختصر صحبت کنید.

• در بارۀ مفهوم نمونۀ کلام سعدی در گروه‌ها با هم بحث و گفتگو کنید و نتیجه را نمایندۀ هر گروه بیان نماید.

• سعدی شاعر کدام قرن بود؟

• آثار منثور سعدی را نام بگیرید؟

• کتاب مجالس پنج‌گانه از کی بود؟

• مقصد شاعر از بیت زیر چیست؟

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند   بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

به دوستانت بگو

• سعدی یکی از مشهورترین شاعران زبان فارسی دری است.

• گلستان و بوستان از جمله آثار مشهور سعدی می‌باشد.

بخوان و بنویس

• متن درس را در گروه‌های کوچک خاموشانه بخوانید.

• واژه‌های جدید را بخوانید و در جمله‌ها به کار ببرید.

• شعر «تن آدمی شریف است» را با لحن و آهنگ مناسب بخوانید و معنا کنید.

• جمله‌های زیر را گسترش دهید.

در آوان جوانی به --

-- از آن به بعد بقیۀ عمر خود را در

شیراز --

------------------------------گردیده است.

• سه جمله بنویسید که در آن‌ها صفت ساده و مرکب به کار رفته باشد.

• شما نسبت به کدام شاعر علاقه‌مندی دارید، در دو سطر بنویسید.

• تفسیر و معنای این بیت را در دو سطر بنویسید و صفت مرکب را در آن نشان دهید.

گفتم این شرط آدمیت نیست   مرغ تسبیح گوی و من خاموش



• یکی از نمونه‌های شعر سعدی را انتخاب کنید و در صنف با صدای بلند بخوانید.



درس سیزدهم

اهمیت شاهراه و جاده‌ها



شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته در مورد زراعت معلومات حاصل نمودید. درس جدید ما آشنایی با شاهراه‌ها وجاده‌هاست که در هر کشوری از اهمیت خاصی برخوردار است. در این درس می‌خواهیم که ارزش و اهمیت شاهراه‌ها را از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه قرار دهیم؛ هم‌چنین با صفت مفعولی و فاعلی آشنا می‌شویم.

۱. آیا می‌توانید چند شاهراه کشور را نام ببرید؟
۲. آیا زراعت با جاده‌ها و شاهراه‌ها ارتباط دارد، اگر دارد چطور؟
۳. آیا می‌دانید که شاهراه‌ها و جاده‌ها در یک کشور دارای چه اهمیتی می‌باشند؟

شاهراه عبارت از سرک‌های مهم حلقه‌یی بین ولایت‌ها می‌باشد،که تمام ولایت‌های دورا دور کشور را با هم وصل می‌کند. شاهراه‌ها و جاده‌ها در یک کشور به مثابۀ شاهرگ‌ها در بدن می‌باشند. همان‌گونه که شاهرگ‌ها در بدن خون را به تمام بدن می‌رسانند، انسان را زنده نگهمیدارند و سبب ادامۀ حیات می‌شوند، شاهراه‌ها و جاده‌ها در کشور تمام شهرها و مناطق را متصل می‌سازند و حیات تازه به جامعه می‌بخشند. شاهراه‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی اهمیت بسزایی دارند. در صورتی که تمام شهرها و دهکده‌ها به هم وصل باشند و ارتباط داشته باشند، تولیدات و محصولات یک منطقه به منطقۀ دیگر انتقال یافته، سبب رشد اقتصادی همان منطقه می‌شوند. با موجودیت شاهراه‌ها به کمترین وقت محصولات زراعتی، حیوانی و صنایع دستی به بازارها و مارکیت‌ها رسیده به قیمت مناسب به فروش می‌رسند و از عاید حاصله ضروریات مردم و خانواده‌ها مرفوع می‌گردد. زنده‌گی رونق و رشد یا فته سطح آن بالا می‌رود.

حمل و نقل مردم و انتقال تولیدات شان در صورت موجودیت شاهراه‌ها در مدت زمان کوتاهی صورت می‌گیرد که این امر نه تنها در قسمت اقتصادی؛ بلکه در روابط و انتقال فرهنگ‌ها نیز مؤثر می‌باشد. رفت و آمد مردم سبب روابط و تحکیم دوستی‌ها بین اقوام مختلف شده از رسم و رواج‌های یکدیگر آگاه می‌شوند. همین‌گونه که روابط فرهنگی به وجود می‌آید روابط اجتماعی استحکام یافته شناخت سراسری به وجود می‌آید؛ حتی سبب خویشی‌ها می‌گردد. طوری‌که قبلاً به آن اشاره شد در پهلوی انکشاف روابط اجتماعی، روابط اقتصادی و انتقال فرهنگ‌ها در اثر رفت و آمد و شناخت اقوام وسعت می‌یابد و وحدت ملی بیشتر تقویت می‌شود؛ علاوه بر مسایلی که تذکر داده شد، موجودیت شاهراه‌ها سبب رشد تجارت در داخل و خارج ازکشور می‌گردد، پول تقویت می‌یابد و روحیۀ اتکا به خود به وجود می‌آید؛ هم‌چنان کشور به منطقۀ ترانزیت بین‌المللی تبدیل می‌شود. حمل و نقل اموال تجارتی کشورهای همسایه از این منطقه صورت می‌گیرد که عاید بزرگی از این بابت متوجه کشور ما می‌شود.

شاهراه‌ها به سیستم جدید از استهلاک وسایل حمل و نقل می‌کاهد و با مصرف کمتر اموال انتقال می‌یابد. مواد خام و پخته به آسانی از طریق زمین به خارج از کشور صادر شد ه و واردات به قیمت نازل به داخل می‌رسد.

جلب و جذب سیاحان یکی از فایده‌های دیگریست که به موجودیت شاهراه‌ها بسته‌گی دارد

و سبب رشد اقتصادی و انتقال فرهنگ‌ها می‌شود.
پس همهٔ این پیشرفت‌ها زمانی جنبهٔ عملی به خود می‌گیرند که یک کشور در تمام مناطق دور و نزدیک شاهراه‌ها و جاده‌ها داشته باشد، و این پیشرفت نه تنها در شهرها منحصر می‌ماند؛ بلکه سبب رشد مناطق دور دست و دهات نیز می‌شود. به خصوص بخش زراعت و مالداری بیشتر رشد می‌نماید؛ چون دهقانان در دورترین نقطه‌یی از کشور تشویق می‌شوند تا تولیدات خود را بلند برده به بازارها عرضه نمایند؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که تولیدات شان سالم و به وقت کم به مارکیت‌ها به فروش می‌رسد.
پس باید بدانیم که موجودیت شاهراه‌ها و سرک‌ها خیلی مهم بوده و در تمام عرصه‌های زنده‌گی اثر گذاشته، رونق اقتصادی را سبب می‌شود، سطح زنده‌گی را بالا برده، آرامی و آسایش را به بار می‌آورد.
حال با شاهراه‌ها و سرک‌های کشور خود آشنا می‌شویم.
از جملهٔ شاهراه‌های مهم کشور می‌توان از شاهراه‌های کابل- کندهار، کندهار-هرات، کابل- تورخم، کابل- مزار و کابل-کندز یاد کرد. مهم ترین قدمی که در این زمینه در کشور برداشته شده شاهراه حلقوی می‌باشد. این شاهراه از کابل آغاز شده و دوباره به کابل ختم می‌شود. به این ترتیب: کابل -کندهار-هرات -بادغیس -فاریاب -جوزجان -بلخ و سرانجام دوباره به کابل ختم می‌شود. راه‌های دیگری که در انتقال اموال اهمیت دارد، جاده دل آرام زرنج است که افغانستان را با ایران و بنادر جنوبی آن با فاصلهٔ کوتاهی وصل می‌کند؛ هم‌چنان جاده کابل - شیرخان بندر و کابل- حیرتان تبادلهٔ اموال تجارتی را با همسایه‌های شمالی (تاجکستان و ازبکستان) آسان ساخته است.



وحدت ملی: اتحاد اقوام و اقشار مختلف یک کشور وحدت ملی همان کشور است.
سیاحان: کسانی که در شهرها و کشورهای مختلف به گردش و جهان‌گردی می‌پردازند و از جاهای تاریخی دیدن می‌نمایند.
ترانزیت بین‌المللی: حمل و نقل اموال تجارتی از یک کشور به کشور دیگر را گویند.

قواعد دستوری

صفت فاعلی و مفعولی

صفت فاعلی: کلمه‌یی است که بر حالت و چگونه‌گی فاعل، یعنی انجام دهندهٔ کاری دلالت کند؛ مانند: گوینده، بینا، پروردگار، شنوا، دادگر و...

درزبان دری صفت فاعلی دارای پسوندهای زیر می‌باشد:

۱- (نده) که در آخر فعل امر می‌آید؛ مانند: بافنده، گوینده، تابنده و...

۲- (ان) که در آخر فعل امر می‌آید؛ مانند: خواهان، خندان، دوان و...

۳- (ا) که در آخر فعل امر می‌آید؛ مانند: گویا، بینا، دانا، جویا و...

۴- (گار) که بیشتر در آخر فعل امر و ماضی می‌آید؛ مانند: آموزگار،آفریده‌گار و...

۵- (کار) که بیشتر در آخر اسم معنا می‌پیوندد؛ مانند: ستمکار، فراموش کار و...

۶- (گر) که در آخر اسم معنی می‌پیوندد؛ مانند: دادگر، ستمگر، رامشگر و...

۷- (آر) که در آخر فعل ماضی می‌آید؛ مانند: خریدار، خواستار، برخوردار و...

صفت مفعولی: آن است که بر چگونه‌گی مفعول، یعنی موجودی که کار بر روی آن واقع شده دلالت می‌کند، که با حذف (ن) اسم فعل و اضافه نمودن (ه) غیر ملفوظ ساخته می‌شود؛ مانند: دست شکسته، در بسته، سخن گفته و گل شگفته. که (شکسته، بسته، گفته و شگفته) صفات مفعولی اند.

خلاصهٔ درس

شاهراه، سرک‌های حلقه‌یی بین ولایت‌ها را گویند که تمام ولایت‌های دورادور را به هم وصل می‌کند. از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی اهمیت به سزایی دارد. حمل و نقل مردم، اموال تجارتی و انتقال تولیدات در صورت موجودیت شاهراه‌ها و جاده‌ها به آسانی امکان پذیر

است.

شاهراه‌های مهم کشور عبارت اند از: شاهراه کابل–کندهار، کندهار–هرات، کابل–تورخم، کابل– مزار و کابل– کندز که در حمل و نقل اموال تجارتی و انتقال تولیدات از اهمیت خاصی برخوردار استند.



بشنو و بگو

- شاهراه را به چه گفته می‌شود؟
- اهمیت اقتصادی شاهراه‌ها و را بیان نمایید.
- شاهراه‌ها و جاده‌ها در انکشاف روابط اجتماعی و فرهنگی چه نقشی دارند؟
- شاهراه‌ها وجاده‌ها در صادرات و واردات اموال چه نقش دارند؟
- آیا شاهراه‌ها و جاده‌ها صرف مربوط به شهرها می‌شوند؟
- شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند. پس از بررسی و تحلیل در مورد مفهوم درس به شکل سؤال و جواب، یک گروه با گروه دیگر محاوره نماید.

به دوستانت بگو

- با موجودیت شاهراه‌ها به کمترین وقت محصولات زراعتی، حیوانی و صنایع دستی به بازارها و مارکیت‌ها می‌رسد.
- شاهراه‌های کابل–کندهار، کندهار–هرات،کابل–تورخم، کابل–مزار و کابل–کندز از جملهٔ شاهراه‌های مهم کشور به شمار می‌روند.

بخوان وبنویس

- متن درس را دقیق بخوانید، بعد در مورد اهمیت اقتصادی و اجتماعی شاهراه‌ها و جاده‌ها شش سطر بنویسید.
- از کلمه‌های داده شده، که نامنظم اند، دو جملهٔ منظم ترتیب نموده، بنویسید.

- اقتصادی، رشد، شاهراه‌ها، سبب، موجودیت، انتقال، می‌شود و فرهنگ‌ها
- سیستم، استهلاک، شاهراه‌ها، جدید، به، حمل ونقل، از، وسایل و می کاهد

درست/ نادرست

- شاهراه‌ها از نظر اقتصادی اهمیت ندارند. (   )
- موجودیت شاهراه‌ها سبب جلب وجذب سیاحان می‌شود. (   )
- شاهراه کابل–حیرتان تبادلهٔ اموال تجارتی را با همسایه‌های شمالی آسان ساخته است. ( )

جاهای خالی را پر کنید:

- شاهراه......... از......... مهم....... بین ولایات می‌باشد.
- کشور به....... ترانزیت............. تبدیل می‌شود.
- شاهراه........ زرنج، افغانستان را با.......... و بنادر جنوبی آن با فاصلهٔ کوتاهی...... می کند.



- برداشت خود را از درس خلاصه نموده در چند سطر بنویسید.
- کلمه‌های زیر را درجمله‌های مناسب به کار ببرید.

کشور، محصولات، اقتصادی، فرهنگی، زراعتی، جاده‌ها، شاهراه و انکشاف.



درس چهاردهم

آزادی



شاگردان عزیز،

سال گذشته در مورد آزادی مطالبی را آموخته بودید، اکنون در این درس در بارهٔ این‌که آزادی حق هر انسان است، آزادی فردی و اجتماعی و ایجاد احساس احترام به آزادی را فرا خواهید گرفت؛ هم‌چنان با مهارت‌های شش‌گانهٔ زبان و صفت تفضیلی آشنا خواهید شد. قبل از ارائهٔ موضوعات درس به این پرسش‌ها پاسخ دهید:

۱- چرا هر کس آزادی را دوست دارد؟

۲- از نظر شما آزادی یعنی چه؟

آزادی یک هدیهٔ بی‌نظیر الهی است که نصیب انسان شده است، ما باید به آزادی و کرامت انسانی احترام بگذاریم. آزادی حق قانونی، طبیعی و مشروع هر انسان است. این حق جزء آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد بوده و حدود لایتناهی ندارد.

هر انسان حق دارد آزاد زنده‌گی کند، آزادی و کرامت انسان طبق قانون از هر نوع تعرض مصؤون است. دولت‌ها به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشند. روی همین اصل هر کس حق زنده‌گی و امنیت شخصی خود را دارد. آزادی یک واژهٔ مقدس است، هر انسان آزاد به دنیا می‌آید و باید آزاد زنده‌گی کند، زنده‌گی یک موهبت خداوندی و حق طبیعی انسان است، هیچ کس بدون مجوز قانونی از حق محروم نمی‌گردد. هر انسان حق دارد نظر خود را آزادانه بیان نماید روی همین اساس دولت‌ها نیز آزادی بیان را حمایت می‌کنند، ما حق داریم نظر و فکر خود را به وسیلهٔ گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر با رعایت احکام قانون اظهار نماییم. آزادی و محرمیت مرا سلات و مخابرات اشخاص از تعرض و مداخله و تفتیش کاملاً مصؤون می‌باشد؛ مگر در حالتی که قانون حکم دیگری در مورد داشته باشد.

در هنگامی‌که اکثریت مردم یک جامعه بیکار و فقیر باشند، در زیر بار احتیاجات زنده‌گی به رنج و مصیبت گرفتار می‌شوند، فکر می‌کنند، تا برای پیدا کردن ضروریات زنده‌گی به خدمت دیگران در آیند که در آن صورت آزادی خود را محدود می‌سازند. از همین جاست که گفته اند آزادی در بی‌نیازی است، هر قدر نیاز کمتر باشد آزادی بیشتر است. کسی که چیز دیگری را به آزادی تعویض نماید، مستحق آزادی نمی‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان آزادی ملی، فردی و اجتماعی به هر تبعهٔ افغانستان تعلق می‌گیرد. آزادی فرد تا زمانی‌که به حکم محکمهٔ با صلاحیت از وی گرفته نشود، به هر تبعهٔ افغانستان تعلق می‌گیرد. یک نوع آزادی دیگری وجود دارد که به نام استقلال یاد می‌شود، گاهی یک کشور آزاد مورد هجوم یک قدرت دیگر قرار می‌گیرد که در آن صورت همه مردم همان کشور استقلال، آزادی و تمامیت ارضی خود را از دست می‌دهند. آن‌گاه اکثریت مردم برای استرداد استقلال و آزادی خود دست به مبارزه می‌زنند که این نوع مبارزه را جنبش و مبارزهٔ استقلال طلبی می‌نامند؛ پس استقلال و آزادی است که شرط اساسی آن داشتن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یک کشور است، موجودیت آن کشور را در جامعهٔ جهانی تثبیت می‌کند. کشور عزیز ما که یک کشور مستقل و دارای حاکمیت ملی و تمامیت ارضی می‌باشد امروز در شمار کشورهای جهان جای‌گاه شایستهٔ

خود را احراز کرده است. آزادی و آزاده‌گی از هم فرق دارند. چه بسیار مردمی که آزادند؛ اما آزاده نیستند و بسا اسیرانی که آزاده اند، آزاد نیستند، آزادی رهایی از اسارت دیگران است و آزاده‌گی رهایی از اسارت خویشتـــن. آزادی وقــتی حـاصل می‌شود که کسی بر کسی دیگر تسلط نداشته باشد؛ اما آزاده‌گی با تسلط انسان بر خویشتن به دست می‌آید.

در هر صورت آن‌چه را باید متوجه باشیم این است که شهروندان هر کشور در راه آزادی و استقلال و حاکمیت ملی خویش، آمادۀ جانبازی و ایثار باشند.



مجوز قانونی: آزادی که در اصل یک هدیۀ الهی است، در سراسر دنیا شکل قانون را به خود احراز کرده است، یعنی آزادی‌ها تصنیف و اجازۀ قانونی حاصل کرده اند.

محرمیت مراسلات و مخابرات: بشر با استفاده از آزادی بیان که در داخل قانون تنفیذ گردیده حق دارد نظر و مفکورۀ شخصی خود را ابراز و به دوستان و آشنایان آن‌را چه ذریعۀ نوشته و چه ذریعۀ مخابره ابراز نماید و دولت مکلف است نظرات او را محرم دانسته در آن تصرف و مداخله نکند.

اعلامیۀ جهانی حقوق بشر: بعد از ختم جنگ جهانی دوم یک تعداد کشورهای مستقل دور هم جمع شده به اکثریت آراء اعلامیۀ جهانی حقوق بشر را به نشر سپردند؛ مثلاً: در یک مادۀ آن چنین آمده است:

بشر آزاد به دنیا آمده و باید آزاد زنده‌گی کند ویا: آزادی و کرامت انسانی از تعرض مصؤون است.

قواعد دستوری

صفت تفضیلی

آن را صفت برتر نیز گویند. وصفی است که شخصی یا چیزی را نسبت به شخصی یا چیزی دیگر برتری دهد. این صفت با آوردن پسوند (–تر) در آخر صفت عادی ساخته می‌شود ؛مثال: زیرک – زیرکتر، زیاد– زیادتر، بیش– بیشتر.

به جمله‌های زیر دقت کنید:

- محمود زیرکتر از احمد است.
- او زیادتر از خواهرش کار می‌کند.
- مزد بیشتر از کار بیشتر ناشی می‌شود.

خلاصهٔ درس

آزادی حق قانونی، طبیعی و مشروع هر انسان است، هر انسان حق دارد آزاد زنده‌گی کند، زنده‌گی یک موهبت خداوندی است، هیچ کس بدون مجوز قانونی از حق محروم نمی‌گردد. هر انسان حق دارد نظر خود را آزادانه بیان کند، آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص از تعرض و مداخله به طور کامل محفوظ باشد. در قانون اساسی افغانستان آزادی‌های فردی و اجتماعی هر تبعه تعیین گردیده است. زمانی که یک کشور مورد هجوم یک قدرت قرار می‌گیرد. مردم آن برای استقلال طلبی مبارزه می‌کنند.



بشنو و بگو

- چرا هر انسان حق دارد آزاد زنده‌گی کند؟
- «آزادی یک هدیهٔ بی‌نظیر است.» یعنی چه؟
- چطور نظر خود را آزادانه بیان می‌نمایید؟
- آزادی و آزاده‌گی از هم چه فرق دارند؟
- د رمورد آزادی فردی و اجتماعی در گروه‌ها بحث و گفتگو کنید. نتیجهٔ مباحثه را یک نفر از هر گروه به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

- هر انسان حق زنده‌گی دارد، به آزادی و کرامت انسانی احترام بگذاریم.
- کشور عزیز ما یک کشور مستقل و آزاد است.
- چه فکر می‌کنید آزادی فردی و اجتماعی از نظر شما چیست؟ در گروه‌ها مباحثه نمایید و نتیجه را یک شاگرد از هر گروه به دیگران بگوید.

بخوان و بنویس

- متن را خاموشانه بخوانید.
- پاراگراف دوم را دقیق بخوانید و واژه‌های جدید را مشخص کنید.
- واژه‌های جدید را بخوانید و معنا کنید.
- پیام اصلی درس چیست؟ درسه سطر بنویسید.
- واژه‌های موهبت، تبعه، هجوم و مجوز را در جمله‌ها به کار ببرید.

جاهای خالی را پر کنید:

- هر انسان.................. به دنیا می‌آید و باید...................... زنده‌گی کند.
- زنده‌گی یک..................... خداوندی و حق طبیعی........................... است.



- برداشت خود را از متن درس در شش سطر خلاصه نمایید.



درس پانزدهم

اندرزها



شاگردان عزیز،

در درس گذشته در مورد آزادی‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و غیره معلومات حاصل نمودیم؛ اما درس جدید اندرزهاست که بیشتر توسط بزرگان دین، حکما و دانشمندان برای راهنمایی مردم گفته شده اند و مسایل دینی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و غیره را در بر می‌گیرند. بزرگان ما پیرامون آزادی و اهمیت آن پند و اندرزها داده اند؛ مانند: آزادی آبادی است. قدر آزادی را کم مدان؛ هم‌چنین با صفت عالی آشنا می‌شویم.

۱- چند اندرز به یاد دارید؟

۲- اندرزها بر زنده‌گی انسان چه تأثیر دارد؟

۱. خداپرستی آن است که خودپرستی را رها کنی. (شمس تبریزی)

۲. زینت انسان سه چیز است: علم، محبت و آزاده‌گی. (افلاطون)

۳. دانا به کار خود توکل می‌کند و نادان به آرزوی خویش. (حضرت علی (رض))

۴. کار سرمایهٔ سعادت و خوشبختی است. (سقراط)

۵. به جای نفرین فرستادن به تاریکی، بهتر است شمعی روشن کنی. (کنفوسیوس)

۶. امید برای بشر، مثل بال برای پرنده‌گان است. (ویکتور هوگو)

۷. شاخ پر میوه سرش بر زمین است. (مولانا جلال الدین محمد بلخی)

۸. خوشبخت‌ترین مردم کسی است که کردار به سخاوت بیاراید و گفتار به صداقت. (ابو علی سینای بلخی)

۹. مرگ در راه آزادی، شرافت‌مندانه تر از زنده‌گی در سایهٔ برده‌گی است. (جبران خلیل جبران)

۱۰. قوی‌ترین رکن بنا ی دوستی، کتمان اسرار دوستان است. (بزرگمهرحکیم

۱۱. در راه رفتن میانه رو باش. (لقمان حکیم)

۱۲. وفات در نیک‌نامی بهتر است از حیا ت در بدنامی. (کلیله و دمنه)

۱۳. قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. (سعدی)

۱۴. اگر به جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می‌رفتیم همه دشمنان نابود می‌شدند. (بسمارک)

۱۵. سخنی داشته باش دل‌پذیر یا دلی داشته باش سخن پذیر. (محمد حجازی)

۱۶. هنر زیور بشر است و بشر زیور کیهان. (ناصر خسرو)

توضیحات

• افلاطون: در بین سال‌های (۴۲۸–۳۴۸ ق. م.) در آتن زنده‌گی می‌کرد. شاگرد سقراط بود. اثرمشهور او جمهوریت نام دارد. از جملهٔ کسانی است که تهداب مدنیت غربی را گذاشته است.

• سقراط: فیلسوف یونانی که درشهر آتن در بین سال‌های (۴۶۸–۳۹۹ ق. م.) زنده‌گی می‌کرد.

• ویکتورهوگو: نویسنده و شاعر رومانتیک فرانسوی در سال ۱۸۰۲ میلادی تولدشده است. اثر معروف وی ناول (بینوایان) می‌باشد. وی درسال ۱۸۸۵ م. وفات نموده است.

• بزرگ‌مهر حکیم: معلم هرمز پسر انوشیروان بود نظر به کاردانی و لیاقت فراوانی که داشت به وزارت رسید. برخی ازکتب به زبان پهلوی و سایر زبان‌ها به دستور این و زیر ترجمه شد.

• بسمارک: اولین صدراعظم آلمان که به نام صدراعظم آهنین مشهور است. نقش مهم او متحد ساختن جرمنی بود. او در سال ۱۸۱۵ میلادی تولد شده و درسال ۱۸۹۸ میلادی وفات نموده است.

قواعد دستوری

صفت عالی

اکنون به توضیح صفت عالی می‌پردازیم: از صفت مطلق و پسوند «–ترین» ترکیب شده و برتری موصوفی را برهمهٔ موصوف‌های هم‌جنس می‌رساند؛ مانند:

- کابل، بزرگترین شهر افغانستان است.
- نجیب، لایقترین شاگردان مکتب حبیبیه است.

در جمله‌های زیر به کلمه‌هایی که زیر شان خط کشیده شد ه است توجه کنید:

خوشبخت‌ترین مردم کسی است که کردار به سخاوت بیاراید و گفتار به صداقت.

قویترین رکن بنای دوستی، کتمان اسرار دوستان است.

در جمله‌های بالا کلمه‌های «قویترین» و «خوشبخت‌ترین» صفت برترین یا عالی می‌باشند.



اندرزها توسط بزرگان دین، حکما، دانشمندان بزرگ جهان و علما برای رهنمایی مردم گفته شده اند. انعکاس موضوعات مختلف دینی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و غیره در آن‌ها، برای پندآموزی مردم می‌باشد.



بشنو و بگو

- اندرزها توسط چه کسانی و برای چه گفته می‌شوند؟
- مفهوم اندرزهای شماره دوم و دهم را بیان کنید.
- اندرز شماره هفتم چه پیامی را در خود دارد؟
- می توانید یک جمله بگویید که در آن صفت عالی به کار رفته باشد؟

به دوستانت بگو

- اندرزها برای رهنمایی مردم گفته شده اند.
- خداپرستی آنست که خودپرستی را رها کنی.

- هرچیزی را ستونی باشد، ستون دین علم است.
- زینت انسان سه چیز است؛ علم، محبت و آزاده‌گی.

بخوان وبنویس

- چهار اندرز را انتخاب نمایید و دقیق بخوانید؛ سپس در مورد هر کدام یک یک سطر بنویسید.
- پیام این اندرز برای ما چیست؟

امید برای بشر، مثل بال برای پرنده‌گان است.

- از چهار جواب یکی را تأیید کنید.

معنای عافیت است:

الف) صحت کامل

ب) صحت نا کامل

ج) تندرستی

د) جواب «الف» و «ج» درست است.

معنای سخاوت است:

الف) دعا کردن

ب) بخشش وکرم

ج) راستی

د) بزرگواری

جاهای خالی جملات را پرکنید.

- سخنی...... دلپذیر یا.......... داشته باش..............
- قدر......... را کسی می‌داند که به.........گرفتار شود.



کارخانه گی

- سه جمله بنویسید که در آن‌ها صفت عالی به کار رفته باشد.
- مفاهیم اندرزهای زیر را در کتابچه‌های خود بنویسید.

- اگربه جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می‌رفتیم همه دشمنان نابود می‌شدند.
- قویترین رکن بنای دوستی،کتمان اسرار دوستان است.



درس شانزدهم

رادیو



شاگردان عزیز،

سال گذشته راجع به بعضی اختراعات؛ مانند: تلفون معلومات حاصل نمودید؛ اکنون به همان سلسله در رابطه به اختراع رادیو معلومات حاصل می‌نمایید و هم‌چنان با صفت نسبتی آشنا می‌شوید.

۱. آیا می‌دانید که از کدام طریق می‌توان به زودترین فرصت از اخبار جهان آگاه شد؟

۲. به نظر شما کدام نوع برنامه‌ها بهتر است از طریق رادیو نشر شود؟

بعد از انکشاف تلگراف بی‌سیم، رادیو به وجود آمد. هرتس آلمانی به اساس فورمول‌های ریاضی ثابت کرد که قوهٔ برقی در فضا به شکل امواج انتقال داده شده می‌تواند، به این ترتیب می‌توان آواز انسان و دیگر اشیا را برقی نموده و به جاهای دور بفرستیم. بر اساس همین تجربه تلگراف بی‌سیم اختراع شد.

بعداً دانشمند ایتالوی (مارکنی) بر اساس همین تجربه در سال ۱۸۹۰ م. رادیو را اختراع کرد و در لندن آن را در معرض تماشای عام گذاشت که در قرن بیستم به سرعت انکشاف کرد.

در کشور ما برای نخستین بار در عصر حکومت غازی امان الله خان در سال ۱۳۰۴ هـ‌ش. عطاالله خان را به منظور آموزش در رشتهٔ رادیو به آلمان فرستادند، که درسال ۱۳۰۵ هـ‌ش. با چند تن انجنیران آلمانی و دستگاه‌های فرستندهٔ رادیو به وطن برگشت.

در افغانستان کار تأسیس استدیو و مراسلهٔ رادیویی به زودی آغاز یافت. در ماه میزان ۱۳۰۶ خورشیدی رادیو مراحل قانونی خود را گذشتاند و درهمین سال مطابق لایحهٔ مخصوص به نشرات آغاز کرد. مدیر رادیو محمد حسن نام داشت، نطاق آن سرور گویا و هنرمندان معروف چون: استاد قاسم، استاد غلام حسین، استاد نتو، قربانعلی و د یگران آواز می‌خواندند، بعد از سقوط سلطنت امان الله خان رادیو نیز دچار سرنوشت مکاتب شده و از میان رفت، بار دوم در زمان پادشاهی محمد ظاهر شاه در سال ۱۳۱۹ ش. به نام رادیو کابل به نشرات آغاز کرد و بعد رادیو افغانستان نام گرفت که تا حال ادامه دارد. حالا تعداد زیاد رادیوها در سراسر کشورفعال گردیده اند.

رادیو در زنده‌گی ما نقش مهم را ایفا می‌کند، از طریق آن به زودترین فرصت از اخبار سراسر جهان اطلاع حاصل می‌کنیم و از حوادث، تغییرات و تحولات در عرصه‌های مختلف زنده‌گی اجتماعی با خبر می‌شویم.

قواعد دستوری

صفت نسبتی

آن است که کسی یا چیزی را بدان نسبت دهند. صفت نسبتی در زبان دری دارای پسوندهای زیر می‌باشد:

پسوند/-ی/ در کلمه‌هایی که با حروف کانسونانت ختم شده باشند؛ مثلاً: بلخی، هراتی، سنگی، چوبی...

پسوند/-یی/ در کلمه‌هایی که به حروف واول ختم شده باشد؛ مثلاً: آسیایی، طلایی، قهوه‌یی، خرمایی...

پسوند /-گی/ در برخی از کلمه‌هایی که به {هـ}غیر ملفوظ ختم شوند؛ مانند: خانه‌گی، میمنه‌گی...

خلاصهٔ درس

رادیو را در سال ۱۸۹۰ م. دانشمند ایتالوی به نام مارکنی اختراع نمود و آن را در لندن در معرض تماشای عام گذاشت که در قرن بیستم به سرعت انکشاف کرد.

در کشور ما در زمان غازی امان الله خان برای نخستین بار در سال ۱۳۰۶ شمسی رادیو به نشرات آغاز کرد؛ سپس در زمان محمد ظاهر شاه در سال ۱۳۱۹ش. به نام رادیو کابل شروع به فعالیت نمود.

صفت نسبتی آن است که کسی یا چیزی را بدان نسبت دهند.

/ ی /، /یی /، / وی / و / گی / می‌باشد.



بشنو و بگو

• رادیو را چه کسی اختراع کرد؟

• در کشور ما رادیو برای نخستین بار در زمان سلطنت کی و در کدام سال به نشرات آغاز کرد؟

• اولین نطاق رادیو در کشور ما چه نام داشت؟

• رادیو چه نقشی در زنده‌گی ما دارد؟

• صفت نسبتی را تعریف کنید.

بخوان و بنویس

• متن درس را خاموشانه بخوانید و نکات مهم آن را یادداشت نمایید.

• چند تن از شاگردان متن درس را با صدای بلند بخوانند و کلمه‌های آن را درست تلفظ نمایند.

• کلمه‌های جدید متن را در کتابچه‌های خود در جمله‌های مناسب به کار ببرید.

• جمله‌ها ی زیر را تکمیل نمایید:

– ما با استفاده از................. به زودترین فرصت از اخبار جهان اطلاع حاصل می‌نماییم.

– رادیو در سال.................. توسط.................... اختراع گردید.

– رادیو در کشور ما در سال............ به............... آغاز کرد.

• چند واژه بنویسید که صفت نسبتی در آن‌ها به کار رفته باشد.

• با استفاده از پسوند نسبتی / –گی / صفت نسبتی بسازید.



• در مورد اهمیت رادیو در عصر حاضر چند سطر بنویسید.



درس هفدهم

کوچی‌ها



شاگردان عزیز،

در درس گذشته راجع به رادیو و اهمیت آن در زنده‌گی انسان‌ها آموختید که از طریق آن در مورد اقوام و قبایل افغانستان نیز شنیده اید، یکی از این اقوام، کوچی‌ها می‌باشند که در این درس شما با زنده‌گی، عنعنات، رسوم، مسایل اقتصادی، فرهنگی و دیگر مشخصات آن‌ها آشنایی حاصل خواهید نمود؛ هم‌چنان با ضمیر و اقسام آن آشنا می‌شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. چرا این قوم همیشه کوچ می‌کنند؟

۲. این قوم بیشتر درکدام مناطق زنده‌گی دارند؟

افغانستان– هم‌مانند بسیاری از دیگرکشورهای جهان– کشوری است متشکل از اقوام و قبایل گوناگون با زبان‌های مختلف، رسم و رواج‌های متنوع و شیوه‌های گوناگون زنده‌گی.
وجود کوه‌های سر به فلک و دشوار گذر، دشت‌های سوزان و بی‌آب و علف، سرمای شدید، عدم موجودیت وسایل و امکانات و نبود راه‌ها، مناطق مختلف را از هم جدا نگهداشته و مردم هر منطقه را با خصایل، زبان و رسوم جداگانه پروریده است. از شمار اقوام افغانستان یکی هم کوچی‌ها اند، که تا هنوز در حالت خانه به دوشی و کوچی‌گری به سر می‌برند. آن‌ها از راه مالداری و پرورش حیوانات اهلی؛ چون: گوسفند، بز، شتر، خر و اسپ زنده‌گی می‌کنند و به چراگاه ضرورت دارند. چون افغانستان دارای اقلیم خشک است و در یک‌سال آن چهار فصل وجود دارد، چراگاه‌های سرسبز همیشه موجود نمی‌باشد، چراگاه‌های کوهستانی از ماه ثور تا نیمهٔ تابستان سرسبز اند. در خزان و زمستان دشت‌های هموار و وادی‌های جنوب افغانستان تا سواحل بحر هند، بلوچستان و سند برای مالداران مساعد می‌گردد. از همین رو کوچی‌ها در بهار و تابستان در دامنهٔ سلسله کوه‌های بابا و هندوکش از پامیر و بدخشان و مرغاب، بادغیس و بامیان مواشی خود را به چرا می‌برند و پس از آن به دشت‌های هلمند، ارغنداب و سواحل اتک، پشاور و وزیرستان بر می‌گردند. شماری از مردم شمال غرب و مناطق کوهستانی که به پرورش مواشی وکشاورزی سرگرم اند، به صورت نیمه کوچی‌ها زنده‌گی خود را عیار کرده اند. آن‌ها در تابستان به کوهستان‌های پیرامون خویش یکجا با مواشی شان مسکن گزین می‌شوند و در فصل سرما به روستاهای خویش باز می‌گردند. در میان این مردم تاجک‌ها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، قزاق‌ها، عرب‌ها، قرغزها، پشه‌یی‌ها، هزاره‌ها، ایماق‌ها و دیگر اقوام و قبایل کشور وجود دارند. کوچی‌ها در تهیه و تولید شیر، روغن، پنیر، مسکه، قروت، گوشت، پشم، پوست و دیگر فراورده‌های حیوانی می‌کوشند. و از این راه به اقتصاد کشور مفاد زیادی می‌رسانند. آن‌ها از راه فروش این تولیدات، احتیاجات خود را به دست می‌آورند. زنده‌گی آزاد و فارغ از قید و بند مدنی، کوچی‌ها را سالم و سر سخت بار آورده است. آن‌ها دارای قامت‌های رسا، چشمان نافذ و اندام قوی می‌باشند. در میان کوچی‌ها زنان بیشتر از مردان زحمت می‌کشند، پخت و پز، بارگیری و جمع‌آوری علوفه و نگهداری حیوانات به دوش زنان است.
کوچی‌ها طرز زنده‌گی مخصوص خود را دارند. آن‌ها در استفاده از لباس، خوراک و معاشرت خویش با دیگر ساکنان کشور فرق دارند، لباس دختران و زنان کوچی بیشتر به رنگ‌های سیاه، سرخ و لاجوردی یعنی رنگ‌های گرم می‌باشد. پیراهن و چادرهای آن‌ها با چرمه‌کاری و گل‌دوزی، زری‌کاری و گاهی با سکه‌های نقره‌یی تزیین می‌گردد. یخن‌های پیراهن‌های جوانان و نوجوانان نیز گل‌دوزی و واسکت‌های شان چرمه‌کاری می‌شوند. کلاه‌های گل‌دوزی شده و مرغوب به سر می‌گذارند. کوچی‌ها مانند بسیاری از مردم افغانستان مهمان نواز اند.

توضیحات

افغانستان تنها کشوری نیست که در آن اقوام و قبایل مختلف با زبان‌های مختلف، نژادهای متعدد و رسم و رواج‌های گوناگون زنده‌گی می‌کنند. در جهان کشورهای بسیاری وجود دارند که متشکل از اقوام و قبایل مختلف اند؛ طور مثال: ساکنان کانادا و امریکا متشکل از نژادهای فرانسوی، انگلیسی، هسپانیایی و سرخپوستان بومی استند. در ایران اقوام ترک، بلوچ، فارس، کُرد و عرب در کنار هم زنده‌گی می‌کنند. پاکستان نیز از نظر ساختار اجتماعی متشکل است از اقوام پشتون، بلوچ، سندی و پنجابی. در کشور انگلستان هم انگلیس‌ها و آیرلندی‌ها با هم زنده‌گی می‌کنند.

قواعد دستوری

ضمیر و اقسام آن

ضمیر کلمه‌یی است، که جای اسم را می‌گیرد، و برای رفع تکرار اسم استعمال می‌شود؛ مانند: پرویز، خسرو را دید و به او گفت. درین‌جا «او» به جای «خسرو» نشسته است. اگر چنین نمی‌بود، ما ناگزیر بودیم که بگوییم: پرویز، خسرو را دید و به خسرو گفت. که درین جمله اسم (خسرو) دوبار تکرار می‌شد. «خسرو» را مرجع ضمیر هم می‌گویند، و این همان قرینه است، که به ما می‌فهماند، منظور از ضمیر «او» همان «خسرو» است، و اگر «خسرو» نمی‌بود، ضمیر «او» مبهم و پوشیده می‌بود؛ چنانکه اگر می گفتیم: او را دیدم. کسی نمی‌دانست که «او» کیست؛ پس نتیجه می‌گیریم، که ضمیر احتیاج به مرجعی دارد، که باید قبل از آن ذکرشود. انواع ضمیر: در زبان دری، ضمیرسه نوع است: ۱ – ضمیرشخصی ۲ – ضمیر مشترک
۳ – ضمیراشاره، که باز هر یک به چند دستهٔ دیگر تقسیم می‌شود و در درس‌های آینده آن‌ها را خواهیم خواند.

خلاصهٔ درس

در افغانستان اقوام و قبایل گوناگون با زبان‌های مختلف و عنعنات مختلف زنده‌گی می‌نمایند که از جمله یکی کوچی‌ها استند، آن‌ها از راه مالداری و پرورش حیوانات اهلی و فروش محصولات آن‌ها امرار معاش می‌کنند. زنده‌گی آزاد و فارغ از قید و بند مدنی دارند.



بشنو و بگو

- فرق میان زنده‌گی کوچی و غیر کوچی چیست؟
- کوچی‌ها زنده‌گی خود را از کدام مدرک تأمین می‌نمایند؟
- کوچی‌ها به کدام نوع لباس علاقه دارند؟
- چند زبان رایج در افغانستان را نام ببرید.
- چند شاگرد معلومات خود را در مورد اقوام و زبان‌های افغانستان به زبان ساده در برابر صنف بیان نمایند.
- شاگردان به دو گروه تقسیم شده در مورد زنده‌گی کوچی‌ها و رسم و رواج‌های شان بحث همه جانبه نمایند؛ سپس از هرگروه یک نفر نتیجهٔ بحث گروه خویش را در برابر صنف شرح دهد.

بخوان و بنویس

- متن درس را خوانده و نکات مهم آن را بیرون‌نویس نمایید.
- مفهوم درس را حد اقل در سه سطر بنویسید.
- کلمه‌های جدید درس را در کتابچه‌های تان بنویسید.

جاهای خالی را با کلمات مناسب پُر کنید

– زنده‌گی آزاد و فارغ از............. کوچی‌ها را سالم و........... بار آورده است.

– در میان کوچی‌ها......... بیشتر از.......... زحمت می‌کشند.



– در مورد مشکلات کوچی‌ها و راه‌های حل آن مقاله‌یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

درس هجدهم

ماین چیست؟



شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته دربارۀ اهمیت شاهراه‌ها و جاده‌ها معلومات حاصل کردید، امروز پیرامون ماین‌ها معلومات به دست می‌آورید که اگر ماین‌ها خنثی نشوند، امنیت راه‌ها و جاده‌ها به خطر مواجه می‌شود؛ همچنان با ضمیر مشترک آشنا می‌شوید.

۱. آیا ماین را از نزدیک دیده اید؟

۲. آیا انفجار ماینی را که سبب تخریب و سایط نقلیه و تلفات جانی و مالی شده باشد، مشاهده کرده اید؟

افغانستان از شمار کشورهایی است که بیشترین ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده در آن وجود دارند و تاکنون همهٔ آن‌ها پاکسازی نشده اند، همه روزه مردم ما در سراسر کشور از آن‌ها آسیب می‌بینند، تا جایی که ماهانه کم از کم ده‌ها تن از اثر ماین‌ها کشته یا زخمی می‌شوند.

افغانستان از سه دهه بدین‌سو درگیر جنگ‌های بی‌شمار بوده است. در نتیجهٔ ا ین جنگ‌ها، سراسر کشور به مرکز ماین‌ها مبدل شده است که باوجود پاک‌سازی بسیاری از مناطق کشور از ماین‌ها، باز هم این دشمنان مردم افغانستان در بعضی جای‌ها باقی مانده اند.

ماین‌ها از نظر ساختمان و اهداف تخریبی شان به دو گونه می‌باشند:

۱ـ ماین‌های ضد انسان (ضد پرسونل)

۲ـ ماین‌های ضد وسایط

ماین‌های ضد پرسونل (انسان) از چوب، پلاستیک، آهن و دیگر فلزات به اشکال گوناگون ساخته می‌شوند که با اندک فشار دست یا پا، منفجر و سبب مرگ یا زخمی شدن انسان‌ها و حیوانات می‌گردند. ماین‌ها به شکل رادیو، بکس، قلم، توته‌های نل، ساعت دستی و یا دیواری، زیورات، سامان بازی و دیگر سامان آلات کار آمد، ساخته شده و پخش می‌گردند. به مجرد تماس انسان یا حیوان آن‌ها منفجر می‌شوند و آن‌چه را که در گرد و پیش شان باشد، ازبین می‌برند.

افزون بر ماین‌ها، مهمات منفجر ناشده؛ چون: راکت‌ها، بمب‌های دستی و طیاره، مرمی‌های ماشیندار، تفنگ‌ها، توپ‌ها، هاوان‌ها و غیره نیز در افغانستان موجود اند. این مهمات در مناطقی باقی مانده اند که محلات بود و باش نظامی‌ها، میدان‌های جنگ، ترصدگاه‌ها، سنگر بندی‌ها، قرار گاه‌ها و پوسته‌ها بوده اند.

مهمات مذکور گاه ناگاه سبب مرگ یا زخمی شدن کودکان، نوجوانان، کلان سالان و حتی حیوانات می‌شوند.

ماین‌ها و مرمی‌هایی که بر روی زمین قرار دارند، قابل دید و شناخت می‌باشند؛ اما ماین‌هایی که در زیر خاک پنهان اند انسان‌ها را همیشه غافلگیر می‌نمایند و تلفات بسیاری را به بار

می آورند که از آن جمله ماین‌های ضد تانک می‌باشند.

ماین‌های ضد تانک به ژرفای نیم تا یک متر در جاده‌های خاکی و دو جانب سرک‌های پخته دفن می‌شوند. به مجردی که تانک‌ها و دیگر وسایل نقلیهٔ سنگین از بالای شان بگذرند؛ آن‌ها منفجر می‌شوند و وسیلهٔ مورد نظر را از بین می‌برند.

شناخت و کشف این‌گونه ماین‌ها بدون وسایل کشف و سگ‌های تعلیم دیدهٔ مخصوص ممکن نیست.

شاگردان عزیز،

شما باید حین گشت و گذار و بازی علامت‌ها و نشانه‌هایی را که خواندید، در نظر بگیرید و به سامان و چیزهایی که در دشت‌ها، کوه‌ها و جنگل‌ها موجود اند و هم‌چنان به ساحهٔ جنگ‌زده و مزارع نشانه و علایم مهمات منفجر ناشده؛ چون: سنگ‌ها، دیوارها و بریده‌گی‌های سنگی که آبی رنگ شده نزدیک نشوید.

- سنگ‌ها، پایه‌ها و علایمی که با رنگ سفید، رنگ شده نشان دهندهٔ ساحهٔ پاک شده از ماین و مهمات می‌باشند.
- سنگ‌ها، دیوارها و ساحاتی که با رنگ سرخ، رنگ شده علامت خطر موجودیت ماین رانشان می‌دهند.

برعلاوهٔ این نشانه‌ها، علایم محلی دیگری نیز موجود اند که آن‌ها قرار زیر اند:

۱. پایه و نشانه‌یی که ساحهٔ خطرناک را نشان دهد.

۲. شاخه‌ها و تیرهایی که در عرض جاده‌ها قرارداده شده باشند.

۳. دیوارهای سنگی که جاده را بند کرده باشند.

۴. علامت‌های چلیپا که از چوب ساخته شده باشند.

توضیحات

اگر می‌خواهید از خطر مرگ و عیبی شدن در امان باشید، هرگز به ساحهٔ خطرناک ماین‌ها و مهمات منفجرناشده داخل نشوید؛ زیرا خودتان صدمه می‌بینید و هم شما باعث انفجار دیگر خواهید شد. به یاد داشته باشید در ساحه‌یی که یک ماین وجود داشته باشد، امکان موجودیت ماین‌های بیشتر هم است. در صورت مواجه شدن به قربانی ماین، هرگز داخل ساحهٔ ماین زار نشوید، هر چه زودتر به ماین پاکان یا بزرگان محل خبر دهید و از کمک‌های غیر مسلکی خود داری نمایید.

قواعد دستوری

ضمیر مشترک

ضمیری است که برای شخص‌های اول، دوم و سوم (متکلم، مخاطب، و غایب) اعم از مفرد و جمع به‌گونهٔ یک‌سان و مشترک استعمال شود و عبارت اند از: خود، خویش و خویشتن که هر کدام آن‌ها برای مفرد و جمع هر سه شخص به کار برده می‌شوند؛ مانند:

- خود گفتم، خود گفتیم، خود نوشتی، خود نوشتید، خود رفت، خود رفتند.
- نامهٔ خویش نوشتم، نامه‌های خویش نوشتیم، نامهٔ خویش نوشتی، نامه‌های خویش نوشتید، نامهٔ خویش نوشت، نامه‌های خویش نوشتند.
- کار خویشتن را انجام دادم، کارهای خویشتن را انجام دادیم، کار خویشتن را انجام دادی، کارهای خویشتن را انجام دادید، کار خویشتن را انجام داد، کارهای خویشتن را انجام دادند.



ماین‌ها از نظر ساختمان و اهداف تخریبی به دوگونه اند:
ماین‌های ضد انسان (ضد پرسونل) و ماین‌های ضد وسایط. ماین‌های ضد تانک: شناخت و کشف این‌گونه ماین‌ها بدون وسایل کشف و سگ‌های تعلیمی مخصوص ممکن نیست.
نشانه‌ها و علایم ماین‌ها و مهمات منفجرناشده، علاوه بر نشانه‌های رسمی ماین‌پاکی، علایم محلی دیگر نیز می‌باشند که خطرات ماین و دیگر مهمات منفجر ناشده را نشان می‌دهند.



بشنو و بگو

- ماین‌های ضد انسان به کدام اشکال ساخته می‌شوند؟
- چند نفر روزانه در اثر انفجار ماین‌ها در وطن عزیز ما کشته می‌شوند؟
- علایم و نشانه‌های مهمات منفجر ناشده کدام‌هاست؟
- کدام ماین‌ها در زمین کشت و از نظر پنهان نگه‌داشته می‌شوند؟

شاگردان اجرا کنند

- شاگردان درمورد اقسام ماین‌ها و خطرات آن‌ها در گروه‌های مختلف با هم مباحثه نمایند و نتیجهٔ صحبت‌ها را یک شاگرد ازهر گروه مقابل صنف به دیگران بگوید.
- شاگردان با مطالعهٔ درس ماین، احساس خود را به هم‌دیگر بیان کنند.
- در بارهٔ ضمیر مشترک (خود، خویش و خویشتن) چه می‌دانید؟ در گروه‌ها تقسیم شده

بحث و گفتگو کنید و از هر گروه یک نفر یک مثال بگوید.

- چطور می‌توان ماین‌ها را شناسایی کرد؟

بخوان و بنویس

- متن درس را بخوانید و واژه‌های جدید را بیرون‌نویس نمایید.
- واژه‌های ماین، انفجار، دست و کوه را در جمله‌های مناسب به کار ببرید.

خانه پری کنید.

- ماین‌های ضد انسان از..............................،..............................، آهن و دیگر......................
...... به اشکال گوناگون ساخته می‌شوند که با........................ فشار دست یا پا،..........................
و سبب........................ و یا زخمی شدن انسان‌ها و حیوانات می‌گردند.



شاگردان در مورد جلوگیری از خطرات ماین مقاله‌یی در هفت سطر در کتابچه‌های خود بنگارند.





درس نزدهم

ضررهای مواد مخدر



شاگردان عزیز،

در درس گذشته درمورد ماین، انواع آن و خسارات و تلفاتی که به بار می‌آورد معلومات حاصل نمودید. اکنون با یکی ازموارد دیگری که باعث ضرر و خساره برای انسان‌ها می‌گردد، آشنایی حاصل می‌نمایید که این مورد، اضرار مواد مخدر است؛ همچنین با عدد و انواع آن آشنا می‌شوید. اکنون بگویید که:

۱. مواد مخدر به چه چیزهایی گفته می‌شود؟

۲. مواد مخدر چه ضررهایی را در قبال دارد؟

مواد مخدرچیست؟

مواد مخدر عبارت ازمواد نشئه‌آوری است که مصرف متداوم آن فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی را تغییر داده و درصورت استعمال پی در پی اعتیاد روانی و بدنی را سبب می‌گردد. مواد مخدرهم به صورت طبیعی وجود دارد؛ مانند: تریاک که از بتهٔ خشخاش به دست می‌آید و هم به طور مصنوعی و کیمیاوی در لابراتوارها ساخته می‌شود؛ مانند: هیروئین، موروفین، کوکائین وغیره.

برخی ازاین مواد ارزش استفادهٔ طبی دارند و درساختن بعضی دواها به فیصدی بسیار کم استفاده می‌گردند، که مصرف بیش از ضرورت آن و یا بدون اجازهٔ داکتر خطرات جدی و زیان‌آوری را به دنبال دارد. استعمال مواد مخدر به خصوص از طریق پیچکاری به صحت انسان بسیار مضر و خطرناک می‌باشد؛ هم‌چنان سبب زیان‌های جدی و خطرناک صحی از قبیل ابتلا به امراض مزمن و کشنده؛ چون: انواع مختلف سرطان، سکته‌های قلبی، زردی و غیره می‌گردد. مواد مخدر مشکلات بی‌شمار اجتماعی و اقتصادی؛ از قبیل: قتل، سرقت، فقر، گدایی و تباهی سرمایه‌های بزرگ بشری را به دنبال دارد.

دین مقدس اسلام استعمال مواد مخدر را به خاطر این که به صحت و سلامت انسان ضرر دارد و جامعه را به طرف انحطاط اخلاقی می‌کشاند منع قرارداده است و کسانی را که به قاچاق آن دست می‌زنند دشمنان انسان و انسانیت می‌داند.

اشخاصی که به طور مداوم مواد مخدر را مصرف می‌نمایند و استعمال آن به عادت همیشه‌گی و وابسته‌گی روانی آن‌ها مبدل شده است معتاد گفته می‌شوند.

در وطن عزیز ما افغانستان هم بدبختانه یک تعداد اشخاص معتاد که بیشتر آنان را جوانانی بین سنین ۳۵– ۱۵ سال تشکیل می‌دهند. وجود دارند که مردم آن‌ها را به نام هیروئینی یا (پودری) یا د می‌نمایند.

اشخاص پودری از جامعه منزوی شده و در نزد افراد جامعه خیلی منفور و بی‌قدر اند. مردم با آن‌ها به حیث یک مجرم برخورد می‌نمایند؛ زیرا آن‌ها دشمنان جسم و جان خود و بار دوش جامعه می‌باشند؛ اما در حقیقت معتادان مواد مخدر افرادی اند که بنابر مشکلات روانی، عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر، همنشینی با اشخاص بی‌بند و بار و محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی، ناخواسته به دام این دیو خطرناک افتاده اند. این مسؤولیت همهٔ افراد جامعه، دولت و مؤسسات غیردولتی و بین‌المللی

است تا در رفع این مشکل دست به دست هم داده با معتادان در حد امکان همکاری و آن‌ها را رهنمایی نمایند تا از این بد بختی نجات پیداکنند.

چگونه می‌توانیم یک شخص معتاد را تداوی کنیم؟

نکتهٔ اساسی و مهم در تداوی فرد معتاد این است که با وی به حیث یک شخص مریض و یک عضو جامعه که محتاج کمک است رفتار شود، نه به حیث یک شخص مجرم، خطاکار و گنهکاری که مستوجب مجازات باشد. اگر فرد معتاد به خاطرآماده شدن به تداوی و ترک مواد مخدر تشویق نشود و با او روش مبتنی بر دشمنی و یا عدم همکاری صورت بگیرد، بدون شک که وی هیچگاه حاضر به ترک اعتیا د نخواهد شد.

در مورد تداوی، مراکز درمانی باید نکات مشخص تری را ارائه نمایند، تا برای مردم راهنما باشد.

اضرار مواد مخدر

استعمال مواد مخدر زیان‌های بی‌شمار جسمی و روانی دارد که به‌گونهٔ مثال شماری از آن‌ها در زیر بیان می‌گردند:

- ضعیف ساختن سیستم دفاعی بدن
- کندی فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی
- سرعت ضربان قلب
- سرطان شش و گلو
- ضعیف نمودن حواس باصره، سامعه و ذایقه
- بالابردن فشار خون
- بالا بردن چربی خون
- سکتهٔ قلبی
- سکتهٔ مغزی
- ایجاد بی‌حالی در شخص مصرف کننده
- ایجاد اختلال در سیستم تنفس
- اختلالات روانی (افسرده‌گی، پریشانی، گوشه‌گیری و نا امیدی)

توضیحات

در مورد استفادهٔ طبی مواد مخدر باید گفت که: در صنعت طب از مواد مخدر با فیصدی بسیار کم برای ساختن برخی دواها استفاده می‌شود؛ اما باید در مصرف آن‌ها احتیاط صورت گیرد و طبق هدایت داکتر از آن دواها استفاده شود.

سرطان: مرض کشنده‌یی است که در جهان تا اکنون هم برای علاج آن دارویی کشف نشده است.

اشخاص پودری: افرادی که به مواد مخدر به خصوص هیرویین مبتلا باشند.

قواعد دستوری

عدد و انواع آن

به جملهٔ زیر نگاه کنید.

• در وطن عزیزما افغانستان بدبختانه یک تعداد اشخاص معتاد که بیشتر آنان را جوانانی بین سنین ۳۵– ۱۵ سال تشکیل می‌دهند وجود دارند.

درین جمله «۱۵» و «۳۵» عدد می‌باشند.

تعریف عدد

عدد آن است که شماره را بیان کند، و چیزی را که شمرده شود معدود می‌گویند؛ مانند: دومیز، چهارچوکی، که «دو» و «چهار» عدد و «میز» و «چوکی» معدود می‌باشند.

در زبان دری معدود با عدد در جمع و مفرد بودن مطابقت نکرده و همیشه مفرد می‌آید؛ مانند: چهارکودک، پنج کبوتر، که «چهارکودکان» و «پنج کبوتران» نمی‌گویند.

انواع عدد: در زبان دری عدد پنج گونه است، که عبارت اند از: ۱- اعداد ترتیبی یا وصفی ۲- اعداد اصلی ۳- اعداد ترکیبی ۴- اعداد توزیعی ۵- اعداد کسری



مواد مخدر یا نشئه‌آور فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی را تغییر داده، سبب امراض مزمن وکشنده؛ مثل: انواع مختلف سرطان، سکته‌های قلبی، بالا بردن فشار خون، اختلال در سیستم تنفسی و غیره شده مشکلات اجتماعی و اقتصادی؛ مانند: قتل، سرقت، فقر، گدایی و غیره را به دنبال داشته و جامعه را به سوی انحطاط اخلاقی می‌کشاند؛ پس مسؤولیت همهٔ افراد جامعه و دولت است تا برای رفع این مشکل، افراد معتاد را کمک نموده به راه راست رهنمایی نمایند تا از این بدبختی نجات یابند.



بشنو و بگو

- مواد مخدر چیست؟
- در مورد ضررهای مواد مخدر استدلال خود را بگویید.
- مواد مخدر چگونه مشکلات اقتصادی و اجتماعی را به بار می‌آورد؟
- چطور می‌توانیم افراد معتاد را کمک کنیم؟

به دوستانت بگو

- از ضررهای عمدهٔ مواد مخدر مبتلا شدن به امراض مزمن و کشنده‌یی چون انواع مختلف سرطان، فشارخون و غیره امراض می‌باشد.

• استعمال مواد مخدر اختلالات روانی؛ مانند: افسرده‌گی، گوشه‌گیری و نا امیدی را نیز در پی دارد.

• مشکلات اجتماعی و اقتصادی؛ مثل: قتل، سرقت، فقر، گدایی و تباهی نیز از پیامدهای استعمال مواد مخدر است.

• شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و در مورد اضرار، عواقب بد، مشکلات اجتماعی و اقتصادی استعمال مواد مخدر و راه‌های کمک و نجات افراد معتاد با یک‌دیگر بحث نمایند. در آخر نمایندۀ هر گروه در برابر صنف نتیجۀ بحث‌های گروه خود را بیان نماید.

بخوان وبنویس

- متن درس را دقیق بخوانید؛ بعد در مورد زیان‌های صحی و اجتماعی استعمال مواد مخدر پنج سطربنویسید.

جاهای خالی را پر کنید

- استعمال مواد مخدر به......... از طریق........ به صحت انسان زیاد مضر و خطرناک می‌باشد.
- یکی از زیان‌های مواد مخدر ضعیف نمودن......... باصره........ و......... است.

ازچهارجواب یکی را تأیید کنید:

- مواد مخدر یعنی:

۱. مواد نشئه‌آور

۲. تریاک

۳. مواد مضر

۴. مواد مفید



• مفهوم درس را خلاصه نموده درچند سطر بنویسید.

• واژه‌های زیر را در جمله‌های مناسب به کار ببرید.

مواد مخدر، تریاک، لابراتوار، افسرده‌گی و گوشه‌گیر



درس بیستم

رابعهٔ بلخی (شاعر و عارف قرن چهارم)



شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته با عایشهٔ درانی و آثار و افکار او آشنایی حاصل نمودید. درسی را که اکنون می‌آموزید در بارهٔ شناسایی یک عارف و شاعر سدهٔ چهارم هجری است که در تاریخ ادبیات دری به رابعهٔ بلخی معروف است ونیز با اعداد اصلی آشنا می‌شوید. اکنون از شما پرسیده می‌شود که:

۱. با نام چند تن از شاعر زنان زبان دری آشنایی دارید؟ نام ببرید.

۲. درکشورما چرا تعداد شاعر زنان کمتر از مردان اند؟

رابعهٔ بلخی در میان شاعران زبان و ادبیات دری از شهرت خاصی برخوردار است. پدرش ((کعب)) نام داشت و از کارمندان بلند رتبهٔ عصر سامانی بود که در سیستان، قندهار و بست حکمرانی می‌کردند. پدرش در آموزش و پرورش این شاعر توانا و جوان با علاقه‌مندی خاص توجه داشت. رابعهٔ جوان با داشتن علم، کمال، جمال و سخنوری شهرت یافت. او معاصر رودکی سمرقندی ملک الشعرای زمان سامانیان است، اشعارش در حوزهٔ ادبی خراسان آن زمان در کنار سروده‌های شاعران مشهوری؛ چون: شهید بلخی، ابو شکور بلخی و دقیقی بلخی علاقه‌مندان زیاد داشت. یکی از حوادث مهم در زنده‌گی رابعه–که در تاریخ ادبیات دری از شهرت بس بزرگ برخوردار است و نام او را در دل زمانه‌ها ماندگار و بلندآوازه ساخته– عشق نافرجام وی به بکتاش غلامی از غلامان برادرش «حارث» بود که انجامش به عشق حقیقی پیوست و برادرش او را به بدگمانی به شهادت رسانید.

در بارهٔ ماجرای عشق رابعه و بکتاش و اشعار دل انگیز و عاشقانهٔ او نویسنده‌گان و سخنوران از جهات مختلف نگریسته و بحث‌های زیادی در آن باره داشته اند؛ چنان‌که عده‌یی او را شاعر شیفته حال و دل‌دادهٔ عشق بکتاش دانسته و به داشتن عشق مجازی متهم می‌کنند؛ ولی عده‌یی دیگر از عرفا و صوفیان عشق رابعه را نه از سر هوا و هوس؛ بلکه ناشی از غلیان عشق حقیقی الهی معرفی کرده و آن را ستوده اند؛ قسمی که شیخ بزرگوار ابو سعید، شیخ فرید الدین عطار و مولانا عبدالرحمن جامی در آثار شان عشق رابعه را نه از گونهٔ عشق مجازی؛ بلکه محبت واقعی و خداجویانه خوانده اند و هم او را از سراینده‌گان نخستین اشعار عارفانه در ادبیات فارسی دری می‌دانند که متأسفانه از این شاعر عفیفه، اشعار اندکی در دسترس است و طی ادوار تاریخی از سوی هنردوستان همواره مورد دلچسپی خاص قرار گرفته و از زبانی به زبانی و از سینه‌یی به سینه‌یی زمزمه می‌شده است.

نمونهٔ کلام

زبس گل که در باغ مأوی گرفت — چمن رنگ ارژنگ مانی گرفت

مگرچشم مجنون به ابر اندر است — که گل رنگ رخسار لیلی گرفت

به مَی ماند اندر عقیقین قدح — سرشکی که در لانه مأوی گرفت

قدح گیر چندی و دنیا مگیر — که بدبخت شد آن‌که دنیا گرفت

سر نرگس تازه از زر و سیم — نشان سر تاج کسری گرفت

چو رهبان شد اندر لباس کبود — بنفشه مگر دین ترسی گرفت

همچنان او زیبایی‌های طبیعت را چنین می‌ستاید:

فشاند از سوسن و گل سیم و زر باد	زهی بادی که رحمت باد بر باد
که دُر بارید هردم درچمن ابر	که جان افزود خوش خوش در شجر باد
گل خوشبوی ترسم آورد رنگ	ازین غماز صبح پرده در باد
برای چشم هر نااهل گویی	عروس باغ را شد جلوه‌گر باد
عجب چون جسم خوشتر می‌رود خواب	چرا افگند گل را در سحر باد

قواعد دستوری

اعداد اصلی

اعدادی را می‌گویند که خود اصل و اساس اعداد دیگر استند، یعنی اعداد دیگر از این‌ها ساخته می‌شوند. اعداد اصلی عبارت اند از: یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود، صد و هزار. این اعداد را ساده یا مطلق نیزگویند.

خلاصهٔ درس

رابعهٔ بلخی از شاعران و از چهره‌های درخشان ادب دری است. او دختر کعب از کارمندان بلند رتبهٔ عصر سامانی است. رابعه در جوانی با داشتن علم، کمال، جمال و سخنوری شهرت خاص یافت.

وی معاصر ملک الشعرا رودکی سمرقندی بود. آنچه که نام او را پرآوازه ساخته است، عشق او به بکتاش‌نام، غلام برادرش حارث بود که انجامش به عشق حقیقی و ملکوتی رسیده بود. برادرش به او بدگمان شد و او را به شهادت رسانید. رابعه اشعار دل‌انگیز، عاشقانه و عارفانه دارد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- شاگردان در بارۀ ویژه‌گی‌های اشعار رابعۀ بلخی مباحثه کنند.
- شاگردان با مطالعۀ درس رابعۀ بلخی او را چگونه شخصیتی می‌پندارند؟
- چرا رابعۀ بلخی توسط برادرش حارث به شهادت رسید؟

به دوستانت بگو

- این بیت چه معنی دارد؟

چو رهبان شد انـدر لباس کبـود بنفشه مگـر دیـن ترسـی گرفت؟

بخوان و بنویس

- شاگردان خلاصۀ درس را نظر به برداشت خود در کتابچه‌های شان بنویسند.
- شاگردان جمله‌های زیر را در کتابچه‌های شان بنویسند و خانه‌های خالی آن‌ها را پر کنند:

– رابعه به لقب ____________ معروف است و او دختر ____________ می‌باشد.

– او هم عصر ____________ ملک الشعرای عصر سامانی بود.

– رابعۀ بلخی اشعار ____________ و ____________ سروده است.



کار خانه‌گی

- شاگردان یک شعر ازمتن درس را در کتابچه‌های شان بنویسند.
- شاگردان این ابیات رابعۀ بلخی را حفظ کنند.

سـر نـرگـس تـازه از زر و سیـم نشـان سـر تـاج کسـری گرفـت

چو رهبان شد انـدر لباس کبــود بنـفشه مگـر دیـن ترسـی گرفت



درس بیست و یکم

حقوق بشر



تفهیم «حقوق بشر» به شاگردان وتقویت مهارت‌های زبانی و آشنایی با اعداد ترتیبی، اهداف درس را تشکیل می‌دهند.

هر انسان حق دارد از فیض علم و دانش بهره‌مند گردد، فردی که مکتب برود، سواد می‌آموزد و دانش می‌اندوزد؛ پس طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است.

چرا طفلی که به خاطر فقر نمی‌تواند در مکتب درس بخواند، حقوق بشری وی زیر پاشده است؟

قبل از آن‌که سیر تاریخی حقوق بشر را به بحث بگیریم، لازم است که مفهوم حق را بدانیم.
حق که جمع آن حقوق می‌باشد عبارت است از:

نام خداوند ﷻ

جواز و صلاحیت

طلب

استحقاق

ضد باطل

سرانجام حق آن واقعیتی است که فرد صاحب حق، مستحق دست‌یابی به آن باشد. تمام افراد بشر به خاطر اینکه انسان استند، صرف نظر از رنگ، جنس، زبان، نژاد، مذهب و تابعیت برخوردار از حقوق انسانی یا بشری می‌باشند.
خداوند ﷻ قبل از همه به انسان کرامت ارزانی نموده است. انسان حق زنده‌گی، آزادی، مالکیت، گشت وگذار، آزادی بیان، مساوات و عدالت در مورد خود را دارد؛ پس حقوق بشر مبین حق‌های طبیعی، شرعی و قانونی هر انسان می‌باشد.

حقوق بشر چیست؟

حقوق بشر شامل حقوقی است که یکجا با زنده‌گی انسان گره خورده است. به عبارهٔ دیگر حقوق بشر عبارت از تمامی حقوقی است که انسان به خاطر بشر بودنش مستحق آن دانسته می‌شود.
دین مقدس اسلام حقوق انسان را در عرصه‌های مختلف پشتیبانی نموده است. خداوند ﷻ به انسان کرامت اعطا نموده است. از این‌رو انسان برخوردار از حق کرامت می‌باشد. باظهور دین مقدس اسلام دیگر نه عرب بر غیرعرب، نه سیاه بر سفید و نه سفید برسیاه برتری دارد؛ بلکه معیار برتری صرف بر تقوا و پرهیز گاری است. بعد از اسلام کسی حق نداشت تا دختران خود را در فردای تولدش زنده به گور کند؛ چون زن نیز انسان است و بندهٔ خدا ﷻ می‌باشد.

تبارز حقوق بشر

دو جنگ جهانی صرف نظر از سایر خسارات، اضافه از ۵۵ میلیون تلفات انسانی را با خود داشت که

تا اکنون تلافی آن به بسیاری از کشورها دشواری‌های مختلف را خلق نموده است. سر انجام در دهم دسامبر (۱۹۴۸م.) اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در قصر شاپلوی پاریس در کشور فرانسه به خاطر حقوق بشر اعلامیهٔ جهانی را در (۳۰) ماده به تصویب رسانید که در واقعیت امر به خواست میلیون‌ها انسان کرّهٔ زمین پاسخ منطقی بود. این اعلامیه با ۴۸ رأی موافق، بدون رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع به تصویب رسید. اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به زبان‌های مختلف کشورهای جهان ترجمه شد؛ سپس فهرست زبان‌هایی که این اعلامیهٔ جهانی به آن‌ها ترجمه گردید نشر شد که رقم آن به (۷۰) زبان می‌رسید. به تعقیب اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر سه سند حقوق بشری دیگر نیز به تصویب رسیدند که تکمیل کنندهٔ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به شمار می‌روند.

حقوق بشر روبه جهانی شدن می‌رود، طوری که دومین کنفرانس جهانی حقوق بشر در جریان تحولات بین‌المللی و پس از جنگ سرد در سال (۱۹۹۳م.) که در شهر (وین) کشور اتریش تدویر یافت بیانگر این واقعیت بود که باشرکت (۱۷۱) کشور تدویر یافت در حالی‌که در سال (۱۹۴۸) شمار کشورهایی که اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر را امضا نموده بودند از ۴۸ کشور بالا نمی‌رفت. ناگفته نباید گذاشت که اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بر چهار ستون مستحکم استوار بوده که عبارت از اصل‌های «آزادی، برابری، برادری و نفی تبعیض» اند. این چهار ستون در برگیرندهٔ حقوق و آزادی‌های شخصی، حقوق فرد در مناسباتش باگروه‌های اجتماعی و دنیای بیرونی، آزادی‌های معنوی، حقوق مدنی وسیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشند.



حقوق مدنی: حقوقی اند که شهروندان به موجب قانون اساسی و قوانین دیگر هر کشور از آن‌ها برخوردار اند. آزادی بیان و حق رأی‌دهی از جملهٔ حقوق مدنی به شمار می‌روند.

– آزادی بیان: یعنی این‌که هر فرد حق دارد فکر خود را به وسیلهٔ گفتار، نوشتار، تصویر و یا وسایل دیگر با رعایت احکام قانون اظهار نماید.

قواعد دستوری

اعداد ترتیبی

عدد ترتیبی که عدد وصفی یا عدد توصیفی هم گفته می‌شود، عبارت از آن نوع عدد است که نمایشگر درجه و مرتبهٔ معدود (چیز شمار شدنی) یا موصوف می‌باشد. عدد ترتیبی یا وصفی دارای پسوندهای / – ام /، / – امین / و / – این / می‌باشد؛ مانند:

–	م	دو	– دوم	منزل دوم اپارتمان
–	مین	چهار	– چهارمین	چهارمین بار است که او این جا می‌آید.
–	ین	اول	– اولین	اولین بار نیست که وی از کنار موضوع می‌گذرد.
–	وم	سه	– سوم	سوم نمره شده بود.
–	ام	سی	– سی ام	سی ام روز ماه هم غیر حاضر شده بود.

خلاصهٔ درس

حقوق بشر عبارت از تمامی حقوقی است که انسان به خاطر بشر بودنش مستحق آن‌ها می‌باشد. افراد بشر به خاطر اینکه انسان استند صرف نظر از رنگ، جنس، زبان، نژاد، مذهب و تابعیت برخوردار از حقوق انسانی یا بشری می‌باشند. این اعلامیه دارای چهار ستون می‌باشد که در این چهار ستون حقوق وآزادی‌های شخصی، حقوق فرد با گروه‌های اجتماعی، آزادی‌های معنوی، حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در نظر گرفته شده است.

عدد ترتیبی را توصیفی نیز می‌گویند وعبارت از عددی است که نمایشگر درجه ومرتبهٔ معدود یا موصوف خود می‌باشد؛ مثلاً: اولین روز، هزارمین شب، صدم مرتبه و...



بشنو و بگو

- حقوق را تعریف کنید.
- دین مقدس اسلام در مورد حقوق بشر چه گفته است؟
- اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر چه وقت و بوسیلهٔ کدام ارگان تصویب شد؟

جمله‌های زیر را بشنوید و اعداد ترتیبی آن‌ها را به حافظه بسپارید.

- اسد و خواهرش اولین بار است که پنجمین سالگرد تولد شان را جشن گرفتند.
- گلالی در سومین طبقهٔ اپارتمان زنده‌گی می‌کند.

شاگردان اجرا کنند

- دربارهٔ حقوق بشر، اعلامیهٔجهانی حقوق بشر و تبارز حقوق بشر دو دو نفر نزدیک تخته رفته به سؤال و جواب بپردازید.
- متن درس را چند شاگرد به نوبت پیشروی صنف بخوانند.

بخوان وبنویس

- این کلمه‌ها املا گفته شوند: صلاحیت، ضد، باطل، تحفهٔ الهی، اعطا، معیار و خسارات
- هر شاگرد در کتابچهٔ خود تعریف حقوق بشر را بنویسد.

جاهای خالی را پر کنید

- حقوق بشر حقوقی است که یکجا با..... انسان گره خورده است.
- اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر با (۴۸).... و (۸).... به تصویب رسید.
- عددیکه نمایشگر درجه و مرتبهٔ...... باشد، ترتیبی گفته می‌شود.

صحیح ترین پاسخ‌ها را با نوشتن (ص) انتخاب کنید:

- حق به معنای زیر می‌باشد:

الف – ضد باطل (   ) ب – استحقاق (   )

ج – طلب (   ) د – هرسه صحیح است (   )



• شاگردان، آنچه از درس (۲۱) فهمیده اند،با ادبیات خود بنویسند و ساعت بعد آن‌را در مقابل صنف بخوانند.



درس بیست و دوم

ضرب‌المثل‌ها



شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته در مورد نصایح و اندرزها که توسط بزرگان و دانشمندان برای راهنمایی مردم گفته شده اند چیزهایی دانستید، درس جدید در مورد ضرب‌المثل‌هاست. ضرب‌المثل‌ها به سخنان بزرگان و دانشمندان گفته می‌شود و از جملهٔ موضوعات فلکلوری (فرهنگ و دانش عامیانه) می‌باشد. هم‌چنین با عدد ترکیبی آشنا می‌شوید.

می‌توانید یکی دو ضرب‌المثل عامیانه بگویید؟

ضرب‌المثل‌ها عبارت از مفاهیمی اند که مردم در جریان زنده‌گی اجتماعی و به مناسبت‌های مختلف به زبان می‌آورند و در آن‌ها پند و اندرز و نصیحت‌ها و دلایلی می‌آید که رسا و بلیغ از حکمت می‌باشند، از آن‌جا که ضرب‌المثل در کوتاهی لفظ و رسایی معنی، کنایه و تشبیه نقش عمده دارد، آن‌را نسبت به دیگر انواع سخن برتر و کوتاه تر دانسته اند. هم چنان مقصود ازاستعمال ضرب‌المثل، همانا پیدا نمودن استناد و پشتوانه برای سخنان خود گوینده است؛ تا مطالبش را موجه جلوه دهد.

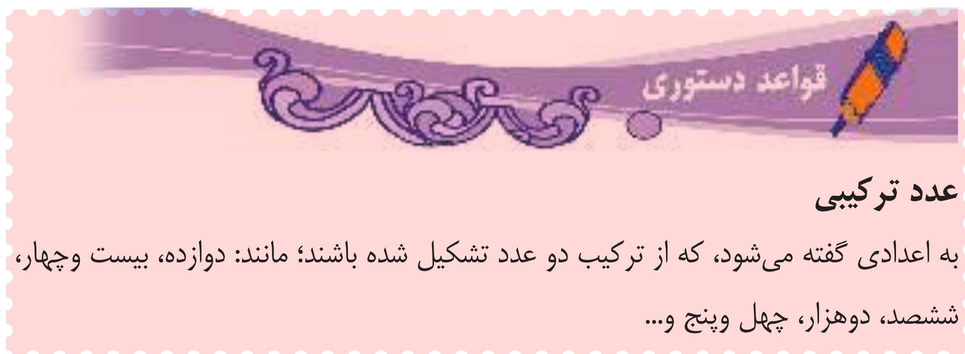
ضرب‌المثل نوع معلوم و مشهور آفریده‌های مردم است. این نوع هم در گفتار و هم در نوشتار به کار گرفته می‌شود. ضرب‌المثل‌ها جهت‌های گوناگون روابط انسان‌ها را بازتاب می‌دهند؛ مانند:

- دشمن دانا به از نادان دوست.
- بز در غم جان کندن و قصاب در غم چربو.
- آب اگر از سر پرید چه یک نیزه چه صد نیزه.
- مزن به دروازهٔ کسی با انگشت که نزند به دروازه ات با مشت.

این ضرب‌المثل‌ها نتیجهٔ سال‌ها تجربه و مشاهدهٔ زنده‌گی عامه اند. این‌ها همه در حکمت، دانش، فضل و خرد و جهان‌بینی مردم، تبلور و بازتاب یافته و گره خورده اند. در این ضرب‌المثل‌ها تجارب زنده‌گی اجتماعی و تاریخی مردم به طور عبرت‌انگیزی بیان می‌شوند.



در توضیح ضرب‌المثل (مزن به دروازۀ کسی با انگشت که نزند به دروازه ات با مشت) باید گفت: به کسی ضرر کم هم نرسان که برایت ضرر زیاد نرساند.



عدد ترکیبی

به اعدادی گفته می‌شود، که از ترکیب دو عدد تشکیل شده باشند؛ مانند: دوازده، بیست وچهار، ششصد، دوهزار، چهل وپنج و...



ضرب‌المثل سخن کوتاه، مؤجز و پندآمیز است که مردم در به مناسبت‌های مختلف جهت استحکام کلام به زبان می‌آورند. گوینده ضرب‌المثل را برای پشتوانۀ سخنان خود به کار می‌برد.

در ضرب‌المثل‌ها جهت‌های مختلف حیات انسان‌ها، بازتاب داده می‌شوند؛ مانند:

- دشمن دانا به از نادان دوست
- بز در غم جان کندن، قصاب در غم چربو

این ضرب‌المثل‌ها نتیجۀ سال‌ها تجربۀ زنده‌گی استند.



بشنو و بگو

• شاگردان نخست به صورت دسته‌جمعی به متن درس که از طرف معلم خوانده می‌شود گوش فرا دهند وسپس جمله‌های اساسی وحیاتی آن‌را ازمتن استخراج و به نوبت در صنف ارائه کنند.

• شاگردان دربارۀ مفهوم اساسی ضرب‌المثل‌ها با هم‌دیگر بحث و گفتگو نمایند.

• ضرب‌المثل‌ها چگونه صنایع بدیعی را دارا می‌باشند؟

بخوان و بنویس

• شاگردان خلاصۀ درس را به عبارات خود در کتابچه‌های شان بنویسند.

• شاگردان جمله‌های زیر را در کتابچه‌های شان بنویسند و جاهای خالی را پر نمایند.

۱. ضرب‌المثل سخن (   ) است که مردم در لحظه‌های خوشی (   ) می‌آورند.

۲. در ضرب‌المثل‌ها جهت‌های مختلف حیات (   ) داده می‌شوند.

۳. دشمن دانا (   ) از (   ).

۴. بز در غم (   )، قصاب در غم (   ).



• هر یک ازشاگردان حد اقل پنج‌پنج ضرب‌المثل را پیدا کرده درصنف ارائه دارند.



درس بیست و سوم

ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب



شاگردان عزیز،

دردرس‌های گذشته با چند شاعر زبان دری و نمونه‌های کلام آنان آشنا شدید، در این درس با شاعر دیگری به نام ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب آشنا می‌شوید، و خواهید دانست که او در کجا به دنیا آمده، چگونه به سرایش شعر پرداخته، موضوعات شعری او را چه تشکیل می‌دهد و در عصرش اوضاع شعر و ادبیات چگونه بوده است؟ همچنان با اعداد کسری آشنا می‌شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. خواندن اشعار و دانستن افکار او برای ما چه فایده دارد؟

۲. لقب «ملک الشعراء» چه معنی دارد و برای چه کسانی داده می‌شود؟

ملک الشعراء استاد عبدالحق بیتاب، عالم، فاضل و ادیب کشور در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در قصاب‌کوچهٔ شهر کابل دیده به جهان گشود. پدرش ملا عبدالاحد نام داشته و با شغل عطاری امرار معاش می‌کرد. بیتاب در سن هشت ساله‌گی پدر را از دست داده و تحت سر پرستی ماماهایش ملا عبدالغفور آخند زاده و ملا عبدالله خان که از عالمان معروف آن زمان بودند قرار گرفت. استاد بیتاب بعد از فراگیری علوم دینی، منطق، ادبیات دری و عربی در جوانی به صفت معلم در یکی ازمکاتب ابتدایی کابل شروع به تدریس نمود. سپس مدت هژده سال در فاکولتهٔ ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل به حیث استاد زبان و ادبیات دری وظیفه اجرا نموده و در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به حیث سناتور در پارلمان انتصاب شد. ایشان مدت پنجاه و یک سال از عمر خویش را در تربیهٔ فرزندان کشور و آموزش علمی، ادبی و عرفانی آنان سپری کرده و با شوق و علاقهٔ فراوان آن‌ها را یاری رسانیده اند. در سال ۱۳۳۱خورشیدی لقب پر افتخار«ملک‌الشعراء» را کمایی نموده و نیز در همین سال رتبهٔ علمی «پوهاند» را به دست آورد.

استاد بیتاب در فن شاعری شاگرد ملک‌الشعراء قاری عبدالله بود. سروده‌هایش در ساده‌گی و روانی دلپذیری خاصی داشت. از انواع سخن به غزل، قطعه و مخمس علاقهٔ بیشتر داشته و در همهٔ این قالب‌ها طبع‌آزمایی نموده است. وی در سروده‌هایش بیشتر موضوعات آزادی‌خواهی، نوع‌پروری، وطن‌دوستی و صلح‌جویی را گنجانیده است؛ هم‌چنان به مسایل اخلاقی، تربیوی، نصایح و اندرزها در شعرش تأکید فراوان شده است. او نفاق، دورویی، بیکاری، تن‌پروری وغفلت را همه جا در شعرش نکوهش کرده است.

بیتاب بهترین ایام زنده‌گی خویش را در تألیف و تدوین آثار گران‌مایهٔ ادبی صرف کرد و آثاری؛ مانند: دستور زبان، بدیع، بیان، معانی و عروض و قافیه را ازخویش به جا گذاشت که کارنامه‌های علمی این استاد گران‌مایه در گنجینهٔ فرهنگی ما جای‌گاه جاویدان خواهد داشت.

بالآخره استاد بیتاب درسال ۱۳۴۷ خورشیدی به عمر ۸۲ ساله‌گی در کابل وفات یافته و در شهدای صالحین کابل به خاک سپرده شد.

مرغ و قفس

قضا را مرغک بیچارهٔ زار — به دست طفل شوخی شد گرفتار

به زندان قفس بنمود جایش — فزوده دانه و آبی برایش

مراعاتش چو جان خویش می‌کرد — ولی مرغک تأسف بیش می‌کرد

به یادش آمدی چون باغ و بستان — نیاسودی دمی از شور و افغان

چو ازیاران گلشن یاد می‌کرد — فغان و ناله و فریاد می‌کرد

کسی گفتش که این شور و فغان چیست؟ — فراغ البال می‌باید ترا زیست

خدایت خانه‌یی داده است زیبا — که می‌باشد ستون‌هایش مطلا

ز خورد و نوش هم آماده داری — دگر بهر چه دایم بی‌قراری؟

بگفتا هست حرفت جمله مقبول — مرا هم لیک عذری هست معقول

همیشه شور و فریادم از آن است — که آسایش نه تنها آب و نان است

قفس زیبا و آب و نان فراوان — بود با این همه بر من چو زندان

مرا در زنده‌گی اکنون چه لذت — که گردد صرف، عمرم دراسارت

کسی اینجا بود آسوده احوال — که بتوان زد به کام خود پر و بال

اگر قیدی به عالم می‌پسندی — به آزادیت باید پای‌بندی



غزل: کلمهٔ غزل درلغت به معنای شوخی و عشق ورزیدن است. چون این نوع شعر بیشتر مشتمل برسخنان عاشقانه است، پس از نظر موضوع آن را غزل نامیده اند، و دراصطلاح شعرای فارسی دری اشعاری است بریک وزن و قافیه با مطلع. حد معمول ومتوسط ابیات غزل پنج تا دوازده بیت

می‌باشد.

قطعه: کلمۀ قطعه به معنای یک پاره ازهر چیزی است؛ چون این نوع شعر شبیه پاره‌یی از ابیات وسط قصیده است، پس آن را قطعه نامیده اند.

مخمس: نوعی از ترکیب‌بند است که مصراع‌های آن کوچک وکوتاه باشد. چون تعداد مصراع‌ها درین گونه شعر به پنج مصراع می‌رسد، پس آن را مخمس نامیده اند. یعنی قسمت معینی از یک شعرکه دارای پنج مصراع می‌باشد.

قواعد دستوری

اعداد کسری

عدد کسری آن است که یک یا چند قسمت از عدد اصلی را بیان می‌کند؛ مانند: یک چهارم این سیب را به برادرت بده و یا: من نیم نان می‌خواهم. اعداد کسری دونوع اند:

۱. سماعی: آن است که مفهوم پاره‌یی از عدد صحیح را بیان کند؛ مانند: نیم، نیمه، نصف و نصفه.

۲. قیاسی: آن است که عدد اصلی را با متمم «یک» بیان کند؛ مانند: سه یک، چهار یک، ده یک و صدیک.

در زبان دری امروز، متمم را مقدم داشته عدد اول را به صورت ترتیبی به کار می‌برند؛ مانند: یک سوم، یک چهارم، یک دهم و یک صدم.

توجه

اعداد توزیعی را با اعداد کسری اشتباه نکنید. فرق این دو نوع عدد آن است، که اعداد توزیعی برای تقسیم چند واحد سالم به کار می‌روند؛ مثلاً: چند واحد را پنج پنج یا شش شش تقسیم می‌کنیم. در حالی که اعداد کسری وقتی به کار می‌روند، که یک واحد را به چند جزء تقسیم نموده و بخواهیم آن را بین عده‌یی توزیع کنیم؛ مانند: ۱/۳ (یک بر سه) واحد؛ یعنی: یک قسمت از سه قسمت.



ملک‌الشعراء استاد عبدالحق بیتاب در قصاب‌کوچهٔ پل خشتی کابل در یک خانوادهٔ روحانی زاده شد. پرورش و آموزش وی را ماماهایش به دوش داشت. مرد قهرمان و با متانت بود و در شاعری برپایهٔ ملک‌الشعرایی رسید. در فن شاعری شاگرد ملک‌الشعراء قاری عبدالله بود در اشعارش مسایل صلح جویی، آزادی خواهی، نوع‌پروری و عواطف انسانی جا داشت؛ هم‌چنان نکوهش نفاق، دشمنی و دورویی دراشعار این شاعر نمایان است.



بشنو و بگو

- ملک الشعراء بیتاب کی بود و چه اندیشه داشت؟
- چرا استاد بیتاب را ملک الشعراء می‌گفتند؟
- در نمونهٔ کلام استاد بیتاب طفل به مرغک چه کرد؟
- درمتن درس چند عدد آمده و از کدام نوع اعداد می‌باشند؟
- فرق بین اعداد کسری و اعداد توزیعی را بیان کنید.
- چه فکر می‌کنید که چرا مرغک شور و فغان می‌کرد؟ این موضوع را در گروه‌های چند نفری مورد بحث و تحلیل قرار دهید و نتیجهٔ تحلیل خود را به وسیلهٔ نمایندهٔ گروه در برابر صنف به دیگر همصنفان تان برسانید.

به دوستانت بگو

- این شاعر گرانمایهٔ زبان دری در یک خانوادهٔ روحانی زاده شد.
- وی مدت پنجاه و یک سال از عمر خویش را در تربیهٔ فرزندان کشور و آموزش علمی، ادبی

و عرفانی آن‌ها سپری کرده است.

• در سروده‌های این شاعر بیشتر موضوعات آزادی خواهی، نوع پروری، وطن دوستی و صلح جویی دیده می‌شود.

بخوان وبنویس

- درمورد ملک الشعراء بیتاب پنج سطر بنویسید.
- سه بیت اخیر نمونهٔ کلام شاعر را بخوانید و درکتابچه‌های خود بنویسید.
- سه جمله را ازمتن بیرون‌نویس نمایید که درآن‌ها عدد آمده باشد.

جاهای خالی را پرکنید

- استاد عبدالحق بیتاب درفن شاعر ی شاگرد.............. بود.

مرا در......... اکـــنون چـه لـذت

کـه گـردد صـرف، عمـرم در.......



• شاگردان شعر مرغ و قفس را در کتابچه‌های خود بنویسند.



درس بیست و چهارم

سبزی‌ها



شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته در مورد زراعت (کشاورزی) موضوعاتی را خواندیم و می‌دانیم که کاشتن سبزی‌ها بخش مهم زراعت وکشاورزی را در کشور ما تشکیل می‌دهد. شناخت انواع مختلف سبزی‌ها، فواید و اهمیت آن‌ها از نکات برجستهٔ درس اند؛ هم‌چنین با عدد توزیعی آشنا می‌شویم.

۱. چند نوع سبزی را که روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنید نام ببرید.

۲. سبزی‌ها شامل چه چیزها می‌شوند؟

انسان‌ها و حیوان‌ها جهت ادامهٔ زنده‌گی خویش به سبزی‌ها ضرورت دارند. چگونه‌گی آب وهوا در رشد ونموی سبزی‌ها اثر بخش است. هر منطقه نظر به داشتن اقلیم معین، دارای سبزی‌های مخصوص به خود می‌باشد. درسرزمین‌های گرم وخشک، سبزی کمتر می‌روید. در سرزمین‌های بارانی وگرم انواع گوناگون سبزی رشد و نمو می‌کند. در مناطق معتدل سبزی‌های دیگری می‌رویند. درسرزمین‌های سرد وکم حرارت سبزی‌های کمتری سبز می‌شوند. بدین ترتیب در اقلیم‌های گوناگون اقسام مختلف سبزی‌ها و میوه‌ها می‌رویند و رشد و نمو می‌کنند.

سبزی‌ها شامل غله‌ها، میوه‌ها و ترکاری‌ها می‌باشند. بخش زیادی ازغذای انسان‌ها را حیوان‌های علفخوار می‌سازند. سبزی‌ها دارای مواد نشایسته، قندهای مختلف، پروتین‌ها، ویتامین‌ها و سلولوزها می‌باشند. سبزی‌ها هم به‌گونهٔ پخته وهم به صورت خام مورد استفادهٔ انسان قرار می‌گیرند.

گندم، جواری، جو، برنج، ارزن، لوبیا، نخود، ماش، عدس، جودر وغیره دارای پروتین‌ها و ویتامین‌های زیادی می‌باشند. کنجد، شرشم، گل آفتاب پرست، زغر، پنبه دانه، زیتون وجواری نباتات روغنی استند که از آن‌ها روغن نباتی به دست می‌آید.

کچالو، بادنجان رومی، کاهو، بادرنگ، تره، پیاز، گشنیز، کدوهای مختلف، بادنجان سیاه، ترایی، ملی سرخک، ترب، تراتیزک، گندنه، پالک، نعناع وغیره سبزی‌هایی اند که بعضی از آن‌ها به طور پخته و شمار دیگر شان به‌گونهٔ خام استفاده می‌شوند. خربوزه و تربوز میوه‌هایی استند که همه ساله کشت می‌شوند و بهره می‌دهند. انواع مختلف خربوزه و تربوز در ولایات شمالی کشور ما کشت می‌شوند. در ولایت‌های هلمند و قندهار نیز تربوز و خربوزه بهره می‌دهند. برخی از میوه‌ها به کشورهای همسایه و خلیج نیز صادر می‌شوند.

چون افغانستان در ولایات مختلف دارای اقلیم‌های متنوع است، اقسام گوناگون سبزی‌ها در این کشور رشد و نمو می‌کنند. کوه‌های هندوکش و بابا کشور را به دو بخش شمالی وجنوبی تقسیم کرده اند. ولایات شرقی، جنوبی و جنوب غربی که به موازات خط دیورند موقعیت دارند، از هوای مرطوب و بارنده‌گی‌های نیم قارهٔ هند بهره‌مند می‌گردند. از این رو آن‌ها بیشتر آب و هوای مرطوب و گرم دارند و در زمستان نیز سبزی در آن‌جاها رشد و نمو می‌کند. کنر، لغمان،

ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، قندهار، ارزگان، زابل، فراه و هلمند از این شمار ولایات اند.

ولایات مرکزی؛ چون: کابل، پروان، کاپیسا، بامیان، لوگر، میدان وردک، غزنی، غور و بادغیس در زمستان سرد، در بهار و خزان معتدل و در تابستان گرم می‌باشند. در این ولایات اقسام سبزی‌ها و بعضی میوه‌ها کشت می‌شوند.

در ولایات شمالی و شمال‌شرقی؛ چون: بدخشان، تخار، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان، سرپل و فاریاب چون تابستان گرم و زمستان سرد است، بهار و خزان معتدل دارند و سبزی‌های گوناگون می‌رویند. زمستان در برخی از این ولایات کوتاه و در برخی دیگر شان دراز است. از این رو در بعضی جاها سبزی‌ها دیرتر می‌رویند. در کابل و ولایات سردسیر سبزی‌های تازه را از ولایات گرم‌سیر؛ چون: لغمان، جلال آباد، کنر، قندهار، هلمند و کشور پاکستان در زمستان وارد می‌کنند. بعضی از سبزی‌ها کشت نمی‌شوند؛ بلکه به صورت خودروی در کوه‌ها و دره‌ها موجود اند، مردم جمع‌آوری می‌کنند و به فروش می‌رسانند. از سبزی‌ها داروهای گوناگون ساخته می‌شوند و شماری از آن‌ها به صورت خوراکی استفاده می‌گردند.

زیره یکی از سبزی‌هایی دارویی است که در کشور و خارج از آن مورد استفاده قرار می‌گیرد و به صورت طبیعی در دره‌ها وکوه‌ها می‌روید. شیرین‌بویه، کوز (لنگوتی)، شیرینکاه، زرسرک، خاکشیر، کاسنی و جوانی بادیان نیز از این شمار اند. سیچ، رواش، چکری، تاران، قرنه قوزی و سمارق‌ها سبزی‌هایی اندکه در فصل بهار در کوه‌ها سبز می‌شوندکه در این سال‌ها به نسبت خشک‌سالی‌ها، بسیاری ازین سبزی‌ها از میان رفته و یا ساحۀ رشد شان کاهش یافته است.

لازم است تا وزارت زراعت و مالداری در مورد تکثیر، ترویج و نگهداری این نباتات مساعی همه جانبه به خرج دهد؛ زیرا افزایش این محصولات در غنای اقتصادی مردم وکشور اثر مثبت دارد.

توضیحات

سلولوز: جسمی است جامد، سفید، بی‌بو و بی‌طعم شبیه به نشایسته، در آب حل نمی‌شود، به حالت طبیعی در سلول‌های نباتات وجود دارد و مهمترین عنصر ساختمان گیاه‌هاست.

زیتون: نوعی از درخت است و سبزی نیست. میوۀ آن به‌گونۀ سلاد مورد استفاده قرار می‌گیرد و روغن زیاد دارد. روغن آن کشیده می‌شود و در غذا به مصرف می‌رسد.

کشورهای خلیج: در اطراف خلیج فارس کشورهایی موقعیت دارند؛ چون: ایران، دوبی، ابوظبی، رأس الخیمه و مسقط

قواعد دستوری

عدد توزیعی

آن است که برای تقسیم واحدها به نسبت معین، به کار می‌رود؛ مانند: چهار چهار و پنج پنج؛ مثال: این سیب‌ها را بین پروین، حسن و بهرام چهار چهار یا پنج پنج دانه تقسیم کنید.

خلاصۀ درس

سبزی‌ها از شمار مواد ضروری خوراکی انسان‌ها وحیوان‌ها می‌باشند که به‌گونۀ خام و پخته مورد استفادۀ انسان‌ها قرار می‌گیرند. بعضی از سبزی‌ها در دشت‌ها وکوه‌ها به شکل طبیعی

می‌رویند؛ ولی اکثر شان در زمین‌های زراعتی کشت می‌شوند. شماری از سبزی‌ها برگ‌های شان، تعداد دیگر ریشه‌های شان و از گروه سومی ساقه‌ها و میوه‌های شان مورد استفاده قرار می‌گیرند. بعضی از سبزی‌ها خصلت دارویی دارند و به امراض گوناگون شفا بخش اند.



بشنو و بگو

- سبزی‌ها دارای کدام مواد می‌باشند؟
- سبزی‌ها شامل چه چیزها می‌باشند؟
- سبزی‌ها چند نوع اند و چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند؟
- کدام میوه‌ها شامل سبزی اند؟
- سبزی‌های دارویی را نام بگیرید.

به دوستانت بگو

- انسان‌ها و حیوانات برای ادامهٔ زنده‌گی به سبزی‌ها ضرورت دارند.
- سبزی‌ها شامل غله‌ها، میوه‌ها و ترکاری‌ها می‌باشند.
- سبزی‌ها دارای ویتامین‌ها، پروتین‌ها، قندها و نشایسته می‌باشند.
- چون افغانستان دارای اقلیم مناسب است؛ بنابر آن انواع گونا گون سبزی‌ها و میوه‌ها در این کشور رشد و نمو می‌کنند.

•شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و در بارهٔ انواع مختلف سبزی‌ها و میوه‌ها و فواید آن‌ها برای صحت و اقتصاد کشور با هم‌دیگر بحث و گفتگو نمایند. در آخر نمایندهٔ هرگروه در برابر صنف خلاصهٔ بحث گروه خود را بیان نماید.

بخوان و بنویس

- درس را در گروه‌ها خاموشانه بخوانید.
- هرگروه یک بخش درس را با لحن و آهنگ مناسب درصنف بخواند.
- هرشاگرد دو، یا چند سبزی را نام بگیرد.
- هرگروه مورد استفادۀ یک سبزی را در صنف شرح دهد.
- شاگردان سبزی‌هایی را که در محیط زیست شان بیشتر یافت می‌شوند نام‌نویس کنند و در صنف بیان نمایند.

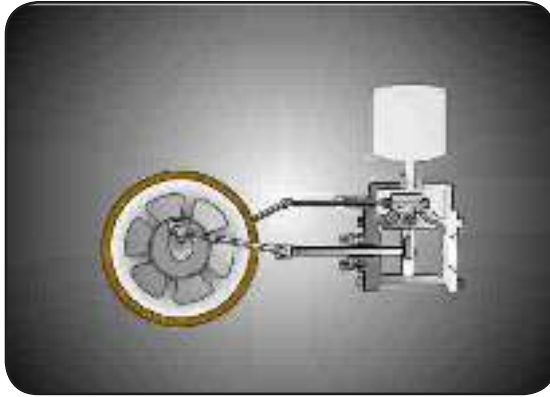


• شاگردان سبزی‌هایی را که در افغانستان اهمیت اقتصادی دارند و به خارج صادر می‌گردند در چند سطر معرفی کنند.

• شاگردان نباتات طبی (گیاهان دارویی) وطن ما را تا جایی که با آن‌ها آشنایی دارند نام نویس کنند و به کمک والدین شان خواص درمانی آن‌ها را در کتابچه‌های خود یاد داشت نموده و در صنف به دیگران بخوانند.

درس بیست و پنجم

اختراعات و اکتشافات



شاگردان عزیز،

چنان که مشهور است: «ضرورت و احتیاج، مادرِ ایجاد است». انسان از بدو پیدایش و آغاز زنده‌گی مشترک خود تا کنون به غذا، لباس و محل بود و باش ضرورت دارد. روی همین ضرورت بود که انسان‌ها وسایل ابتدایی کار؛ مانند: بیل، تبر، کلند، تیر، قلبه و دیگر چیزها را ساختند و به کمک همین وسایل توانستند که با محیط توافق نموده و از منابع وسیع طبیعت به نفع خود استفاده کنند؛ اما با وجود این همه کارها و موفقیت‌ها تا وقتی که زمینهٔ انقلاب صنعتی بزرگ جهان مساعد نشده بود در زنده‌گی انسان‌ها تغییرات بزرگی به وجود نیامد. با اختراع نخستین ماشین بخار، زمینهٔ یک تحول بزرگ در زنده‌گانی بشر رونما گردیده و انقلاب صنعتی جهان از همان نقطه آغاز یافت. در پهلوی این موضاعات هم‌چنان با واحدهای شمارش آشنا می‌شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. از نظرشما اختراعات و اکتشافات چه اهمیتی دارند؟
۲. اختراعات و اکتشافات در زنده‌گی ما چه نقشی را بازی می‌کنند؟

شاید نیم میلیون سال پیش بود که انسان‌های نخستین آتش را کشف کردند. پیش از این کشف آدمی، بته‌ها و جنگل‌هایی را که بر اثر صاعقه یا توفان به آتش کشیده شده بود، دیده و از برابر آن‌ها گریخته بوده است؛ اما کشف آتش به عنوان یک منبع انرژی بشر را قادر ساخت که دربارهٔ مزایای آن اندیشیده و برترس غریزی خود چیره شود؛ پس از کشف آتش او توانست با سوزاندن چوب و افروختن آتش، مأمن خود را روشن و گرم کند. با این که کشف آتش و استفاده از چوب به عنوان اولین منبع انرژی، مهمترین کشف تاریخ بشری محسوب می‌شود؛ ولی طی هزاران سال بشر از چوب تنها برای گرم‌کردن خود، ایجاد روشنی در شب، گداختن فلزها و ساختن ظروف سفالی و شیشه‌یی استفاده کرده است.

در قرون وسطی، انسان مادهٔ دیگری را به نام زغال سنگ شناخت و از آن به عنوان منبع انرژی استفاده کرد. برای اولین بار در سال ۱۶۱۸ میلادی جان تاردیر (دانشمند فرانسوی) شیوهٔ تولید گاز از زغال سنگ را برای تولید روشنی اختراع کرد؛ پس از آن باز هم انسان این ماده را به خدمت گرفته و توانست که با استفاده ازآن علاوه بر گداختن فلزات و ساخت شیشه و سفالینه، ماشین بخار را اختراع کند. در سال ۱۷۶۴ میلادی یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد. در این ماشین مصرف سوخت باعث می‌شد که چرخ‌های ماشین به حرکت درآمده و کار کند. بدین ترتیب جای نیروی عضلات انسان را به تدریج ماشین گرفت و راه رسیدن به دنیای جدید را هموار کرد.

از ماشین بخار ابتدا برای کشیدن آب از معدن یا چاه استفاده می‌شد؛ ولی به تدریج از آن به عنوان منبع انرژی برای راه اندازی کشتی‌های عظیم الجثه، ریل‌ها و قطارها و نیز در فابریکه‌های صنعتی استفاده شد و بالآخره انسان توانست با تبدیل انرژی، نیروی زغال سنگ را جانشین نیرو و زور بازوی آدمی کند.

استفاده از نیروی زغال سنگ در ماشین‌های بخار اگر چه در قرن‌های گذشته برای تولید نیرو به مقدار زیاد و مداوم بسیار مناسب بود؛ اما بشر به دنبال کارافزاری بود تا کارهایی انجام دهد که از عهدهٔ بخار بر نمی‌آید.

در دههٔ ۱۸۴۰ میلادی دانشمندی انگلیسی به نام «ژول» اندازه‌گیری‌های بسیاری در این مورد انجام داد. او با شکل‌های گوناگون انرژی مثل نور، صوت، حرکت، گرما، برق و مقناطیس کار کرده و انرژی را از شکلی به شکل دیگر و از جایی به جای دیگر تبدیل و منتقل می‌ساخت. چون متوجه

شده بود که در همۀ این تغییرها و جابه‌جایی‌ها مقدار کل انرژی هیچ وقت تغییر نمی‌کند.

سال‌ها پس ازآن «ادیسن» باتکمیل فرضیات و آزمایشهای دوام‌دار خود به تولید برق و به منبع عظیم انرژی الکتریکی دست یافته و با انجام فرضیه‌ها و نتایج تکمیلی خویش توانست هم برق را در خدمت جامعه قرار دهد و هم به آرزوی صد هزار سالۀ بشر–که تبدیل شب به روز بود– دست یابد که به کمک آن هزاران وسیلۀ دیگر؛ مانند: تلگراف، تلفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و... اختراع شده و سیر تمدن بشر را سرعت بخشید.



واحدهای شمارش

معمولاً برای معدودهایی که قابل توزین و شمارش استند، پس از عدد الفاظی می‌آورند که دلالت بر اندازه و مقدار می‌کنند؛ مانند: سه خروار چوب، پنج سیر برنج و هفت کیلوگوشت.

نویسنده‌گان قرن‌های اخیر الفاظی را برای بیان و تمیز معدودها وضع کرده اند، که قرارذیل اند:

رأس برای جانوران اهلی؛ مانند: گاو، بز و گوسفند.

قلاده برای جانوران وحشی؛ مانند: شیر، پلنگ و نیز برای سگ و پشک.

دستگاه برای انواع ماشین آلات.

جفت برای لباس‌هایی که جفت استند؛ مانند: بوت، جراب و دستکش.

تخته برای قالین، گلیم و نمد.

عراده برای اسلحۀ ثقیله؛ مانند: تانک، توپ و نیزبرای موتر.

حلقه برای اشیای مدور؛ مانند: فلم، انگشتر و سی دی

نسخه برای مطبوعات؛ مانند: روزنامه، جریده ومجله.

دانه برای سایراشیای قابل شمارش؛ مانند: قلم،گلدان و چهارمغز.

دسته برای گل و گیاه.

فروند برای کشتی و انواع طیاره‌ها.

تیر برای انواع گلوله، به جز ازگلولهٔ توپ

درجن برای اشیای همجنس و همانند، متشکل از یک بستهٔ شش یا دوازده دانه؛ مانند: گیلاس، بشقاب و نظایر آن.

پایه برای رادیو و تلویزیون.

سیر برای چیزهای قابل توزین؛ مانند: گندم، جو و ارزن.

قرص برای اشیای مدور؛ مانند: نان و تابلیت.

محراب برای مسجد.

میل برای اسلحهٔ ناریه؛ مانند: تفنگچه و تفنگ.

فیر برای انواع مرمی‌های اسلحهٔ ثقیله و خفیفه.

ضرب برای توپ



- طی هزاران سال بشر از چوب تنها برای گرم کردن خود، ایجاد روشنی درشب، گداختن فلزها و ساختن ظروف سفالی و شیشه‌یی استفاده کرده است.
- برای اولین بار در سال ۱۶۱۸ میلادی جان تاردیر (دانشمند فرانسوی) شیوهٔ تولید گاز از زغال سنگ را برای تولید روشنی اختراع کرد.
- در سال ۱۷۶۴ میلادی یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد.
- از ماشین بخار ابتدا برای کشیدن آب از معدن یا چاه استفاده می‌شد؛ ولی به تدریج از آن به عنوان منبع انرژی برای راه‌اندازی کشتی‌های عظیم الجثه، ریل‌ها و قطارها و نیز در فابریکه‌های صنعتی استفاده شد.

• به کمک نیروی برق هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تلفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و... اختراع شد و سیر تمدن بشر را سرعت بخشید.



بشنو وبگو

• مهمترین کشف تاریخ بشری چیست؟

• قبل از آن که بشر زغال سنگ را کشف کند، به جای آن از چه چیز و به چه مقصد استفاده می‌کرد؟

• در آغاز ماشین بخار برای چه مقاصدی استفاده می‌شد و بعدها از آن چه کار می‌گرفتند؟

• اختراعات و اکتشافات درتحول و تکامل جوامع بشری چه نقشی را ایفا می‌کنند؟ این موضوع را درگروه‌های چند نفری مورد بحث و تحلیل قرار دهید و نتیجهٔ آن را از هر گروه یک نفر پیش روی صنف به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

• پس ازکشف آتش انسان توانست با سوزاندن چوب و افروختن آتش، مأمن خود را روشن و گرم کند.

• در قرون وسطی، انسان مادهٔ دیگری را به نام زغال سنگ شناخت و از آن به عنوان منبع انرژی استفاده کرد.

• در سال ۱۷۶۴ میلادی یک دانشمند اسکاتلندی به نام «جیمز وات» نخستین ماشین بخار را اختراع کرد.

• به کمک برق هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تلفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و... اختراع شده و سیر تاریخ تمدن بشر را سرعت بخشید.

بخوان و بنویس

• متن را بخوانید و پنج چیزی را که با واحدهای شمارش مطابقت می‌کنند، بیرون نویس کرده در جمله استعمال کنید.

• در مورد کلمه‌های اختراع و اکتشاف سه سطر بنویسید.

• اختراعات جدیدی را که به یاد دارید فهرست نمایید.

جاهای خالی را پر کنید

– کشف....... و استفاده از........ به عنوان اولین منبع انرژی، مهمترین.......... تاریخ بشری محسوب می‌شود.

– از........... ابتدا برای.......... آب از......... یا.......... استفاده می‌شد.

– انسان توانست با تبدیل انرژی، نیروی......... را جانشین......... و............. آدمی کند.

– به کمک...... هزاران وسیلهٔ دیگر؛ مانند: تلگراف، تلفون، رادیو، تلویزیون، کمپیوتر و غیره........ شده و................. بشر را سرعت بخشید.



• به انتخاب خودتان در مورد یکی ازاختراعات دیگر مطلبی را پیدا نمایید و درصـنف به دیگران بخوانید.





درس بیست و ششم

حادثهٔ ترافیکی



شاگردان عزیز!

در درس گذشته راجع به اختراعات و اکتشافات مطالبی را آموختید؛ اکنون از موضوع بسیار مهم و حیاتی که برای شاگردان مکاتب بسیار مفید است و در زنده‌گی روزمره بیشتر انسان‌ها با آن سر و کار دارند که قواعد ترافیکی می‌باشد، آگاهی می‌یابید. در این درس به ضرورت نشانه‌گذاری در نگارش نیز آشنا می‌شوید. اکنون شما بگویید که:

۱. در بارهٔ قواعد ترافیکی چه می‌دانید؟

۲. آیا شاهد حادثهٔ ترافیکی بوده اید؟

ترافیک در هر کشور دارای تشکیلات منظم بوده، قواعد و دساتیر به خصوص خود را دارد و همواره جهت آسایش ملت سعی و تلاش می‌ورزد. ترافیک افغانستان نیز از قوانین و مقررات خاص خود برخوردار است که بر ترانسپورت هوایی و زمینی قابل تطبیق می‌باشند.

در افغانستان ترافیک شامل وسایط ترانسپورتی باربری، مسافربری،شخصی، دولتی و عابران پیاده‌رو می‌باشد. جاده‌های افغانستان در سال‌های قبل تأسیس گردیده، بسیار خورد و کم عرض بوده و تکافوی ترافیک امروزی را نمی‌کنند؛ زیرا نفوس روز به روز زیاد گردیده به خصوص در شهر کابل نسبت به ولایات دیگر نفوس بی‌حد زیاد می‌باشد؛ از این‌رو تمام مردم باید لوایح و مقررات ترافیکی را بدانند؛ زیرا که همواره در بازارها و مارکیت‌ها جهت رفع احتیاج خود رفت و آمد دارند. در جاده‌های شهر و پیاده روها، چراغ‌های ترافیکی، علایم و اشارات موجود می‌باشند. ما باید همواره قواعد ترافیکی را مراعات نماییم تا زنده‌گی ما از خطر مصؤون باشد. لازم است در این جا قصۀ پسری بازی‌گوش را مطالعه نماییم و از آن پند گیریم.

مسعود و محمود در یک مکتب شاگردان صنف هفتم بودند، محمود نسبت به مسعود پسر بازی گوش و بی‌پروا بود، به هدایات استادان خود کمتر توجــه داشت و چندان به درس علاقه‌مند نبود. دریکی از روزها بعد از رخصتی مکتب به طرف خانه روان بودند، محمود بدون آن‌که به چراغ‌های ترافیکی و پیاده رو توجه نماید داخل سرک عمومی شده و می‌خواست به طرف دیگر جاده برود، که ناگهان موتری به سرعت آمده و با محمود تصادم نموده و حادثه‌یی را به بار آورد. درین حادثه پای راست و دست چپ وی شکست، این بی‌پروایی و توجه نکردن به قواعد ترافیکی باعث شد تا محمود در شفاخانه برای مدت زیادی بستر باشد و نسبت به دیگر هم صنفان خود از درس و تعلیم عقب بماند، مسعود به او گفت که: همیشه ترا نصیحت می‌نمودم که به درس‌هایت کوشا باش و مقررات مکتب را مراعات نما؛ اما به گفته‌های من و معلم صاحبان عمل نکردی و به این حالت رسیدی. شاگردان مکتب باید همیشه دستور پذیر بوده، لوایح و مقررات مکتب و ترافیک را مراعات نمایند تا به سرنوشت محمود دچار نشوند.

توضیحات

ترافیک: آمد ورفت و عبور و مرور وسایل نقلیه و عابران پیاده‌روها.

ترانسپورت: حمل و نقل.

ضرورت نشانه‌گذاری در نگارش: نقطه‌گذاری از اواخر قرن ۱۹ به تقلید از نوشته‌های اروپایی در زبان دری رایج گردیده است. رعایت نقطه‌گذاری از یک سو به نویسنده کمک می‌کند که مطالب و مقاصد خود را به روشنی بیان دارد و از طرف دیگر به خواننده عادت می‌دهد که نوشته را به روش آسان‌تر و درست تر بخواند و منظور نویسنده را بهتر و روشن‌تر درک کند.

قواعد و مقررات ترافیکی: ترافیک در هر کشور دارای تشکیلات منظم بوده، قواعد و دساتیر به خصوص خود را دارد و همواره جهت آسایش ملت سعی و تلاش می‌ورزد.

ترافیک افغانستان نیز از قوانین و مقررات خاص خود پیروی نموده که بالای ترانسپورت هوایی و زمینی قابل تطبیق می‌باشند.

چراغ‌های ترافیکی: که در دو طرف دهلیز ترافیکی قرار دارند و جریان عبور و مرور را برای عابران پیاده رو و وسایط نقلیه مشخص می‌سازند، دارای سه رنگ اند: زرد، سرخ و سبز.

رنگ زرد حالت آماده‌گی را نشان می‌دهد. رنگ سرخ حالت توقف را هدایت می‌دهد و رنگ سبز امر می‌کند که عابران حرکت کنند.

قواعد دستوری

نشانه‌گذاری وضرورت آن

زمانی که یک شاعر یا نویسنده مطلبی را می‌خواهد در قالب الفاظ بریزد، با احساس‌های

پیچیده‌یی رو به رو می‌شود. همین احساس در مغز نویسنده و گوینده دارای حرکت‌ها و حالت‌های گوناگون می‌باشد، که روی کاغذ هم باید توسط نشانه‌ها و علایم انعکاس یابند. همین نشانه‌ها به نام‌های تنقیط (punctuation) و نشانه‌گذاری یاد می‌شوند.

اختراع این علایم و نشانه‌ها؛ مانند بسیاری از علوم از مسلمانان است. حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه زمانی که به توحید قرآن کریم مبادرت ورزیدند، کاتبان جهت رعایت درست خواندن آیات قرآنی، به یک سلسله علایم و نشانه‌ها؛ چون: ستاره، هشت‌ضلعی، دایرهٔ کوچک، سه نقطه و...دست زدند، که نمونه‌های آن در قدیمترین نسخ قلمی قرآن که در زمان حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه به روی پوست آهو نوشته شده در موزیم‌ها مشاهده می‌شوند، که از جمله در موزیم ملی سوریه زیر شمارهٔ ۱۶۲۸ به ثبت رسیده است.

نشانه‌ها و علایم به مرور ایام دچار تغییرات و تحولات گردیدند، که نمونهٔ آن امروز در نسخه‌های متداول قرآن کریم به شکل حروف: ط، ج، لا، م و... به چشم می‌خورند.

علایم و نشانه‌های زبان عربی داخل زبان لاتین شدند و از آن طریق بار اول در قرن نهم میلادی به اشکال و صور گوناگون، در زبان‌های اروپایی عرض وجود نمودند. پس از گذشت چندین قرن، شکل منظم و پذیرفته‌شده را به خود اختیار نمودند. بالآخره در قرن نزدهم و اوایل قرن بیست از طریق زبان‌های اروپایی در نثر نوشتاری زبان‌های ما راه یافتند.

هدف مهم نشانه‌گذاری صراحت و وضاحت مفهوم جمله و عبارات است. کاربرد نشانه‌ها و علامات در نگارش غرض وقفه در آواز و بهتر فهماندن مقصود است. اگر در نوشته‌ها علایم نشانه‌گذاری به کار گرفته نشوند و یا این‌که سهو، اشتباه و فراموشی در استعمال کامه، سیمیکولن و نقطه توسط نگارنده صورت گیرد، ممکن نوشته را بی‌معنی سازد.



ترافیک در هر کشور قواعد به خصوص خود را دارد. در جاده‌های شهر و پیاده‌روها، چراغ‌های ترافیکی، علایم و اشارات موجود می‌باشند. ما باید لوایح و مقررات ترافیکی را بدانیم و مراعات نماییم تا زنده‌گی ما از خطر مصئون باشد و مانند محمود که یک پسر بازی‌گوش و بی‌پروا بود و به چراغ‌های ترافیکی توجه نمی‌کرد که از اثر همین بی‌پروایی تصادم نمود و دست و پایش شکست، دچار این مشکل نشویم.



- مراعات نمودن قواعد ترافیکی در زنده‌گی روزمره چه اهمیت دارد؟
- در افغانستان چند نوع ترانسپورت وجود دارد؟
- چند نوع ترانسپورت را می‌شناسید؟ یک جواب را انتخاب کنید.

الف) هوایی ب) زمینی ج) بحری د) هرسه درست است.

شاگردان اجرا کنند

•دو یا سه شاگرد در بارهٔ قوانین ترافیکی نظریات خود را بیان نمایند.

•صنف را به دو گروه تقسیم نموده و هر گروه دربارهٔ قواعد ترافیکی بحث و گفتگو نمایند.

بخوان وبنویس

- متن درس را خوانده، نکات مهم آن‌را بیرون نویس نمایید و در بارۀ قوانین ترافیک نظریات خود را بنویسید.
- کلمه‌های جدید درس را در کتابچه‌های خویش نوشته و یاد بگیرید.
- جاهای خالی را با کلمات مناسب پرنمایید.

– در جاده‌های شهر.............. پیاده‌روها،................ ترافیکی موجود می‌باشند.

– افغانستان دارای ترانسپورت.............. و................... می‌باشد.



- در بارۀ فواید مراعات نمودن قواعد ترافیکی چند سطر بنویسید.





درس بیست و هفتم

ترحم بر حیوانات



شاگردان عزیز،

ترحم بر حیوانات و توجه جدی برای بقای نسل حیوانات و همچنان آشنایی با پاراگراف اهداف درس اند.

۱. حیوانات برای انسان‌ها چه نفع می‌رسانند؟

حیوانات اهلی در کنار انسان‌ها زنده‌گی می‌کنند و برای آن‌ها منفعت می‌رسانند. از این جهت حفاظت از حیوانات و جلوگیری از محو نسل حیوانات به حیث یک وظیفه در مقابل انسان‌ها می‌باشد. در قرآن کریم، این کتاب آسمانی بر ما امر و ارشاد شده است که بر حیوانات مهربانی و ترحم داشته باشیم، از آن‌ها حمایت نماییم و از گوشت، شیر، پوست و پشم حیوانات حلال‌گوشت استفاده نماییم. بعضی حیوانات در حمل و نقل انسان‌ها را کمک می‌کنند.

خداوندﷻ بر کسانی‌که بر حیوانات شفقت نمایند و حیات حیوانی را نجات دهند، مهربان است و گناه‌های شان را عفو می‌کند.

در این شعر فصیح و شیرین شیخ سعدی می‌خوانیم که:

یکی در بیابان سگی تشـــنه یافت	بدون از رمـق در حـیاتـش نـــیافت
کله دلو کرد آن پسـندیـده‌کیـش	چو حبل اندر آن بست دستار خویش
به خدمت میان بست و بازو گشاد	ســــــگ نـــاتـوان را دمی آب داد
خبـــرداد پیغمبر از حال مـــــرد	کـــه داور گـــــناهـــان ازو عفو کرد

در حدیث شریف آمده است که حیوانات بر انسان‌ها پنج حق دارند.

۱- حیوانات را بیشتر از توان آن‌ها بار ننمایید.

۲- در جاهای مشکل آن‌ها را مجبور به رفتن نکنید.

۳- به خوراک حیوانات رسیده‌گی نمایید.

۴- زمانیکه با یکدیگر رو به رو می‌شوید از مرکب‌های خود پیاده شده صحبت نمایید.

۵- حیوانات را مورد اذیت قرار ندهید؛ زیرا که حیوانات نیز حمد خداوندﷻ را به جا می‌آورند.

در گذشته‌ها با حیوانات بی‌رحمی صورت گرفته که نسل بعضی حیوانات کاملاً از بین رفته است و شماری هم از نزدیک محل زنده‌گی انسان‌ها خود را دورکرده اند.

امروز نیز حیوانات با خطرهای بزرگی مواجه می‌باشند، به خصوص زمانی‌که خانه و محل بود و باش آن‌ها تخریب می‌گردد. درجهان امروز همانطور که حمایت و ترحم بر حیوانات اهلی مهم پنداشته می‌شود، بشریت را مکلف به حمایت از حیوانات وحشی هم می‌دانند.

در افغانستان تا اکنون تقریباً ۱۲۳نوع حیوان پستاندار و ۲۶۰ نوع پرنده شناخته شده اند، که در آینده شاید به این ارقام افزود گردد؛ زیرا اقسام دیگری از حیوانات در ارتفاعات هندوکش و دره‌های بلند کوهستان‌های مرکزی افغانستان وجود دارند.

قواعد دستوری

پاراگراف

پاراگراف چه در چاپ، چه در نوشته‌های گوناگون امروزی و چه در مکتوب‌های رسمی و خصوصی بزرگترین اهمیت را داراست.

پاراگراف که نظر به سطرهای دیگر، یک و نیم سانتی متر به داخل صفحه شروع می‌شود، گذشته از چاپ و تایپ در دست‌نویسی نیز اهمیت دارد.

پاراگراف را در صنف‌های درسی (سر سطر) و در مطبعه‌ها شروع می‌گویند، هر پاراگراف که مفهوم جداگانه و مختص به خود را می‌داشته باشد، باید از سر سطر شروع شود. از نظر نشانه‌گذاری و تنقیط، هر پاراگراف مطلب کاملی را که متشکل از چندین فکر (چندین جمله) است، نشان می‌دهد.

خلاصهٔ درس

ترحم بر حیوانات یک اصل انسانیت است، انسان‌ها با درنظرداشت این‌که حیوانات هم مخلوق خداوند(ج) اند باید با آن‌ها با شفقت و مهربانی برخورد نمایند. چون تمام حیوانات به ذات خود قدرت زیبای آفرینش خداوند(ج) را ثابت می‌نمایند، از حیوانات حمایت صورت بگیرد تا از انقراض نسل آن‌ها جلوگیری به عمل آید، حیوانات اهلی برای انسان‌ها مفید استند.

پاراگراف در درست نویسی نیز اهمیت دارد که یک و نیم سانتی متر به طرف داخل صفحه شروع می‌شود. هر پاراگراف محتوای خاص خود را دارد.

فعالیت ها

بشنو و بگو

- حضرت محمد ﷺ در مورد ترحم بر حیوانات به ما چه امر فرموده اند؟
- در افغانستان تا کنون چند نوع حیوان شناخته شده است؟
- مفهوم درس را به زبان ساده بیان نمایید.
- پاراگراف چیست؟
- شاگردان در مورد اهمیت حیوانات اهلی در زنده‌گی انسان‌ها در گروه‌ها با هم گفتگو نمایند، یک شاگرد از هرگروه نتیجۀ صحبت‌ها را به دیگران بگوید.

به دوستانت بگو

- ترحم بر حیوانات یک اصل انسانیت است.
- از حیوانات حمایت صورت بگیرد تا از انقراض نسل آن‌ها جلوگیری به عمل آید.

بخوان و بنویس

- متن درس را با آواز بلند بخوانید و کلمه‌ها را درست تلفظ نمایید.
- در بارۀ ترحم بر حیوانات مقالۀ کوتاه بنویسید و در نوشتن، پاراگراف را در نظر بگیرید.

جاهای خالی جمله‌ها ی زیر را پر نمایید

۱- .... را بیشتر از توان آن‌ها بار ننمایید.
۲- حیوانات را مورد................ قرار ندهید.
۳- به خوراک................ رسیده‌گی شود.
۴- خداوند ﷻ بر کسانی‌که بر حیوانات........... مهربان است.

کار خانه گی

- یک خاطرۀ تان را که بر حیوانی کمک کرده و از کار تان خوشحال شده باشید در چند سطر بنویسید.



درس بیست و هشتم

حفظ محیط زیست





شاگردان عزیز،

در درس‌های گذشته در مورد زراعت و سرسبزی مطالبی را آموختید، اکنون در این درس با طبیعت و چگونگی مراقبت از آن، حفاظت محیط زیست، استفادهٔ درست از طبیعت، و وظایف شاگردان در زمینهٔ نگهداری محیط ماحول آشنا می‌شوید؛ همچنان کامه، سیمی کولن و ندابیه را نیزخواهید شناخت.

قبل از همه به این پرسش‌ها پاسخ دهید.

۱. چطور پاکیزه‌گی محیط زیست را رعایت کنیم؟

۲. استفادهٔ صحیح از طبیعت یعنی چه؟

محیط زیست (آب، خاک وهوا) یعنی محیطی که انسان و سایر موجودات در آن زنده‌گی می‌کنند. بشر از آغاز زنده‌گی آزاد آفریده شده تا در یک محیط سالم اجتماعی زنده‌گی نماید. محیط زیست در صحت و سلامتی ساکنان محل از اهمیت ویژه‌یی برخوردار می‌باشد؛ بنا بر آن همهٔ مردم اعم از زن و مرد وظیفه دارند که در حفظ محیط زیست خود سهم فعال داشته باشند؛ به طور مثال: غرس درختان، کشت گل‌ها و سرسبزی چمن‌ها به آسانی صورت گرفته می‌تواند؛ اما آنچه مهم است نگهداری، آبیاری، حفظ و مراقبت آن‌هاست که این کار از یک سو در ذات خود برای صحت مفید است و از طرف دیگر موجب رضای خداوندﷻ می‌گردد؛ پس هر خانواده می‌تواند به تعداد اطفال خویش در محیط خانه و کوچهٔ خود درخت غرس نماید، و هریک از اطفال را در نگهداری و آبیاری درختان غرس شده موظف گرداند؛ چنانچه آشکار است که غرس درختان، گل و گل‌کاری و سرسبز ساختن محیط (اطراف خانه‌ها، کوچه‌ها، تفریح‌گاه‌ها، دکان‌ها، جای کار و....) از یک سو سبب تأمین صحت و سلامتی هم‌وطنان می‌گردد و از سوی دیگر محلات مختلف کشور ما را زیبا و سرسبز می‌سازد.

آلوده‌گی محیط زیست به دو طریق صورت می‌گیرد، یکی آلوده‌گی طبیعی و دوم تخریب توسط انسان‌ها. آلوده‌گی طبیعی به اثر زلزله، سیلاب، خشکسالی، بلند رفتن درجهٔ حرارت هوا، باران‌های دوامدار و غیره صورت می‌گیرد، دیگر آلوده‌گی که توسط تخریب انسان صورت می‌گیرد؛ مانند: قطع جنگلات، شکار حیوانات، تراکم نفوس، استفاده از گازها و نفت‌های بی‌کیفیت، تخریب تپه‌های سبز، فقر و تهی‌دستی، نبود جای مناسب برای زنده‌گی، افزایش وسایط ترانسپورتی و بسا عوامل دیگر که باعث خرابی وآلوده‌گی محیط زیست می‌گردند و برای انسان‌ها خیلی زیان آور اند.

برای داشتن محیط زیست سالم چه باید کرد؟

۱- محیط خانهٔ خود را پاک نگهداریم.

۲- کثافات را در جای معین آن بیندازیم.

۳- جای نگهداری حیوانات را پاک نگهداریم.

۴- ازشکستن شاخه‌های درخت‌ها وگل‌ها جلو گیری نماییم.

۵- نهال‌های جدید غرس نموده، حفاظت، آبیاری و مراقبت نماییم؛ هم‌چنان کارهای مناسب دیگر را که در پاکیزه‌گی محیط زیست تأثیر دارند انجام دهیم.

برعلاوهٔ پاکیزه‌گی خانه باید در حفاظت محیط کوچه، محل وشهر خود نیز سهم فعال داشته باشیم؛ مثلاً: پوست میوه‌ها، سبزی‌ها و دیگر اشیای باطله را در جوی‌ها، پیاده روها، سرک‌ها و محیط ماحول خویش نیندازیم. از سوختاندن موادی که سبب آلوده‌گی هوا می‌گردند؛ مانند: رابر، پلاستیک و غیره جلوگیری کنیم و همیشه در پاکی محیط خود کوشا باشیم تا وظایف همگانی، اسلامی و وطنی خود را به حیث یک شاگرد خوب انجام داده باشیم ویک محیط سرسبز، پاک و دور از هر نوع کثافت و آلوده‌گی داشته باشیم.

کامه یا ویرگل (،)

این نشانه جهت توقف کوتاه و خفیف در خواندن جمله از نظر تغییر صوت یا تصریح مفهوم است که در موارد زیر به کار برده می‌شود:

• هرگاه چند واژه یا عبارت پهلوی هم بیایند باید توسط (و) عطف به هم پیوند یابند در همچو موارد (و) حذف می‌شود و به جای آن نشانهٔ (،) گذاشته می‌شود؛ مانند: پ، چ، ژ و گ از حرف‌های خاص فارسی دری اند.

• پیش از جمله‌هایی که شرح و تفسیر جمله‌ها و عبارت‌های پیشین باشند، گذاشته می‌شود؛ مانند: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر و وطن‌دوست بوده همواره اندیشهٔ آزادی و استقلال خراسان را به سر می‌پرورانید. هرگاه جمله‌یی با یکی از واژه‌های بلی، نه، خیر، درست و امثال آن‌ها آغاز شود بعد از آن واژه کامه و در پی آن بقیهٔ جمله نوشته می‌شود.

مانند:

• بلی، من اشعار او را خواندم.
• نه، ناسنجیده نباید عمل کرد.

اما اگر این واژه‌ها تنها بیایند، پس از آن‌ها نقطه گذاشته می‌شود؛ مانند:

• داستانت را تمام کردی؟
• بلی.

سیمی کولن (؛)

نشانهٔ وقف درنگی است که بیشتر از کامه وکمتر از نقطه باشد و برای جدا کردن فقره‌ها و جمله‌هایی که پی‌هم آیند و به هم مربوط باشند؛ ولی ایجاب گذاشتن نقطه را ننمایند به کار گرفته می‌شود؛ مانند: از بد کرداران نفرت دارم؛ از ساده لوحان بدم می‌آید؛ راستان و نیکو کاران را دوست دارم.

ندابیه (!)

این نشانه بر علاوهٔ حالت تعجب و ندا در پایان جمله‌هایی که بیان کنندهٔ یکی از حالات شدید نفسانی و عاطفی اند، نیز به کار می‌رود؛ مانند: تأکید، اخطار، تحسین، تحقیر، شک، آرزو و.....؛ مانند:

خداوندا ! مرا در انجام کارهای نیک یاری ده.

ای دوست ! بیا تا غم فردا نخوریم.



محیط زیست (آب، خاک و هوا) یعنی محیطی که انسان و سایر موجودات در آن زنده‌گی می‌کنند و حفظ آن در صحت و سلامتی ساکنان آن از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است. آلوده‌گی محیط زیست به دو طریق صورت می‌گیرد، یکی طبیعی و دیگر توسط تخریب انسان‌ها. برای این‌که محیط زیست سالم داشته باشیم باید محیط خانه، کوچه، محل و شهر خود را پاک نگهداریم و از آلوده شدن آن‌ها جلوگیری کنیم.



بشنو و بگو

• پیام این درس چه بود؟
• آلوده‌گی محیط زیست به چند طریق صورت می‌گیرد؟ توضیح دهید.
• به نظر شما پیشرفت در بخش ساینس و تکنالوجی در آلوده‌گی محیط زیست چه تأثیرات را به جا می‌گذارد؟ توضیح دهید.
• برای داشتن محیط زیست سالم و پاک چه باید کرد؟

به دوستانت بگو

• همهٔ مردم اعم از زن و مرد وظیفه دارند تا در حفظ محیط زیست خود سهم فعال داشته باشند.
• غرس درختان، گل و گل‌کاری و سرسبز ساختن محیط خانه، کوچه، تفریح‌گاه، جای کار و غیره از یک سو سبب تأمین صحت و سلامت هم‌وطنان می‌گردد و از سوی دیگر محلات مختلف کشور ما را زیبا می‌سازد.
• شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و در بارهٔ راه‌های مفید برای پاکیزه نگهداشتن محیط زیست با یک‌دیگر گفتگو و بحث نمایند؛ در آخر از هر گروه یک نماینده نتیجهٔ گفتگوهای گروه خود را به دیگران بیان کند.

بخوان و بنویس

• متن را خاموشانه بخوانید و نکات مهم آن را در کتابچه‌های خود بیرون‌نویس کنید.
• در مورد راه‌های مفید برای حفاظت محیط زیست سالم پنج جملهٔ مناسب در کتابچه‌های خود بنویسید.

از چهار جواب یکی را تأیید کنید

قطع جنگلات و تخریب تپه‌های سبز سبب

الف: پاکی محیط زیست می‌گردد.   ب: آلوده‌گی محیط زیست می‌گردد.

ج: بقای حیوانات ونباتات می‌گردد.   د: تأمین صحت سالم می‌گر**دد.**

واژه‌نامه

آ

آدمیت: انسان بودن
آزاده‌گی: آزاد بودن، جوان‌مردی
آسایش: آرامی
آشکار: نمایان، پیدا

الف

ابا: خود داری کردن
اتکا: تکیه کردن بر چیزی، متکی شدن
اجلاس: باهم نشستن برای گفتگو
احراز: به دست آوردن
احسان: نیکی کردن، نیکوکاری
اختراع: به وجود آوردن چیزنو
اختلال: برهم خوردن
اخلاص: پاک و خالص، بی‌ریا
اذیت: رنج، آزار، آسیب
ارادت: احترام و عقیده داشتن
ارژنگ: نام کتاب مانی که دارای انواع نقش و نگار بوده و به موجب آن ادعای پیغمبری کرده است.
ارمغان: هدیه، تحفه
استحقاق: طلب کردن حق
استحکام: محکم شدن، استواری
استناد: پشت دادن، به کسی پناه دادن
استهلاک: از بین رفتن، نابود شدن
اسرار: رازها
اسلحه: آلات جنگی، جمع سلاح
اشتیاق: شوق داشتن، آرزومندی
اصحاب: یاران، همراهان
اضرار: جمع ضرر
اعجاز: امر خارق‌العاده که دیگران از انجام دادن آن عاجز باشند
اعطا: بخشش کردن، بخشیدن
اعلامیه: ورقه‌یی که از طرف دولت یا حزبی منتشرشود ومطلب را به اطلاع عموم برساند
اغوا: فریب دادن
اقتدا: پیروی کردن
اقلام: در لغت جمع قلم است؛ اما در این درس اجناس تجارتی
اقلیم: آب وهوا
اقوام: جمع قوم
اقیانوس: بحر، دریای بزرگ
التهاب: درد و رنج
انتصاب: نصب شدن، برقرار شدن
انحطاط: به طرف خرابی رفتن
اکتشاف: کشف کردن
انبیاء: پیغمبران، جمع نبی
انعام: بخشش، بخشیدن چیزی به کسی
اولیاء: دوستداران خداﷻ
ایمن: در امان بودن

ب

باب: دروازه
بازتاب: انعکاس دادن
باصره: قوهٔ بینایی چشم
باطل: ناحق، ضد حق

بحر	دریای بزرگ
بدیع	تازه، نو، جدید
برازنده	لایق، شایسته، نیکو
بغض	کینه، دشمنی
بقا	زنده‌گی، دوام
بلیغ	رسا، شیوا، زبان آور
بوقلمون	رنگارنگ
بیضا	سفید

پ

پارسایان	پرهیزکاران
پرنیان	پارچۀ ابریشمی گل‌دار
پند	نصیحت
پهلوی	نام زبان قوم پارت که در اطراف دریای آمو زنده‌گی می‌کردند.
پیرامون	دورادور
پیشرفت	جلو رفتن، ترقی، پیشروی
پیهم	پشت سر هم

ت

تازی	عربی
تبلور	بلوری شدن جسم، به شکل بلور درآمدن
تپش	نا آرام شدن، بی‌قراری، تپیدن
تجاوز	خارج شدن، حمله کردن
تخریب	از بین بردن
ترانزیت	حمل و نقل اموال تجارتی
تراکم	زیاد شدن
ترسا	عیسوی مذهب، مسیحی
ترویج	رواج دادن، رونق دادن
تزیین	زینت دادن، زیبا ساختن، آراستن
تسمیه	نام‌گذاری، نام نهادن
تشریف	بزرگ داشتن
تصریح	آشکار کردن، روشن کردن
تصویب	به راستی و درستی امری حکم کردن
تعرض	دست درازی
تمدن	شهری شدن، مجازاً تربیت وادب
تمیم	یکی از انصار
تهی	خالی
توالی	مسلسل، پیهم، پی درپی، پیاپی
توسن	سرکش
توشه	ذخیره
تکافو	کفایت نمودن
تکثیر	زیاد کردن

ج

جام	ظرفی از طلا و نقره که در آن آب می‌نوشند.
جهت	طرف، جانب
جهل	نادانی
جوار	همسایه‌گی، پهلو
جواز	اجازه دادن

چ

چرخ فلک	آسمان
چلچه	غچی، پرستو، یک نوع پرنده

ح

حبّذا	خوشا
حزن انگیز	غمگین کننده
حشمت	بزرگی و عظمت
حصادی	درو کردن

خ

واژه	معنی
خدشه‌دار	زیان رسیده، ضرر رسیده
خسارت	زیان بردن
خصایل	جمع خصلت، خوی‌ها، عادت‌ها

د

واژه	معنی
درخشان	روشن
درنده	وحشی
دساتیر	جمع دستور
دلپذیر	پسندیده
دلیر	شجاع
دهر	دنیا، روزگار، زمانه
دیار	سرزمین، محل ومسکن
دیو	موجود خیالی، مراد از آدم‌های وحشی صفت

ذ

واژه	معنی
ذایقه	حسی که به وسیلهٔ آن مزهٔ غذا ومواد دیگر درک می‌شود.

ر

واژه	معنی
رحم	رحم کردن، مهربانی کردن
رحمت	مهربانی، شفقت
رمق	تاب و توان
روحیه	احساس
روستا	قریه، دهکده
رکن	عضو عمده، جمع آن ارکان

ز

واژه	معنی
زار	بیچاره
زینت	آرایش، زیبایی
زیور	آرایش، زینت

ژ

واژه	معنی
ژرف	عمیق

س

واژه	معنی
سادات	بزرگان
ستون	چوب سخت و بلندکه آن را عمودی در زیر به جای پایه به کار می‌برند.
سخاوت	بخشش، کرم
سعد	نیکو، خوب
سفالین	کاسه و کوزهٔ گلی
سقوط	افتادن، فرود آمدن
سلطنت	پادشاهی کردن، حکومت کردن، فرمانروایی
سناتور	نمایندهٔ مردم در مجلس سنا
سیاح	جهان‌گرد
سیمین	نقره‌یی

ش

واژه	معنی
شامعه	یکی از حواس پنج گانهٔ انسان که بوها را درک می‌کند.
شاهراه	راه وسیع، جادهٔ اصلی که رفت و آمد در آن زیاد باشد.
شاهرگ	رگ بزرگی که خون را از قلب به سر و مغز می‌رساند.
شرافتمند	بزرگوار، باشرف
شغب	فتنه و آشوب
شفاهی	زبانی
شفیع	شفاعت کننده
شگوفایی	پربارشدن
شمه	مقدار اندکی

ص

واژه	معنی
صادرات	اموال تجارتی، که از کشوری به کشور دیگر ارسال شوند.
صاعقه	آتشی که از رعد و برق شدید تولید شود.

صداقت: راستی ودرستی
صعود: بالا رفتن
صنع: آفریدن

ض
ضرب‌المثل: مثال زدن، مثال گفتن

ط
طایر: پرنده
طراوت: شادابی، تازه‌گی

ظ
ظلمت: تاریکی

ع
عابرین: اشخاص پیاده‌رو
عافیت: تندرستی، صحت کامل
عالم: دنیا، جهان
عجم: غیر عرب را گویند.
عدم: نابودی، نیستی
عرش: بلندی، معراج

غ
غرس: کاشتن، نهال شاندن
غلیان: جوشیدن.

ف
فاقد: عدم موجودیت، نبود
فخر: بالیدن، نازیدن
فردوس برین: بلندترین مقام جنت

ق
قاف: نام کوه افسانوی، که سیمرغ بر فراز آن آشیانه داشت.
قرون وسطی: قرون میانه
قلمداد: منسوب کردن، نامیدن

ک
کان: مخزن، معدن
کبار: بزرگ، کبیر
کبریا: دارای عظمت و بزرگی

گ
گران: قیمتی
گرای: میل کن، روی آور
گسترش: پخش کردن

ل
لاهوت: خداوندی، عالم غیب.
لایتناهی: بی‌پایان
لطف: مهربانی
لؤلؤ: مروارید

م
ماده: اصل هر چیز، مایه
مبتنی: وابسته به چیزی
متباقی: باقی مانده
مرغزار: سبزه‌زار، چمنزار
مُل: شراب سرخ
مؤسس: بنیان‌گذار
مُشک: مادهٔ خوشبو که در ناف آهو تولید می‌شود.

ن
نابود: نیست
نارس: نرسیده، نارسیده
نافذ: نفوذ کننده، رسا، روان
نبوت: پیغمبری
نسیم: باد ملایم
نیلگون: آبی‌رنگ

و
واردات: آوردن اموال تجارتی از یک کشور به کشور دیگر
وجیبه: وظیفه
وجیز: کوتاه، مختصر
وسعت: فراخی، گشاده‌گی
وقار: سربلندی

هـ
همای سعادت: بخت و اقبال
همتا: مثل و مانند
همیدون: همچنین

فهرست منابع

۱- سلیمی، نیکنام، بابک، بهترین سخنان پند آموز بزرگان، زنده‌گینامه و آثار آنان، چاپ اول ۱۳۷۸ ش، انتشارات سما، چاپخانهٔ گهر، تهران، ایران.

۲- آزرمی، سعید، نسیم معرفت، حکمت‌های ناب و عمیق در گفتارهای کوتاه و دقیق، چاپ اول، انتشارات بین‌المللی الهدی، سال ۱۳۸۴ ش. تهران، ایران.

۳- ناجی، احسان الله، مفاهیم، تاریخچه و ویژه‌گی‌های حقوق بشر، کابل، اگست ۲۰۰۴ میلادی.

۴- جمالی، شمس الاسلام، پروژهٔ محیط تعلیمی سالم و عاری از مواد مخدر، چاپ اول، سال ۱۳۸۷ هجری، کابل، افغانستان.

۵- سنا غزنوی، محمد اکبر، گلستان لطافت، سال چاپ ۱۳۸۵ ش.

۶- سعیدیان، عبدالحسین، دایرة‌المعارف بزرگ نو، چاپ اول، جلد (۱ -۱۰) ناشران، علم و زنده‌گی – آرام، چاپخانهٔ ایمان، جلد چهارم، تهران، ایران ۱۳۸۵ هـش. دایرة المعارف آریانا.

۷- نایل، محقق حسین، سیری در ادبیات سدهٔ سیزدهم.

۸- عشقری، صوفی، کلیات صوفی عشقری، چاپ اول، انتشارات طلایه، تهران، ایران، سال ۱۳۷۷ ش.

۹- اعتصامی، پروین، دیوان اشعار، چاپ اول، سال ۱۳۸۷، انتشارات طلایه.

۱۰- خطیب رهبر، دکتر خلیل، استاد دانشگاه تهران، گلستان، چاپ چهارم، سال ۱۳۶۶، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ایران.

۱۱- صفا، ذبیح الله، گنج و گنجینه، چاپ دوم، سال ۱۳۶۳ ش، ایران، تهران، چاپخانهٔ کیهانک.

۱۲- ماهنامه‌های (سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب و قوس) سال ۱۳۸۶، ارگان نشراتی ادارهٔ ملی حفاظت میحط زیست، کابل، افغانستان.

۱۳- زنجانی، برات، احوال وآثار و شرح مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی، چاپ دانشگاه تهران، ۲۰۰۸م.

۱۴– فرخاری، احمد یاسین، فردای دیروزین، انجمن هنر و ادبیات افغانستان، چاپ اول، سال ۱۳۷۹، تهران، ایران.

۱۵- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ دوم وسوم، سال ۱۳۶۹، چاپخانهٔ سپهر، انتشارات امیر کبیر، تهران، ایران.

۱۶- شهنامهٔ فردوسی

۱۷- فرخاری، احمد یاسین، دستور سخن، شرکت پریس، چاپ اول، پاکستان.

۱۸- دستگردی، وحید، رسایل جامع خواجه عبدالله انصاری، چاپ پنجم، چاپخانهٔ مروی، تهران، ایران، سال ۱۳۶۸ ش.